



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# عمل صالح و محببات آن در قرآن کریم

(تیزس ماستری)

محصله: حمیرا " فرملی "

استاد راهنما: پوهاند دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۳۹۶ هـ. ش - ۱۴۳۹ هـ. ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# عمل صالح و محببات آن در قرآن کریم

(تیزس ماستری)

محصله: حمیرا " فرملی "

استاد راهنما: پوهاند دکتور عبدالباری " حمیدی "

سال: ۱۳۹۶ هـ. ش - ۱۴۳۹ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترمه حمیرا بنت حمید الله: ID: نمبر SH-MST-95-114 محصل دور دوم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: عمل صالح و محبظات آن در قرآن کریم به روز چهارشنبه تاریخ ۱۹ / ۳ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۷۸ (نمره په عدد) هفتاد و هشت (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## اهدا

این اثر علمی که به نیت خدمت به دین اسلام و مسلمانان انجام شده است ثواب آنرا برای والدین گرامی ام که در پرورش جسمی و تربیه دینی من همه راحت های خود را قربان نموده و برای سعادت و خوش بختی ام از دوران طفولیت تا دوره های تعلیم سعی و تلاش نمودند اهدا مینمایم و از الله متعال میخواهم اجر آن را در نامه حسنات آنها اضافه نماید .

## سپاس گزاری

به مقتضای این فرموده الله متعال ( رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ )<sup>۱</sup> خداوند یکتا و بیهمتای را سپاس گزارم که برایم توفیق بخشید که در راه خدمت گزاران به دینش قرار داده و توفیقم بخشید که از یک دوره تحصیلی علوم شرعی با اتمام رسانیدن رساله تحقیقی در موضوع: محببات عمال صالح در قرآن کریم فارغ گردیدم.

جادارد با امتثال به این فرموده الله متعال (وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ)<sup>۲</sup> و با اتباع از این ارشاد نبی کریم ه که فرمودند «لایشکرالله من لایشکرالناس»<sup>۳</sup>.

و در روایتی هم فرمودند: « من صنع اليكم معروفا فكافنوه ، فان لم تجدوا ما تكافنونه، فادعوا له حتى تروا انكم قد كافأتموه »<sup>۴</sup>.

ابتداء از استاد محترم پوهاند دكتور "عبدالباری حمیدی" که سمت استاد راهنما در تهیه رساله ام را عهده دار بودند و از اندوخته های علمی شان در جریان این دوره تحصیلی خیلی ها مستفید گردیدم قلبا اظهار سپاس و امتنان می نمایم و سپس از تمام استادان محترم به صورت فردی و اجتماعی تشکری مینمایم ، و از استادانیکه عضو هیأت مناقشه و عهده دار مجلس دفاع رساله ام میباشند شکرگذارم، و متعاقبا از بنیان گذار محترم پوهنتون سلام ، جناب رئیس ، اعضای اداری تمام دست اندرکاران این اداره علمی سپاس گزارم.

اسأل الله عزوجل ان يجعل هذا العمل في ميزان حسناتنا جميعا ، والله الموفق والمستعان وهو الهادي الى سواء السبيل .

### با احترام

### حمیرا "فرملی"

<sup>۱</sup> - سوره نمل ، ۱۹/

<sup>۲</sup> - سوره لقمان ، ۱۲/

<sup>۳</sup> - السجستاني ، سليمان بن اشعث بن اسحاق بن بشير [م ۲۷۵هـ] سنن أبي داود: تحقيق شعيب الارنؤوط ، ط (۱۴۳۰) هـ.

دارالرسالة العلمية بيروت ، كتاب الأدب ، باب في شكر المعروف (ص ۸۷۲ ح/ ۴۸۱۱) ، وقال عنه الألباني: صحيح.

<sup>۴</sup> - ابو عيسى ، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاک الترمذی ، [ت ۲۷۹هـ] سنن الترمذی: تحقيق محمد ناصر الدين الالباني ، مكتبة المعارف بيروت. ، كتاب البر والصله ، باب ما جاء في الشكر لمن احسن اليك (ج ۴/ص ۲۹۹). وقال هذا حديث حسن صحيح.

## خلاصه موضوع

موضوع تحقیق که عبارت از "محببات عمل صالح در قرآن کریم" است از موضوعات مهمی است که در قرآن کریم و سنت نبوی از جای گاه خاصی برخوردار میباشد و این موضوع از لحاظ محتوا و شیوه تحقیق شامل مطالبی چون معرفی جزئیات مثل تعارف از عمال صالح، و آثار آن در زنده گی دنیوی و آخروی، معرفی گناهایی که به قلب، قول و فعل تعلق داشته و منجر به نابودی اعمال صالح فرد مؤمن میگردد، البته همه ی اعمال صالح و گناهان نابود کننده آن در قرآن کریم جستجو گردیده است، بدیهی است که ایمان و عمل با هم ربط و پیوندی دارند و لازم و ملزوم همدیگرند و گناهایی که به قلب، قول و فعل انجام میشوند ایمان و عمل صالح را متأثر ساخته و حتی از بین میبرند بناء تحقیق در این موضوع از چند جهت دارای اهمیت میباشد:

-از جهت اینکه تعلق این موضوع به ایمان و عمل است که قرآن کریم هر دو را به هم ربط داده، مقصد آفرینش و عامل نجات انسان در دنیا و آخرت خوانده است.

-از جهت اینکه گناه ها اعمال صالح را نابود میکنند، و با هم در تضاد میباشد باید از عواقب زیان بار گناهان آگاهی حاصل شود.

-از جهت اینکه قرآن کریم به اعمال صالح ترغیب و تشویق نموده و پیوسته از گناهان برحذر داشته و آن را نابود کننده عمل صالح خوانده است.

-موضوع، به شیوه استقرایی در قرآن کریم و کتب تفسیر و حدیث و بعضا اقوال فقهاء جستجو شده است.

موضوع، شامل نتایج مهمی چون: بیان رابطه ایمان و عمل صالح و بیان اهمیت ایمان و عمل صالح و آثار مرتبه بر آن، اثر اخلاص در عمل و فوائد آن، بیان تأثیر گزاری گناهان در بطلان ثواب عمل صالح، و اینکه محببات عمل صالح به قلب، قول و فعل تعلق داشته و به ایمان و عمل هر دو اثر گزار میباشد، و آگاهی از موضوع حبط عمل با ارتکاب گناهان افراد و جامعه را به صلاح و فلاح دارین وادار میسازد.

واژه های کلیدی: محببات، عمل صالح بررسی آن در قرآن کریم.

## فهرست عناوین

مقدمه: ..... ۱

### فصل اول

#### کلیات و مفاهیم

مبحث اول تعریف عمل صالح در لغت و اصطلاح ..... ۸

مطلب اول - مفهوم لغوی عمل و صالح به صورت انفرادی: ..... ۸

مطلب دوم- مفهوم اصطلاحی عمل و صالح به صورت انفرادی: ..... ۹

مطلب سوم- مفهوم عمل صالح از حیث مرکب وصفی: ..... ۹

مبحث دوم الفاظ مترادف و متضاد عمل صالح و اطلاقات آن ..... ۱۱

مطلب اول- الفاظ مترادف عمل صالح: ..... ۱۲

مطلب دوم- الفاظ و کلمات متضاد عمل صالح: ..... ۱۴

مطلب سوم- اطلاقات عمل صالح در قرآن کریم: ..... ۱۸

مبحث سوم انواع عمل صالح در قرآن کریم ..... ۲۲

مطلب اول- اعمال قلبی: ..... ۲۲

مطلب دوم- اعمال بدنی و مالی: ..... ۲۴

مطلب سوم- اعمال قولی: ..... ۲۶

مطلب چهارم - انواع عمل صالح در اخلاق و آداب اجتماعی: ..... ۲۸

### فصل دوم

#### اهمیت، شروط و آثار عمل صالح

مبحث اول اهمیت عمل صالح ..... ۳۵

مطلب اول - اهمیت عمل صالح: ..... ۳۵

مطلب دوم- اهمیت عمل صالح از حیث تلازم با ایمان: ..... ۳۶



- مبحث دوم شروط قبولیت عمل صالح ..... ۳۹
- مطلب اول - عمل باید شرعی باشد: ..... ۳۹
- مطلب دوم - اخلاص در عمل: ..... ۴۰
- مطلب سوم - عمل از مؤمن صادر شده باشد: ..... ۴۴
- مبحث سوم آثار دنیوی و آخروی اعمال صالحه ..... ۴۵
- مطلب اول - آثار دنیوی اعمال صالح: ..... ۴۵
- مطلب دوم - آثار آخروی عمل صالح: ..... ۴۷
- مطلب سوم - آثار عمل صالح بر جامعه و حالات اجتماعی: ..... ۵۵

### فصل سوم

#### تعریف و انواع محببات (قلبی، قولی و فعلی) عمل صالح در قرآن کریم

- مبحث اول تعریف محببات و اعمالیکه حبط میشوند ..... ۵۹
- مطلب اول - تعریف محببات در لغت و اصطلاح: ..... ۵۹
- مطلب دوم - الفاظی که معنای حبط عمل را افاده میکند: ..... ۶۱
- مطلب سوم - اعمالیکه "حبط" (باطل میشوند): ..... ۶۳
- مبحث دوم انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام میگردد ..... ۶۵
- مطلب اول - شرک به الله متعال: ..... ۶۶
- مطلب دوم - کفر جحود و تکذیب: ..... ۷۰
- مطلب سوم - شک نمودن در حکمی از احکام و خبری از اخبار الهی: ..... ۷۴
- مطلب چهارم - کفر نفاق (نفاق اعتقادی): ..... ۷۶
- مطلب پنجم - انکار از وجود ملائکه و جن: ..... ۷۹
- مبحث سوم انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام نمیگردد ..... ۸۵
- مطلب اول - ناامیدی از رحمت خداوند متعال: ..... ۸۵

- مطلب دوم - ریا (خود نمائی): ..... ۸۷
- مطلب سوم - نفاق عملی: ..... ۸۹
- مبحث چهارم انواع محببات قولی که سبب خروج از اسلام میگردد ..... ۹۰**
- مطلب اول - بد گویی از خداوند متعال، ملائکه، پیغمبران و تمسخر بر آنها: ..... ۹۱
- مطلب دوم - ادعای نبوت: ..... ۹۴
- مطلب سوم - دعا و طلب کردن حاجت از غیر الله: ..... ۹۷
- مطلب چهارم - تهمت و دروغ بستن با خداوند متعال: ..... ۱۰۲
- مبحث پنجم انواع محببات قولی که سبب خروج اسلام نمیگردد ..... ۱۰۵**
- مطلب اول - تهمت زدن بر زنان پاک دامن: ..... ۱۰۵
- مطلب سوم - سخن چینی: ..... ۱۱۰
- مطلب چهارم - منت گذاشتن بعد از تعاون و همکاری: ..... ۱۱۲
- مبحث ششم انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام میگردد ..... ۱۱۴**
- مطلب اول - شرک در عبادت: ..... ۱۱۴
- مطلب دوم - اهانت به مصحف (قرآن کریم): ..... ۱۱۷
- مطلب سوم - روی گردانیدن از دین الله متعال: ..... ۱۲۰
- مبحث هفتم انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام نمیگردد ..... ۱۳۰**
- مطلب اول - زنا و لواط: ..... ۱۳۰
- مطلب دوم - شراب نوشی: ..... ۱۳۳
- مطلب سوم - سود خوری: ..... ۱۳۶
- نتیجه بحث ..... ۱۳۹**
- فهرست منابع: ..... ۱۴۲**

## مقدمه:

الحمد لله وحده الذى خلق الجن والانس للعبادة من يهد الله فلا مضل له ومن يضلله فلا هادى له واشهد انه لا شريك له ، ونعوذ به من شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله واصحابه اجمعين.

وبعد : خداوند متعال انسانها را به هدف آباد سازی خانه آخرت که محل زنده گی جاودانه هست خلق نموده و آنها را برای مدت کوتاهی در زمین فرود آورده است و مقصد این زنده گی کوتاه مدت را زمینه سازی برای آن زنده گی دایمی خوانده است لذا خداوند متعال مقصد آفرینش انسانها را در زمین طاعت و بنده گی خوانده فرموده است : ( وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ )<sup>۱</sup>. «من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام .

عبادت مفهوم گسترده ی داشته که عقیده ، عمل و اطاعت از اوامر و اجتناب از منهیات همه را شامل میگردد و عبادت همان اعمال صالح است که انسان توسط آن مقصد آفرینش خود را تعقیب میکند و باعث نجات آخری او میگردد. البته عمل صالح در چار چوب عقیده و اطاعت از اوامر و اجتناب از منهیات سبب نجات انسان شده میتواند، و خدا متعال برای رسیدن انسان به این هدف او را راهنمایی نموده چنانچه فرموده است : ( إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا )<sup>۲</sup>. «ما راه را بدو نموده ایم ، چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس .

بنابر این تعقیب این مقصد امر اختیاری برای انسانها بوده نه اجباری اگر فردی از خواهشات نفسانی اش پیروی کرد در نتیجه راه هدایت را گم کرده و به بیراهه رفته است و یا اینکه مسلمانی با داشتن ایمان راه ضلالت و انحرافات را اختیار نموده همراه با انجام اعمال صالح گناه ها و خطا هایی را مرتکب شود که ثواب و ثمره اعمال صالحش را باطل نماید چنانکه خداوند متعال فرموده است : ( قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا )<sup>۳</sup>.

« ای پیغمبر ! به کافران ) بگو : آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم ؟ آنان کسانی که تلاش و تکاپویشان ( به سبب تباهی عقیده و باورشان ) در زندگی دنیا هدر می رود ( و بیسود می شود ) و خود گمان می برند که به بهترین وجه کار نیک می کنند ( و طاعت و عبادت شرک آلودشان موجب

<sup>۱</sup> - سوره الزاریات/۵۶.

<sup>۲</sup> - سوره انسان/۳

<sup>۳</sup> - سوره کهف/۴۳-۵۴-۵۵.

رستگاریشان می شود). آنان کسانی که به آیات (قرآنی و دلائل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان دیگر، برای حساب و کتاب) بی باور و کافرند، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر می رود، و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی شویم (و قدر و منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت). به همین مناسبت موضوع محببات اعمال صالح یکی از موضوعات مهم غرض آگاهی مسلمانان از خطرات آن میباشد و از اهمیت ویژه ی بر خوردار است.

### ۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

عمل صالح از موضوعات است که در قرآن کریم و سنت نبوی از اهمیت خاصی بر خوردار میباشد، زیرا ایمان و عمل صالح لازم و ملزوم همدیگرند خداوند متعال در قرآن کریم در جاهای متعددی ایمان و عمل صالح را یکی پی دیگری ذکر نموده است.

در این موضوع تحقیقی از خطاها و گناهیانی بحث میشود که در خفت ترازوی اعمال اثر گزار بوده و یا اصلا اعمال صالح فرد مؤمن را باطل میسازد. که در قرآن کریم بیان شده است و آن محببات عمدتا در سه بخش خلاصه شده است که عبارتند از:

۱- محببات قلبی.

۲- محببات قولی.

۳- محببات عملی.

البته آثار مرتبه به هر سه بخش محببات در یک درجه قرار ندارند بلکه به دو بخش تقسیم میشوند (برخی از آن سبب خروج از اسلام میگردد و به این وسیله اعمال صالح شخص را باطل میگردد و برخی دیگری باعث بطلان عمل میگردد اما سبب خروج از اسلام نمیشود).

آگاهی از آثار دنیوی و آخروی اعمال صالح و گناهان و انواع محببات و تأثیر گذاری آن بر افراد و اجتماع در دنیا به اعتبار تأثیر منفی آن در زنده گی آخرت امر مهم برای هر فرد مؤمن میباشد و به این وسیله مسلمانان از عواقب خطرناک محببات مطلع شده و به انجام اعمال صالحه تشویق میشوند.

### ۲- اسباب اختیار موضوع:

موضوع تحقیق از چند لحاظ حایز اهمیت میباشد:

۱- ترویج و انتشار گسترده انواع گناهان در میان مسلمانان به ویژه در کشور ما در سه بخش محببات قلبی، قولی و عملی که دلیل آنهم نا آگاهی های دینی میباشد.

۲- اسرار به معاصی و گناهانی که سبب بطلان عمل صالح میشوند خشم خداوند متعال را باعث میشود و آگاهی بخشیدن جامعه از اضرار آن میتواند آنان را به رجوع به توبه واداشته و سبب رضایت خداوند متعال شود.

۳- برگشت انسان به آخرت در گرو اعمال صالح آن است که در زنده گی دنیایی اش انجام میدهد ، و طبیعتاً انسان مسلمان گاهی خطاها و گناهانی را مرتکب میشود که عمل صالحش را که سبب نجات او در آخرت است باطل میسازد و گاهی هم شیطان عمل زشتش را مزین ساخته و بدی ها را نیکی میپندارد و مصداق این فرموده خداوند متعال قرار میگیرد که فرموده است: (الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا)<sup>۱</sup>. و بهترین تهفه ی ک برای او داده شود آگاهی بخشیدن او از این خطر میباشد.

۴- بسیاری از گناهان طوری اند که سبب زیان مندی مرتکبش در دنیا و آخرت میگردند و به این وسیله مرتکب آن از کسانی میباشدند که در دنیا و آخرت خساره ی را متحمل شده اند این حالت ایجاب میکند که عواقب زشت کنهان بیان شود تا حجتی بر آنها قایم شود و شاید هم توبه نموده تقوا را پیشه کنند.

### ۳-اهداف تحقیق:

انتخاب یک موضوع برای تحقیق اولاً از نظر محقق حایز اهمیت بوده و سپس برخی از عوامل باعث انتخاب آن میگردد:

۱- نخستین هدف برای تحقیق در موضوع "محببات عمل صالح ، نیاز جامعه امروزی برای آگاهی از این موضوع و خدمت به کتاب الله و سنت رسول الله<sup>۵</sup> و طلب رضای خداوند متعال میباشد رجامندم این خدمت را مورد قبولش گردانیده و در میزان حسنات ام قرار دهد.

۲- بیان و توضیح اعمال زشت و اضرار آن و اینکه هر گناهی که عمل صالح را نابود میکند عاملش را از اسلام خارج نمیسازد.

۳- بیان و توضیح اینکه آثار گناها تنها بر افراد مربوط نمیشود بلکه جامعه را نیز متضرر میسازد، چنانچه خداوند متعال فرموده است: ( وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ )<sup>۲</sup>.

« خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی گردد که ستم می کنند ( بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود ، خشک و تر به گناه آنان می سوزد ) و بدانید که خداوند دارای کیفر سخت و مجازات شدید است .

۱- سوره کهف/ ۱۰۴ .

۲- سوره انفال/ ۲۵ .

۴- توضیح و بیان اینکه جزای گناه ها و خطاها کلاً آخروی نمیباشند بلکه گاهی جزای گناه دنیوی هم میباشد و گاهی هم جزای گناه به آخرت باقی نمیماند مثل اینکه گناه کار در دنیا توبه کند.

۵- آگاهی دهی گناه کاران و بیدار ساختن آنها از خواب غفلت تا اینکه ارتکاب گناه را ترک گویند و با ندامت و طلب آمرزش به سوی خداوند متعال برگردند زیرا آثار گناه به توبه از بین میرود و حتی خداوند متعال وعده میدهد که سیئات را به حسنات مبدل گرداند، چنانچه میفرماید: (إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)<sup>۱</sup>.

« مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، که خداوند (گناهان چنین کسانی را می بخشد و) بدیها و گناهان (گذشته) ایشان را به خوبیها و نیکیها تبدیل می کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است (و نه تنها که سیئات را می بخشد، بلکه آنها را تبدیل به حسنات می نماید) .

#### ۴- پیشینه موضوع تحقیق:

هرگاه کسی بخواهد روی موضوعی تحقیق کند دستور العمل تحقیقی ایجاب مینماید که تحقیق کننده به مراجع و تحقیقاتی مراجعه نماید تا در راستای غنی سازی تحقیقش از آنها استفاده نماید و هم برای بر طرف سازی نواقص تحقیقات قبلی به حد توان تلاش نماید. بناء در ضمن تحقیق تلاش نمودم اما به تحقیقی در عین موضوع به زبانهای ملی بر نخوردم و به برخی از مقالاتی بر خوردم که به زبان فارسی از طرف نویسندگان ایرانی نوشته شده بود که از اشتباهات علمی خالی نبود البته کتابها، و برخی رساله ها و مقالات عربی را در یافتیم که به اشکال و شیوه های خاصی روی برخی از جوانب این موضوع تألیف و تحقیق نموده بودند که کتابها مراجع این تحقیق را تشکیل میدهند البته در تحقیق بیشتر از تفاسیر استفاده شده است:

و از رساله های تحقیقی رساله ی را تحت عنوان:

۱- «محببات عمل الصالح و آثارها کما یصورها القرآن الکریم» این تحقیق رساله دکتورا است که توسط دکتور "نصرالله، جندی" تحقیق و ترتیب شده است رساله مذکور در سه باب و فصل های متعدد ترتیب شده است که در باب اول بعد از معرفی اعمال صالح و محببات آن در چند فصل باب اول محببات عمل صالح را به سه نوع قلبی، قولی و فعلی تقسیم نموده و هر نوع را مفصلاً مورد بررسی قرار داده است و در باب دوم راجع به آثار عمل صالح بحث شده است این رساله تحقیقی از لحاظ محتوا و بررسی جوانب مختلف اعمال صالح و گناهان باطل کننده و اثر گذاری آن در حیات دنیوی و آخروی حایز اهمیت بوده اما

<sup>۱</sup> - سوره فرقان/۷۰.

به نسبت اینکه به زبان عربی است قابل استفاده برای مردم کشور ما نیست خواستیم تحقیق مشابهی را در موضوع محببات عمل صالح از دیدگاه قرآن کریم به زبان ملی انجام دهیم.

۲- «نواقض الايمان القولية والعملية» تألیف دکتور: عبدالعزیز بن محمد میباشد که تحقیق علمی ارزنده‌ی در مورد نواقض ایمان و عمل بوده اما این تحقیق فقط گناهی را به بررسی گرفته است که فرد مرتکبش از اسلام خارج میشود در حالیکه محببات عمل صالح به این بخشی گناهان منحصر نبوده بلکه در هر سه مورد محببات، قلبی، قولی و عملی، گناهی هستند که عمل صالح را باطل میسازد اما فاعلش از اسلام خارج نمیشود.

۳- «رساله محببات الاعمال» که توسط دکتور محمد بن ابراهیم به شته تحریر در آمده است این رساله بدون فصل و مبحث با شمارش محببات اعمال صالح را از دیدگاه قرآن کریم و سنت رسول الله ۵ مورد بحث و بررسی قرار داده است.

#### ۵- سوالات تحقیق و فرضیه‌ها:

سوالات تحقیق عبارت از طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های مقدماتی است که تحقیق جوابگوی آن میباشد.

#### سوالات کلی:

۱- عمل صالح به کدام نوع عبادات گفته میشود؟ و چه اثری را در زنده گی دنیا و آخرت فرد مسلمان دارد؟

۲- محببات عمل صالح چیست؟ بر چند نوع بوده؟ و چگونه اعمال صالح را باطل میسازد؟

#### سوالات عمومی و فرضیه‌ها:

۱- رابطه عمل صالح با ایمان چگونه هست؟

۲- عمل صالح از چه جایگاهی برخوردار است؟ و تحت کدام شرایطی مورد قبول خداوند متعال قرار میگیرد؟

۳- عمل صالح چه آثاری را در حیات فرد و جامعه به جا میگذارد؟

۴- اخلاص در عمل از چه جایگاهی برخوردار است؟ و چه فوایدی را دارا میباشد؟

۵- محببات چیست؟ و چگونه باعث بطلان عمل میشود؟

۶- با انجام افعال نابود کننده عمل کدام نوع اعمال؟ و چگونه باطل میشوند؟

۷- آیا میتوانیم محببات اعمال صالح را به، قلبی، قولی و فعلی تقسیم نمائیم؟

۸- و آیا میشود همه ی محببات سبب خروج فرد مسلمان از اسلام شده؟ و به این سبب اعمال او را باطل نماید؟

۹- محببات قولی و فعلی کدام نوع اقوال و افعال را گفته میشود؟ شامل کدام نوع گناهان میگردد؟ و چگونه اعمال صالح را باطل میکند؟

### ۶- روش تحقیق:

روش تحقیق، استقرایی بوده و آیات قرآنی جستجو شده اند که منطوق ظاهری آن به حبط عمل دلالت دارد و آن آیات به شیوه های موضوعی در علم تفسیر بررسی شده است.

۱- جمع بندی آیاتیکه به حسب مفهوم به حبط اعمال دلالت دارند، معنا و مفهوم آن آیات در کتب تفسیر و اقوال علماء جستجو شده است .

۲- نقل احادیث در مناسبت با هر نوع محببات عمل صالح .

۳- ذکر اقوال به صورت مفهومی و نقل برخی از متون به صورت موجز و مختصر.

۴- البته از معرفی اشخاص که اقوال و نظریات شان نقل شده است به ویژه مفسرین و محدثین به نسبت طولانی شدن موضوع صرف نظر نمودم.

۵- ذکر نام کتاب، زمان و مکان طبع و نام مؤلف بدون مواصفات درپاورقی.

۶- نقل آیات از مصحف و ترجمه آن از تفسیرفارسی نور از مصطفی خرم دل.

۷- نقل متن احادیث ترجمه و تخریح آن با ذکر اقوال علماء به علاوه از روایات که از صحیحین نقل شده است.

۸- استفاده مکرر از مراجع و مصادریکه متعلق به موضوع بحث میباشد.



## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

مبحث اول- تعریف عمل صالح در لغت و اصطلاح؛

مبحث دوم- الفاظ مترادف عمل صالح و الفاظ متضاد اطلاق و مشتقات آن؛

مبحث سوم- انواع عمل صالح در قرآن کریم.

## مبحث اول

### تعریف عمل صالح در لغت واصطلاح

در این مبحث تعریف عمل و صالح به صورت انفرادی واز حیث مرکب وصفی تحت مطالب ذیل صورت میگیرد.

#### مطلب اول – مفهوم لغوی عمل و صالح به صورت انفرادی:

طوریکه میبینیم «عمل صالح» مرکب وصفی بوده واز دو کلمه عمل و صالح ترکیب شده است بناء به غرض معرفت بهتر آن لازم است هر دو طرف آن به صورت جدا گانه ی تعریف شوند.

#### تعریف لغوی عمل :

"عمل" مفرد و جمع آن اعمال است "عمل عملا" به کسی گفته میشود که کاری را خودش انجام دهد و "اعمله" در صورت گفته میشود کسی دیگری کاری را انجام دهد "عامل" انجام دهنده ی کار و "استعمل" کسیکه به کاری گماشته شود "عمل به" چیزی که به واسطه آن کاری انجام داده شود و "واعمل رأیه" نظرش را به کار گرفت (در به کار گیری رأی و نظر نیز استعمال میشود)،<sup>۱</sup>.

#### تعریف لغوی صالح:

"صَلَحَ" به فتح "صاد" وضم لام، به معنای تغییر حالت در قاموس ها ماده (ص ل ح) به صورت یک اصل واحدی در مقابل فساد به کار رفته است "صلح، یصلح صلاحا وصالحا" به معنای استقامت حال، پابر جا بودن بر یک حالت، فعل و عمل خوب.<sup>۲</sup> "صالح" کسیکه کار خوبی انجام دهد "صلح عمله" عملش درست شد این جمله وقتی گفته میشود که فرد عمل نیکی را انجام دهد وصلاح عمل درستی آن بر مبنای شروط شرعی آن میباشد، "الصلاح" گذاشتن یک شیئی بر یک صفتی که از آن نفع برده شود.<sup>۳</sup> و "صلح" به ضم صاد به معنای اقامه امن و ختم منازعه و "مصالحه" به معنای مسالمة آوردن توافق بعد از منازعه استعمال شده است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابوالفضل جمال الدین الانصارى الرویفعی، ط (۱۴۱۱) هـ لسان العرب دارصادر بیروت الطبعة الثالثة، ج ۹/ص ۴۰۰ و فیروز آبادی، مجدالدین ابو طاهر محمد بن یعقوب، (۱۴۲۶) هـ القاموس المحيط: مؤسسة الرسالة بیروت ج ۴/ص ۲۲.

<sup>۲</sup>- ابن منظور: لسان العرب ج ۲/ص ۵۴۲. ماده (صلح).

<sup>۳</sup>- ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران العسکری، الفروق اللغوی، التحقیق والتعلیق محمد ابراهیم سلیم ط دارالعلم والثقافة بیروت: ص ۲۲۲.

<sup>۴</sup>- احمد بن فارس، بن زکریاء القزوینی الرازی ط (۱۳۹۹) هـ معجم مقایس اللغة تحقیق عبدالسلام محمد هارون دارالفکر بیروت: ج ۳/ص ۳۰۳ و لسان العرب ج ۷/ص ۳۸۴ و محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی ابوالفیض مرتضی الزبیدی (ب ت) : تاج العروس، طبع دارالهدایة : ج ۶/ص ۵۴۷.

**مطلب دوم - مفهوم اصطلاحی عمل و صالح به صورت انفرادی:**

عمل در اصطلاح به معنای انجام دادن یک کار به صورتی که عامل قصد و اراده قلبی به انجام آن نیز داشته باشد، که به امور فزیکتی، مصروفیت های زنده گی و امور دینی و معنوی نیز استعمال میشود چنانچه عبادات را اعمال گفته شده و در حدیثی آمده است « **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ** »<sup>۱</sup>.

«قبولیت و درستی اعمال به نیت ها است و برای هر فرد آنچه میسر میشود که نیت کرده است پس کسیکه [وطنش را به قصد به دست] آوردن دنیا ترک کند نصیبش میشود و یا [به قصد رسیدن] به زنی که با او نکاح کند هجرتش به آنچه میباشد که به طرف آن (به قصد و اراده) آن هجرت کرده است. از این حدیث بر میآید لفظ عمل به تمام امور دینی و دنیایی اطلاق میشود، و همچنان فعل قلب و امور معنوی را عمل گفته میتوانیم.

**وصالح** / در اصطلاح به معنای "نافع" کاریکه نفع دنیوی و آخروی داشته باشد از عیب و نقصان پاک بوده مداوم بوده و با استقامت انجام شود.<sup>۲</sup>

**و یا صالح و صلاح** / عبارت است از اختیار راه هدایت و استقامت بر آنچه که عقل به طرف آن میلان داشته باشد "صالح" کسیکه بر یک حالت خاص مداومت نماید.<sup>۳</sup>

**مطلب سوم - مفهوم عمل صالح از حیث مرکب وصفی:**

طوریکه قبلاً بیان شد، عمل به معنای انجام دادن کاری از روی قصد و اراده، و صالح به معنای نافع و خوب پس "عمل صالح" به کاری درستی گفته میشود که از عیب و نقصان پاک باشد.<sup>۴</sup>

از عمل صالح از حیث مرکب وصفی در اصطلاح تعریف های متعددی کرده شده است، عمل صالح به عملی گفته میشود که از هر نوع فساد و علت قاذحه پاک باشد.<sup>۵</sup>

- «و یا عمل صالح فعل خیر و پسندیده ی را گفته میشود که شرع، عقل و فطرت سالم آنرا تأیید نموده باشد و عاملش را مستحق اجر و پاداش اخروی گرداند.<sup>۶</sup>

۱- اخرجہ البخاری، کتاب الایمان، باب بدء الوحی، ج ۱/ص ۳.

۲- ابی القاسم جارالله محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، (ب ت) حقایق التنزیل و عیون الاقوال، مکتبه مصطفی البیابی مصر، ج ۲، ص ۱.

۳- قیومی، احمد بن محمد: ط (۱۴۰۸) هـ المصباح المنیر المکتبه العصریة بیروت الطبع الثانی ج ۱/ص ۳۲۵.

۴- ابراهیم انیس، ط (ب ت) مجمع اللغة العربیة، المعجم الوسیط، ص ۵۳۹.

۵- سعدی بن ابی حبیب، (ب ت) القاموس الفقہی، طبع دارالفکر العربی ص ۲۱۵.

۶- وهبه الزحیلی، ط (۱۴۱۸) هـ التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دارالفکر بیروت ج ۱/ص ۱۰۷.

-وزمخشری رحمه الله در تفسیرش عمل صالح را اینگونه تعریف کرده است «**العمل الصالح كل فعل موافق لشرع الله تعالى وليس فيه مخالفة شرعية وهو الذي يحمل النفس على ترك الدنيا وطلب الآخرة**»<sup>۱</sup>.

«عمل صالح هر فعل و روشی است که موافق شریعت بوده و هیچ نوع مخالفتی با شرع نداشته باشد، و آن هر عملی است که فرد عمل کننده را به ترک دنیا و طلب آخرت وادار نماید.

قرآن کریم گاهی عمل صالح را به فساد و گاهی هم به سیئه مقابل ساخته است چنانچه در مورد تقابل با فساد فرموده است: (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ)<sup>۲</sup>.

«در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش، و امید به رحمتش). بیگمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است. (پس نیکوکار باشید تا دعای شما پذیرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود).

(اصلاح زمین با اصلاح افراد ساکن در زمین نیاز دارد و اصلاح افراد مربوط میشود به صلاح عمل آنها، نیکوکار بودن اصلاح زمین و بد کار بودن افساد زمین است، از این جهت خداوند متعال در اول آیت فرمود (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) و در آخر فرمود: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ) و در مورد تقابل عمل صالح با سیئه فرموده است: (وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا)<sup>۳</sup>.

«مردمان دیگری هم هستند که (نه از پیشگامان نخستین، و نه از منافقین بشمارند و) به گناهان خود اعتراف می کنند، و کار خوبی را با کار بدی می آمیزند (و گاهی به حسنات و زمانی به سیئات دست می یازند)

صلاح انسان گاهی خلقی، گاهی به برطرفی فساد بعد از به وجود آمدن آن، و گاهی هم به درخواست صالح بودن از طرف بنده میباشد:

-چنانچه در مورد صلاح خلقی میفرماید: (كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ)<sup>۴</sup>.  
«خداوند گناهانشان را می بخشاید و بدیهایشان را نادیده می گیرد، و حال و وضعشان را خوب می سازد».

<sup>۱</sup>- زمخشری، حقایق التنزیل و... ج ۱/ص ۲۵۵.

<sup>۲</sup>- سوره اعراف / ۵۶.

<sup>۳</sup>- سوره توبه / ۱۰۲.

<sup>۴</sup>- سوره محمد / ۲.

بنا به قول قتاده، مجاهد رحمهما الله وابن عباس رض مراد از "اصح بالهم" اصلاح و درستی حالت قلبی است هرگاه قلب اصلاح باشد به این وسیله عقیده درست گردیده و سبب عصمت از معاصی و گناها میگردد (خداوند متعال آنان را طوری خلق کرده است که به شرک و گناهان کبیره میلان ندارند و به اعمال صالح توفیق شان بخشیده است که به این وسیله سیئاتی را که در گذشته انجام داده اند بخشیده است و یا اینکه از معصیت نگاه داشته و به اعمال خیر راه نمود شان کرده است.<sup>۱</sup>

- و در مورد برطرفی فساد فرموده است (يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا).<sup>۲</sup>

«در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می دهد و) اعمالتان را بایسته می کند و گناهانتان را می بخشاید. اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می یابد. در آیه قبل از تقوا و سخن درست (خویشتن را با انجام خوبیها و دوری از بدیها از عذاب او در امان دارید) و در نتیجه آن کامیابی بزرگی را نصیب شوید.

اعمال تان را از فساد حفظ میکند و حالت آینده تان را بهتر میگرداند.

- و در مورد تقاضای صلاح عمل فرموده است (قَالَ رَبُّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ).<sup>۳</sup>

«و فرزندانم را صالح گردان و صلاح و نیکوئی را در میان دودمانم تداوم بخش. من توبه می کنم و به سوی تو برمی گردم، و من از زمره مسلمانان و تسلیم شدگان فرمان یزدانم.»

## مبحث دوم

### الفاظ مترادف و متضاد عمل صالح و اطلاقات آن

در قرآن کریم کلمات دیگری نیز استعمال شده است که از لحاظ مفهوم افاده عمل صالح را مینماید، و همچنان کلماتی هستند که در تضاد با عمل صالح به کار رفته اند. که ذیلا در دو مطلب جدا گانه بیان میگردند.

<sup>۱</sup> - محمد بن علی بن محمد المعروف بالشوكاني، [ت ۱۲۵۰هـ] ط، (۱۴۰۷) هـ ق، فتح القدير، الطبعة الثانية دارالكتب العلمية بيروت. ج ۶/ص ۴۷۰. جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن علي بن محمد الجوزي زاد المسير في علم التفسير: تحقيق عبد الرحمن المهدي (۱۴۲۲هـ) دارالكتاب العربي بيروت الطبعة الالوية. ج ۵/ص ۳۷۲.

<sup>۲</sup> - سوره احزاب/۷۱.

<sup>۳</sup> - سوره احقاف/۱۵.

**مطلب اول - الفاظ مترادف عمل صالح:****۱- طاعت:**

طاعت در لغت به معنای انقیاد و موافقت استعمال شده است گفته میشود "اطاعه" و قتیکه از او فرمان برده و منقاد امرش شود "طوع علی امر" و قتیکه در یک امر با شخصی موافقت شود.<sup>۱</sup> و همین معنای عمل صالح است (انقیاد، فرمانبردن از اوامر و موافقت به امور شرعی را عمل صالح نامیده میشود، و نسبت در میان طاعت و عمل صالح عموم و خصوص مطلق است) هر عمل صالح طاعت بوده و هر طاعت عمل صالح نمیباشد. و در اصطلاح: طاعت عبارت است از موافقت امر شارع در فعل خیرات و ترک منکرات، و یا طاعت عبارت است از امتثال امر و نهی.<sup>۲</sup>

و اطاعت به معنای فرمانبردن و انقیاد از دستورات دینی صادر شده از طرف خداوند متعال و رسول الله ص یکی از اوامر شرعی است که قرآن کریم در آیات متعددی به صیغه امر به آن حکم داده است از جمله این فرموده خداوند متعال: ( قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا )<sup>۳</sup>.

« بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید ( اطاعت صادقانه ای که اعمالتان بیانگر آن باشد ) . اگر سرپیچی کردید و روی گردان شدید ، بر او ( که محمد و پیغمبر خدا است ) انجام چیزی واجب است که بر دوش وی نهاده شده است ( و آن تبلیغ رسالت است و از عهده اش هم برآمده است و کار خود را کرده است ) و بر شما هم انجام چیزی واجب است که بر دوش شما نهاده شده است ( که اطاعت صادقانه و عبادات مخلصانه است ) اما اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید یافت.

و در آیه دیگری به اطاعت امر شده و خلاف طاعت عمل نمودن را سبب بطلان عمل خوانده شده است : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ )<sup>۴</sup>.

« ای مؤمنان ! از خدا و پیغمبر اطاعت کنید ، و کارهای خود را ( با انجام معاصی ) باطل مگردانید .

**۲- معروف :**

<sup>۱</sup>- ابن منظور: لسان العرب ج ۱۲ / ۸۷.

<sup>۲</sup>- محمد بن علی الجرجانی ، التعريفات بدون رقم طبعة تاریخ الطبع ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م. دار الکتب العربی - بیروت. ص ۱۸۲ ، وحاشیة الشرفاوی علی التحریر ۱ / ۱۵۸.

<sup>۳</sup>- سوره نور / ۵۴.

<sup>۴</sup>- سوره محمد / ۳۳.

معروف یک کلمه جامعی است که انجام طاعت و عبادت، احسان به مخلوق و تمام افعال و اعمال پسندیده و اجتناب منکرات و منهیات شرعی را شامل میشود.<sup>۱</sup>

یا معروف چیزی است که عقل آن را بپذیرد، و شرع آنرا برقرار داشته، و موافق طبیعت انسانی بوده باشد.<sup>۲</sup> ابن قیم رحمه الله در تفسیر زاد المسیر گفته است: معروف طاعت از خالق، احسان به مخلوق و نصف عدل است که هر عاقلی بهتر بودن آن را درک کرده میتواند.<sup>۳</sup>

به این معنا معروف لفظ هم معنای عمل صالح میباشد (هر عملی که لفظ معروف به آن اطلاق شود عمل صالح بوده میتواند و هر معروف عمل صالح است) و نسبت در میان معروف و صالح عموم و خصوص مطلق میباشد.<sup>۴</sup>

### ۳- بر :

بر "در لغت به صدق، اطاعت، صلہ رحمی، اصلاح حالت، احسان و خیر اندیشی استعمال شده است چنانچه گفته میشود "برعمله" و قتیکه یک شخص عمل صالحی را انجام داده باشد و "برفی یمینه" و قتیکه قسمش را صادقانه پوره نماید "وَأَبْرَأَ اللَّهُ الْحَجَّ" و قتیکه خداوند متعال حج را قبول و مقبول گرداند "وَبَرَّتْ وَالِدِي" و قتیکه به آنها صلہ رحمی شود. و یکی از نامهای خداوند متعال "الْبَرُّ" است.<sup>۵</sup>

البته تعریف اصطلاحی "بر" از نظر فقهاء از همین معانی لغوی خارج نیست: پس فقهاء کلمه "بر" را اسم جامع برای تمام موارد خیر در بخش احسان، صلہ رحمی، اخلاق حسنه و التزام به اوامر و اجتناب از نواهی میدانند که این همه اعمال صالح اند که در مقابل آن فجور (بیرون شدن از خواست های دینی) میلان به طرف فساد و داخل شدن در معصیت قرار دارد و هر عملی که به آن کلمه "بر" اطلاق شده باشد عمل صالح و دارای اجر و پاداش آخروی میباشد پس هر عمل صالح "بر" و هر "بر" عمل صالح است.<sup>۶</sup>

۱- ابن الاثیر، مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد ابن الاثیر الجزری، [۶۰۶هـ] ط، (۱۳۹۰) هـ ق، النهاية مكتبة دار البيان. ج ۳/ص ۱۲۴. مادة: " عرف "

۲- مفاتيح الغيب ۳ / ۳۹ ، البحر المحيط ۳ / ۱۰ ، ۲۱ .

۳- ابن قيم: زاد المسير في علم التفسير ۱ / ۴۳۵ .

۴- جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی [ت ۳۰۷هـ] احكام القرآن، ط مكتبة عبدالرحمن محمد، القاهرة. ۲ / ۳۲۲ ،

۵- ابن منظور: ج ۳/ص ۸۸. ماده برر و تهذيب الاسماء ج ۳/۲۳ .

۶- ابن حجر، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، [ت ۸۵۴هـ] ط، (۱۴۰۷) هـ ق فتح الباری بشرح صحیح البخاری مع تحقیق محب الدین الخطیب، المكتبة السلفية، الطبعة الثالثة. ۱۰ / ۵۰۸ ، الفتح الرباني ۱ / ۳۴ ، ۳۵

قرآن کریم در آیات متعددی به "بر" حکم نموده است از جمله این فرموده خداوند متعال: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) ۱.

«در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید.»

و در حدیثی رسول الله ۵ فرمودند: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ، وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» ۲.

«نیکی اخلاق نیکو است و گناه آن است که در نفست شکل گیر و نه پسندی که مردم از آن آگاه شوند. در اصطلاحات شرعی این کلمه در برابر تمام اعمال صالح از قبیل نماز، روزه، حج، صدقات مالی و غیره استعمال شده است.»

### مطلب دوم - الفاظ و کلمات متضاد عمل صالح:

#### ۱- معصیت:

معصیت در لغت به معنای بیرون شدن از طاعت و مخالفت از امر "عصاه معصیه و عصیانا" از طاعتش بیرون شد و از امرش مخالفت نمود. ۳.

و در اصطلاح «الْمَعْصِيَةُ اسْمٌ لِفِعْلِ حَرَامٍ مَقْصُودٍ بِعَيْنِهِ» معصیت نام برای فعل حرامی است که هدف و مقصد عینی و اصلی باشد (قصدا انجام شود و مرتکب معصیت عین فعل را عملاً به بار بیاورد و با عین فعل حرام بوده و در مخالفت با امور شرعی باشد و یا ارتکاب فعل منهی عنه از طرف شارع باشد) که به اینصورت معصیت ضد عمل صالح و خلاف اعمال و افعال مأمور به از طرف شارع میباشد که به معصیت عقاب و به طاعت و عمل صالح ثواب مرتب میگردد. ۴.

علماء معصیت را با استدلال از آیات قرآن کریم و احادیث وارده در آن مورد و به اعتبار گناه و عقاب آخروی به صغایر و کبایر تقسیم نموده اند قسمیکه طاعات و اعمال صالحه به اعتبار اجر و ثواب دارای درجات و مراتب میباشد چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَكُرْهُهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ) ۵. «و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داده است.»

۱- سوره مائده/۲.

۲- أخرجه مسلم باب تفسير البر والاثم ج ۱۲/ص ۳۰۴.

۳- المصباح المنير، ص ۴۳۲.

۴- كشف الأسرار عن أصول البيهقي ۳ / ۲۰۰،

۵- سوره حجرات/۷



و در آیه دیگری فرموده است: (الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ) <sup>۱</sup>. «همان کسانی که از گناهان بزرگ و بدکاریها کناره گیری می کنند و اگر گناهی از آنان سر زند تنها صغیره است ( و آن هم مورد عفو خدا قرار می گیرد ) چرا که پروردگار تو دارای آمرزش گسترده و فراخ است.

و در آیه دیگری آمده است: (إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا) <sup>۲</sup>. «اگر از گناهان کبیره ای بپرهیزید که از آن نهی شده اید، گناهان صغیره شما را ( با فضل و رحمت خود ) از شما می زدائیم و ( به شرط استغفار از کبائر و عدم اصرار بر صغائر ) شما را به جایگاه ارزشمندی ( که بهشت برین است ) وارد می گردانیم .

در آیه اول خداوند متعال فسق را از معاصی جدا ساخته و در آیه دومی گنهان را به سه نام یاد کرده شده (کبائر - فواحش و لمم)

امام غزالی رحمه الله گفته است این آیات واحادیث متعددی بر تقسیم معاصی به صغائر و کبائر صراحت دارند و قول برخی هارا که در میان معاصی فرق قایل نشده وهمه را کبیره گفته اند رد نموده است.<sup>۳</sup>

## ۲- فساد:

فَسَاد/ در لغت به معنای بیرون شدن یک شیئی از حد اعتدال است که ضد صلاح میباشد در اشیاء و معانی به کار برده میشود چنانچه میگویند "فسد اللحم" و "قتیکه گوشت بدبوی شود و "فسد الامور" و "قتیکه از حد اعتدال خارج شده و به نزع منجر گردد و "فسد العقد" و "قتیکه معامله باطل گردد".<sup>۴</sup>

و در اصطلاح طوریکه جمهور فقهاء تعریف کرده اند «بِأَنَّهُ: مُخَالَفَةُ الْفِعْلِ الشَّرْعِ بِحَيْثُ لَا تَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ الْأَثَارُ، وَلَا يَسْقُطُ الْقَضَاءُ فِي الْعِبَادَاتِ. وَعَرَفَ الْحَنْفِيَةَ بِأَنَّهُ: الْفَاسِدُ بِأَنَّهُ مَا شَرَعَ بِأَصْلِهِ دُونَ وَصْفِهِ»<sup>۵</sup>

«فساد مخالفت فعل از امر شرعی را گفته میشود به اینصورت که به آن آثاری (پاداشی) مرتب نشود و در عبادات قضاء آوردن را ساقط نکند(عبادت فاسد شود قضای آن لازمی میباشد) و فقهاء حنفی گفته اند «فساد آن است که به اعتبار اصل مشروع بوده نه به اعتبار وصف.

۱- سوره نسا/ ۴۸.

۲- سوره نساء/ ۳۱.

۳- ابو حامد الغزالی: الزواجر عن اقتراف الكبائر، ج ۱ / ص ۴ ط. دار المعرفة بیروت، و بحر المحيط ۴ / ۲۷۵

۴- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵ / ص ۱۴۵. مصباح المنیرج ۷ / ص ۱۹۳.

۵- سیوطی: (۱۴۲۳) هـ. الأشباه والنظائر، في قواعد وفروع فقه الشافعية. تحقيق وتعليق: محمد المعتصم بالله البغدادي. دارالكتب العلمية بيروت: ۲ / ۳۱۲، ابن نجيم، زين العابدين بن ابراهيم. (۱۹۸۰ م). الأشباه والنظائر. لبنان: دارالكتب العلمية، بيروت. ج ۱ / ص ۳۳۷.

از تعریف فساد برمیآید که فساد ضد صحت و صلاح است و در او امر شرعی از قبیل عبادات و معاملات عملی میگردد و عبادت را از صحت خارج ساخته که ثوابی به آن مرتب نمیشود مثلاً نماز خواندن بدون وضوء یا ترک فرایض نماز و وارد شدن به مفطرات در روزه و غیره ...<sup>۱</sup>

### ۳- فسق:

فسق در لغت به معنای بیرون شدن از حد اعتدال استعمال شده است و سپس در خروج از طاعت در امور شرعی استفاده شده "والفسق هو الفجور وهو الخروج عن طریق الحق و ترک امر الله، والعصیان" چنانچه در قرآن کریم کلمه فسق به همین معنا آمده است (وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ)<sup>۲</sup>. «از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است (و یا به نام دیگران و یا به خاطر بتان سر بریده شده است). چرا که خوردن از چنین گوشتی، نافرمانی (از دستور خدا) است.

فسق به این معنا ضد طاعت و عمل صالح بوده و تمامی تخلفات اوامر شرعی را فسق گفته میشود که پیروی از آن طاعت و عمل صالح میباشد البته فسق در معاصی به گناهان کبیره اختصاص داشته مرتکب صغایر را فاسق گفته نمیشود و یکی از کلماتی که در معنای فسق به کار رفته است کلمه "فجور" است و فجور حالت توسعه و به کثرت انجام دادن معاصی را گفته میشود که درجه نهایی فسق است.<sup>۳</sup>

بنا برین به اتفاق همه ی فقهاء مرتکب گناهان کبیره مثل قتل، زنا، لواط و غیره را فاسق حکم کرده میشود طوریکه فسق "قاذف" (تهمت کننده) ورد شهادت آن به نص قرآن کریم ثابت شده است میتوان سایر گناهان کبیره را به آن قیاس نمود.<sup>۴</sup>

اما مرتکب گناهان صغیره را به دلیل این آیه کریمه فاسق حکم کرده نمیشود: (الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ)<sup>۵</sup>.

«همان کسانی که از گناهان بزرگ و بدکاریها کناره گیری می کنند و اگر گناهی از آنان سر زند تنها صغیره است (و آن هم مورد عفو خدا قرار می گیرد)

### ۴- ظلم:

۱- حاشیه ابن عابدین ۱ / ۲۵۵، والبحر المحيط ۲ / ۴۳۹، والفروق للقرافی ۲ / ۸۲،

۲- سوره انعام/ ۱۲۱.

۳- وحاشیه الدسوقی ۴ / ۱۶۵.

۴- روضة الطالبین ۱۱ / ۲۲۵، والبنایة شرح الهدایة ۷ / ۱۷۶ ط دار الفکر، ومطالب أولی النهی ۶ / ۶۱۲، وکشاف القناع ۶ / ۴۱۹، ۴۲۰، والمغنی ۹ / ۱۶۵، والشرح الصغیر ۴ / ۲۴۰.

۵- سوره نجم/ ۳۲.

ظلم در لغت نهادن یک شیئی در غیر محل آن است و استعمال آن در هر فعل و عمل خلاف شرع عام میباشد.<sup>۱</sup>

واز نظر فقهاء تعریف اصطلاحی ظلم از همین معنای لغوی خارج نمیباشد. بنابراین تمامی تخلفات شرعی و گناها ظلم بوده میتواند و به همین لحاظ کلمه ظلم به اعتبار مصداق عملی یکی از اضداد عمل صالح است که در قرآن کریم و سنت رسول الله<sup>۵</sup> از گناهان بزرگ و موانع هدایت خوانده شده است.

در آیه خداوند متعال فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا).<sup>۲</sup> «بیگمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته اند و ستم ورزیده اند، (مادام که بر کفر ماندگار باشند) خداوند ایشان را نمی بخشد و آنان را به راهی (که راه نجات و بهشت باشد) هدایت نخواهد کرد. که در این آیت ظلم را با کفر مقارن ساخته شده و از گناهان نا بخشودنی و موانع هدایت انسان خوانده شده است.

و در آیه دیگری آمده است: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ).<sup>۳</sup>

«و به کافران و مشرکان تکیه مکنید (که اگر چنین کنید) آتش دوزخ شما را فرو می گیرد، و (بدانید که) جز خدا دوستان و سرپرستانی ندارید (تا بتوانند شما را در پناه خود دارند و شر و بلا و زیان و ضرر را از شما به دور نمایند) و پس از (تکیه به کافران و مشرکان، دیگر از سوی خدا) یاری نمی گردید و (بر دشمنان) پیروز گردانده نمی شوید.

در حدیثی رسول الله<sup>۵</sup> ظلم را در بخش تجاوز به حیثیت انسانی یک شخص و حق تلفی های مالی از گناهان نا بخشودنی در روز قیامت شمرده فرمودند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ شَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَإِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِهِ صَاحِبِهِ فَحَمَلَ عَلَيْهِ».<sup>۴</sup>

«کسی ظلمی را از قبیل تجاوز به حیثیت و چیز دیگری (در دنیا) بآبرادش رواشته بود باید امروز از معافی بگیرد پیش از آمدن روزیکه درهم دیناری نیست اگر او عمل صالحی داشته بود به اندازه ظلمش گرفته میشود و اگر حسناتی نداشت از سیئات کسیکه ظلم نموده شده گرفته با او حمل میشود.

۱- مصباح المنیر: ص ۳۵۷.

۲- سوره نساء/ ۱۶۷.

۳- سوره هود/ ۱۱۳.

۴- أخرجه البخاري: باب من كانت له مظلمة عند الرجل فحلها له، ج ۸/ ص ۳۲۲. ( ۲۲۶۹ ) من حدیث ابي هريرة ۱

## ۵- مُنْكَرٌ:

منکر به ضم میم و سکون نون عمل زشت، نامشروع و خلاف معروف را گفته میشود و در اصطلاح هر قول و فعلی که در رضای خداوند متعال نبوده باشد منکر گفته میشود.<sup>۱</sup> بنا برین منکر در تقابل با معروف قرار داشته و از اعمال و افعالی است که ضد عمل صالح میباشد و در قول، فعل و عمل انجام شده میتواند. و جلو گیری از منکر یکی از مسؤولیت های دینی بوده که در قرآن کریم و ارشادات رسول الله<sup>۵</sup> به آن حکم شده است چنانچه در آیه آمده است: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).<sup>۲</sup> « باید از میان شما گروهی باشند که ( تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را ) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند.

و در حدیثی رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: « مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ ».<sup>۳</sup>

« کسی از شما منکری دید باید آن را به دست و قوتش تاغیر دهد اگر نتوانست به زبانش تاغیر دهد، و اگر نتوانست به قلبش از آن نفرت کند که این ضعیف ترین درجه ایمان داری [در ادای مسؤولیت ایمانی] است. و به اتفاق همه ی علماء منکر از هر نوعیکه باشد در جمع معاصی و گناهان بوده که فعل منکر از محرّمات شرعی و جلو گیری از منکر و جایب دینی هر فرد مسلمان میباشد.<sup>۴</sup>

## مطلب سوم - اطلاقات عمل صالح در قرآن کریم:

عمل صالح وسیله ارتباطی شخص مؤمن با خداوند متعال است و به این وسیله صاحب عمل به درجه عالی و کمال شخصیت میرسد و مقامش را در روزی که مال و اولاد نفعی ندارد به جایگاه والایی میرساند خداوند متعال اعمال صالحه را ضایع نساخته و برای عمل کننده ها وعده محافظت آن را میدهد چنانچه «پس پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضائع نخواهم کرد. پاره ای از شما از پاره دیگر هستید ( و همگی هم نوع و همجنس می باشید )

۱- المصباح المنیر: ص ۲۶۸، وإتحاف السادة المتقين ۷ / ۳.

۲- سوره آل عمران/ ۱۰۴.

۳- اخرجه مسلم، باب بیان کون النهی عن المنکر من الایمان، ج ۱/ص ۱۶۷.ح(۷۰)

۴- ابو حامد الغزالی: احیاء علوم الدین، ج ۷/ص ۳۴.

اعمال صالح از حیث جزئیات و یا افعال و اقوال متعدد اند البته چند مورد از جمله موارد کلی عمل صالح میباشند که در قرآن کریم روی آنها ترکیب شده و اسم عمل صالح به آن اطلاق شده است که برخی از آن اطلاقات را بدون حسر تذکر خواهیم داد :

۱- نخستین مورد اطلاق عمل صالح بر ارکان اسلام مثل نماز ، زکات، روزه و حج بیت الله صورت گرفته است البته به شرط اینکه با ایمان واقعی، نیت صادقانه و اخلاص کامل انجام یافته باشند خداوند متعال فرموده است : ( إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ )<sup>۱</sup>.

«بیگمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند ، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند» .

۲- **مورد دوم احسان:** قرآن کریم احسان را از اعمال صالح شمرده فرموده است : ( بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ )<sup>۲</sup>.

«آری ! هرکس خالصانه روبه خدا کند و نیکوکار باشد ، پاداش او در پیش خدایش محفوظ است ، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند گردید ( و بهشت و سعادت اخروی در انحصار هیچ طائفه و نژاد خاصی نیست ) .

و در آیه دیگری فرموده است : ( وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ )<sup>۳</sup>.

«آئین چه کسی بهتر از آئین کسی است که خالصانه خود را تسلیم خدا کند ، در حالی که نیکوکار باشد»

۳- **مورد سوم طاعت خداوند و طاعت از رسول الله ﷺ و اولیای امور:** خداوند متعال فرموده است : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا )<sup>۴</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا ( با پیروی از قرآن ) و از پیغمبر ( خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او ) اطاعت کنید ، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید ( مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند ) و اگر در چیزی اختلاف داشتید ( و در امری از امور کشمکش پیدا کردید ) آن را به خدا ( با عرضه به قرآن ) و پیغمبر او ( با رجوع به سنت نبوی ) برگردانید ( تا در پرتو قرآن و سنت ، حکم آن را بدانید . چرا که خدا قرآن را نازل ، و پیغمبر آن را بیان و روشن

۱-سوره بقره/۲۷۷.

۲-سوره بقره /۱۱۲.

۳- سوره نساء/۱۲۵.

۴-سوره نساء /۵۹.

داشته است . باید چنین عمل کنید ) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید . این کار ( یعنی رجوع به قرآن و سنت ) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است .

خداوند متعال به طاعت خود و پیغمبرش امر نموده است و اطاعت از خداوند متعال و رسول الله ه به امتثال امر خداوند و پیغمبره از حیث ادای فرایض ، واجبات و مستحبات ، و به اجتناب منهیات صورت میگیرد و امر به اطاعت از ولی امر که پادشاهان ، قضات و علماء میباشند به این معنا است که در مفاهیم دینی و توضیح و تنفیذ احکام بدون انقیاد از آنان ممکن نخواهد بود.<sup>۱</sup>

سه مورد فوق را میتوان از موارد کلی روش های بنده گی و محور های اساسی عمل صالح بر شمرد که جزئیات متعدد افعال و اعمال صالحه را در بر دارند.

این موارد کلی برای انسانها وسعت میبخشد که تمامی افعال و اعمال شانرا که دنیوی باشد یا دینی برمبنای اطاعت از خداوند متعال و رسولش و با داشتن نیت درست و اخلاص به عمل صالح مبدل نمایند تا آنجا که خوردن نوشیدن ، نشستن ، نقل و حرکت ، خوابیدن ، سخن گفتن و کلیه تعاملات با همی در امر زنده گی به این وسیله عمل صالح شمرده میشود.

چنانچه خداوند متعال فرموده است : ( لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ )<sup>۲</sup>.

«این که ( به هنگام نماز ) چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید ، نیکی ( تنها همین ) نیست ) و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر ، نیکی بشمار نمی آید ) . بلکه نیکی ( کردار ) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب ( آسمانی ) و پیغمبران ایمان آورده باشد ، و مال ( خود ) را با وجود علاقه ای که بدان دارد ( و یا به سبب دوست داشتن خدا ، و یا با طیب خاطر ) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد ، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند ، و نماز را برپا دارد ، و زکات را بپردازد ، و ( نیکی کردار کسانی است که ) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند ، و ( به ویژه کسانی نیکند و شایسته ستایشند که ) در برابر فقر ( و محرومیتها ) و بیماری ( و زبان و ضررها ) و به هنگام نبرد ، شکیبایند ( و استقامت می ورزند ) . اینان کسانی هستند که راست می

<sup>۱</sup> - عبد الرحمن بن ناصر السعدی، ط ۱ (۱۴۱۵) هـ تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ، مؤسسة الرسالة ج ۱/ص ۳۳۴.

<sup>۲</sup> - سوره بقره/۱۷۷.

گویند ( در ادعای ایمان راستین و پیجوئی اعمال نیک ) و به راستی پرهیزکاران ( از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امتثال اوامر الهی ) اینانند .  
قرطبی رحمه الله گفته است «البر هنا اسم جامع لجميع الخیر»<sup>۱</sup> بر (نیکویی ) اینجا یک اسم جامعی است که تمام امور خیر را شامل میشود.

### برخی از موارد اطلاق عمل صالح در سنت

رسول الله<sup>۵</sup> مواردی را در جمع اعمال صالحه برشمردند که از نظر عموم مردم چنین عملی با آنکه خیلی خورد بوده اما رسول گرامی هچنین اعمال کوچکی را از حیث اجر و ثواب به نزد خداوند متعال بزرگ شمردند و برخی از آن اعمال را سبب آمرزش گناهان و دخول جنت گفته اند:

۱- در روایتی به نقل از ابو هریره<sup>۱</sup> آمده است نبی کریم<sup>۵</sup> فرمودند: «**کل سلامی علیه صدقة کل یوم یعین الرجل فی دابته یحامله علیها أو یرفع علیها متاعه صدقة والكلمة الطيبة وكل خطوة یمشیها إلی الصلاة صدقة ودل الطریق صدقة**»<sup>۲</sup>.

«هر مفصلی که حرکت میدهد برای او صدقه است، هر روزیکه که یک مرد در مورد سواری اش همدردی (ترحم) میکند [به اینصورت که] هرگاه که بالای او سوار میشود یا بار و اسبابش را به بالای آن برمیدارد، (بالتر از توان آن بالایش باری را حمل نمیکند) برای او صدقه است و کلمه طیبه (گفتن سخن نیکو) و هر قدمی که به طرف نماز رفتن بر میدارد صدقه است، و کسی را راهنمایی کردن صدقه است.

۲- در روایتی از انس بن مالک آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند «**مامن مسلم یغرس غرسا، او یزرع زرعا، فیاکل منه طیر او انسان او بهیمة الا کان له به صدقة**»<sup>۳</sup>.

«مسلمانی که نهالی را غرس نماید یا تخمی را در زمین بکارد، واز آن پرنده ی یا انسانی، ویا حیوانی بخورد، مگر اینکه برای او در عوض آن صدقه محسوب میشود.

۳- در روایت دیگری فرمودند: «**بینما رجل یمشی بطریق وجد غصن شوک علی الطریق فاخره فشکر الله له، فغفر له**»<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> - قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری ط ۲ (۱۴۱۶هـ) الجامع لاحکام القرآن مکتبة دارالحدیث القاہره ج ۲/ص ۲۴۳.

<sup>۲</sup> - اخرجہ البخاری، کتاب الجهاد، باب من انتظر حتی تدفن: ج ۴/ص ۳۵.

<sup>۳</sup> - اخرجہ البخاری، کتاب الادب، باب رحمة الناس والبهائم ج ۴/ص ۱۹۰۲.

<sup>۴</sup> - اخرجہ البخاری کتاب الأذان، باب التهجير الی الظهر ج ۱/ص ۲۰۷.

«در یک روزی، مردی به راهی میرفت شاخچه خار داری را در راه یافت آن را از راه دور نمود و خداوند را سپاس گذاری کرد خداوند گناهان او را آمرزید.

اینها نوعی از نمونه های عمل صالح در افعال روز مره یک مسلمان است البته اعمال صالح در افعال و اعمال در این موارد خلاصه نمیشود بلکه افعال و تعاملات یومیه ما با همدیگر نیز اعمال صالحه شمرده میشود.

### مبحث سوم

#### انواع عمل صالح در قرآن کریم

عمل صالح از حیث جزئیات متعدد بوده که شمارش نمیشود البته عمل صالح همه ی جوانب حیاتی فرد مؤمن را از قبیل اعتقادی، عملی، اقتصادی، صحی، سیاسی، تعلیمی و تعاملات اجتماعی را شامل میشود که هر عملی که در همه ی این بخش ها شروط عمل صالح تحقق یابد عمل صالح شمرده میشود و در مباحث تحقیقی عمل صالح در سه مورد ( عقاید، عبادات و اخلاق آداب اجتماعی) خلاصه شده است. و در میان هریک از آنان رابطه ی التزامی وجود داشته و انواع متعددی دارند:

#### مطلب اول - اعمال قلبی:

نخستین عمل قلبی ایمان و توحید میباشد که محل آن قلب است و از قلب مؤمن نشأت میکند تا اینکه ایمان در قلب رسوخ نیابد ادعای زبانی دلیل ایمان داری شده نمیتواند. و ایمان از محبوب ترین عملی است که خداوند متعال برای بنده اش پسندیده و قلبش را به نور ایمان آراسته است، چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ)<sup>۱</sup>.

«خداوند ایمان را در نظر تان گرامی داشته است و آن را در دلها تان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظر تان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان ( که دارای این صفات هستند، یعنی ایمان در نظرشان محبوب و مزین، و کفر و فسق و عصیان در نظرشان منفور و مطرود است ) راهبند و بس. و اعمال قلبی دیگری که اثرگذار در تجدید ایمان اند؛ عبارتند از: محبت خداوند متعال و پیغمبرش، ترس از او، امید به الطافش و حسن ظن به او، توکل و اعتماد به خداوند، رضایت و خرسندی از قضا و خواسته اش، سپاسگزاری و حق شناسی در مقابل پروردگار مهربان، صدق و اخلاص، یقین و باور راستین به او،

<sup>۱</sup> - سوره حجرات/۷.



توبه و انابت به سویش و ... از آن دسته اعمال قلبی هستند که عمل صالح شمرده شده و در تجدید ایمان اثر گزارند.

همچنین روش ها و مقومات دیگری برای تجدید ایمان وجود دارد که شایسته است همگان برای دستیابی به آن، بکوشند؛ مانند: استقامت، انابت و تذکر و یادداشت پیوسته و همیشگی نعمت های خداوند، عمل به کتاب و سنت، خشوع، زهد، تقوا، و ... .

و همچنان یکی از افعال دیگری که به قلب تعلق دارد محاسبه ی نفس است که به تقوا و یاد آخرت بسته گی دارد و در تجدید و تقویت ایمان بسیار مؤثر است. چنانکه خداوند متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ)<sup>۱</sup>.

یعنی: «ای اهل ایمان! از خدا بترسید و هر کس باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خویش) پیشاپیش فرستاده است».

عمر بن خطاب - رضی الله عنه - می فرماید: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»<sup>۲</sup>. «خودتان را به محاسبه کشید، پیش از آنکه مورد محاسبه و بازخواست قرار گیرید».

و در مورد اهمیت محبت خداوند متعال و رسول الله<sup>۵</sup> و اینکه محبت خداوند متعال و رسول<sup>۵</sup> از اعمال قلبی است که در لذت بردن مؤمن از ایمانش سبب میشود رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ فِي النَّارِ»<sup>۳</sup>.

«سه خصلتی است که در شخصی وجود داشته باشد شیرینی ایمان را در میآید، کسی که خدا و رسولش به نزد محبوبتر از دیگران باشد، و کسی را دوست بدارد و دوست داشتنش صرف به خاطر خدا باشد، و اینکه نپسندد به کفر برگردد بعد از اینکه خداوند او را آن نجات داده است قسمیکه نمیپسندد اینکه به آتش افکنده شود.

<sup>۱</sup> - سوره حشر/۱۸.

<sup>۲</sup> - امام ترمذی این قول عمر را در شرح حدیث "الکيس من دان نفسه ...." ذکر نموده است، سنن ترمذی، ج ۸/ص ۴۹۹.

<sup>۳</sup> - منفق علیه: اخرجه البخاری، باب حلاوة الايمان ج ۱/ص ۲۶ و مسلم باب بيان خصال من اتصف بهن وجد حلاوة ج ۱/ص ۱۵۲.

**مطلب دوم - اعمال بدنی و مالی:**

عبادات ابتداء به دو نوع "بدنی و مالی" تقسیم میشود و سپس عبادت بدنی به قولی و فعلی تقسیم میگردد و هر کدام این اقسام جزئیات متعددی را شامل میشوند که از جزئیات هر کدام به حیث یک نوع نام خواهیم برد.

**۱-صلوة:** نماز از نخستین عمل صالح و مهترین آن است، که به صورت فرضی و نفلی اداء میشود و یکی از ارکان اسلام میباشد، رسول الله<sup>ه</sup> ضمن اینکه نماز را در حدیث معروف به حدیث جبریل و روایات دیگری از ارکان اسلام گفته اند و در روایاتی به اهمیت آن در باب عبادات تأکید کرده اند چنانچه فرموده است: **«حبب إلی من دنیاکم ثلاث النساء والطیب وجعلت قرّة عینی فی الصلاة»**<sup>۱</sup>.

«دوست داشتنی ترین چیز از دنیای شما برای من سه است، زنان، عطریات و خنکی چشم در نماز نهاده شده است.

و در روایات متعددی به ادای نماز در وقتش تأکید نموده اند در روایتی آمده است عبد الله بن مسعود امیگوید **«سألت النبی صلی الله علیه وسلم أي العمل أحب إلی الله قال الصلاة علی وقتها قال ثم أي قال ثم بر الوالدین قال ثم أي قال الجهاد فی سبیل الله قال حدثنی بهن ولو استزدته لزدنی»**<sup>۲</sup>.  
 «از رسول الله<sup>ه</sup> پرسیدم کدام عمل از پسندیده ترین اعمال به نزد خداوند متعال است فرمودند: نماز که به وقتش ادا شود، باز پرسیدم پس از آن کدام عمل فرمودند: پس از آن نیکی کردن به پدر و مادر گفتم پس از آن کدام عمل فرمودند جهاد در راه خدا. میگوید اگر از این زیاد میپرسیدم البته زیاد میکردند. و همچنان نماز های نفلی مثل سنن رواتب، قیام اللیل (نماز تهجد و غیره...از اعمال صالحه شمرده میشوند از عایشه ل روایت شده است: **«قالت لم یکن النبی صلی الله علیه وسلم علی شیء من النوافل أشد منه تعاهدا علی رکعتی الفجر»**<sup>۳</sup>.

«فرمود رسول الله<sup>ه</sup> بر هیچ یک از نوافل مواضب تر از پابندی و متعهد بر دو رکعت نماز صبح نبودند.

**۲- الصوم:** روزه از مهمترین عمل صالح در باب عبادات بوده که نه تنها بر امت اسلامی بلکه بر تمام امت های قبل از اسلام به صورت یک عبادت فرض بوده است چنانچه خداوند متعال به فرضیت روزه بالای

۱- أخرجه أحمد (۱۲۸/۳ ، رقم ۱۲۳۱۵) ، والنسائی (۶۱/۷ ، رقم ۳۹۳۹) ، وابن سعد (۳۹۸/۱) ، وأبو یعلی (۲۳۷/۶ ، رقم ۳۵۳۰) ، والحاکم (۱۷۴/۲ ، رقم ۲۶۷۶) وقال : صحیح علی شرط مسلم . ورواه البیهقی (۷۸/۷ ، رقم ۱۳۲۳۲)

۲- أخرجه البخاری ، کتاب الصلاة ، باب الصلاة لوقتها ، ج ۲/ص ۳۵۲.

۳- أخرجه البخاری ، کتاب الصلاة ، باب تعاهد رکعتی الفجر....ج ۴/ص ۳۴۲.

امت حضرت محمد ه حکم نموده واز فرضیت آن بر امت های قبلی خبرداه ،وآن را وسیله ی تقوا و خدا ترسی خوانده است. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)<sup>۱</sup>. «ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه واجب شده است ، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند واجب بوده است ، تا باشد که پرهیزگار شوید .

در حدیثی رسول الله ۵ روزه را از مهمتری عبادتی خوانده اند که سپری از آتش جهنم بوده وپاداشش را خداوند متعال خودش میپردازد فرمودند «الصيام جنة فلا يرفث ولا يجهل وإن امرؤ قاتله أو شاتمه فليقل إنني صائم مرتين والذي نفسي بيده لخلوف فم الصائم أطيب عند الله تعالى من ريح المسك يترك طعامه وشرابه وشهوته من أجلي الصيام لي وأنا أجزي به والحسنة بعشر أمثالها»<sup>۲</sup>. «روزه سپر است ،پس کسیکه روزه بگیرد چیزی نخورد ونوشد ونادانی نکند ،واگر فردی با او جنگید ویا او را دشمن داد دو بار بگوید که من روزه دارم وسپس فرمودند :البته که بوی بد دهان روزه دار در نزد خداوند از بوی مشک بهتر است ،" زیرا او " خوردن ونوشیدن وشهوتش را از خاطر من ترک گفته است ،ومن خود پاداش آنرا میدهم ،وحسنه ده برابر مثلش میباشد.

۳-قیام الليل (نماز تهجد ونوافل در اسنای شب): خداوند متعال در مورد عبادت نغلی در اسنای شب فرموده است : (وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا)<sup>۳</sup>. «وکسانیند که ( بخش قابل ملاحظه ای از شب ، و گاهی تمام ) شب را با سجده و قیام به روز می آورند ( و با عبادت و نماز سپری می کنند).

در حدیث قدسی رسول الله فرمودند «وما يزال عبدي يتقرب إلي بالنوافل حتى أحبه فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره الذي يبصر به ويده التي يبطش بها ورجله التي يمشي بها وإن سألني لأعطينه ولئن استعاذني لأعيننه»<sup>۴</sup>.

«بنده ام پیوسته با ادای نوافل به من تقرب میجوید ،تا آنکه من او را دوتش میدارم ،وهرگاه او را دوست داشتم ،گوشش میباشم که به آن میشنود،چشمش میباشم که به آن میبیند ،ودستش که به آن میگیرد وپایش که به آن راه میرود ،اگر چیزی را از من بخواهد البته که برایش میدهم ،اگر از من پناه بخواهد البته که او را پناه میدهم .

۱- سوره بقره/۱۸۳.

۲- متفق علیه ، رواه البخاری ، کتاب الصوم ، باب فضل الصيام ج ۶/ص ۴۵۶. و مسلم ، کتاب الصيام باب فضل الصيام ج ۶/ص ۱۶.

۳-سوره فرقان/۶۴.

۴- رواه البخاری ، باب التواضع ، ج ۲۰/ص ۱۵۸.

۴- صدقات مالی فرضی و نفلی: صدقه از عبادت مالی بوده که در قرآن کریم به صورت فرضی و نفلی به آن حکم شده است: (إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ)¹.

«اگر بذل و بخششها را آشکار کنید، چه خوب، و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید، برای شما بهتر خواهد بود و برخی از گناهان شما را می‌زداید، و خداوند آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

و در آیه دیگری آمده است: (إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا)².

«کسانی که کتاب خدا (قرآن را) می‌خوانند، و نماز را پا برجای می‌دارند، و از چیزهایی که بدیشان داده ایم، پنهان و آشکار، بذل و بخشش می‌نمایند، آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که هرگز بی‌رونق نمی‌گردد و از میان نمی‌رود.

در آیه اول ضمن اینکه به صورت پرداخت صدقه راه نمایی شده است صدقه را خیر خوانده شده و سبب کفاره گناهان گفته است و در آیه دومی پرداخت صدقه را تجارتی خوانده شده که گاهی خساره نمی‌کند.

#### مطلب سوم - اعمال قولی:

۱- ادعیه و اذکار: (یاد خداوند متعال با ذکر اسما و صفاتش و خواستن حاجت و مطالبه رفع مشکلات و دشواری‌ها) چنانچه خداوند متعال به ذکر امر نموده و ذکر را وسیله شکر گذاری خوانده است: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ)³.

پس مرا یاد کنید (با طاعت و عبادت و دوری از معاصی، به دل و زبان و قلم و قدم، و سیر در آفاق و انفس، جهت کشف عظمت و قدرت من) تا من نیز شما را یاد کنم (با اعطاء ثواب و گشایش ابواب سعادت و خیرات و ادامه پیروزی و قدرت و نعمت) و از من سپاسگزاری کنید (و با گفتار و کردار، شکرگزار انعام و احسان من باشید) و از من ناسپاسی مکنید (و نعمتهای مرا نادیده مگیرید).

و در آیه دیگری ذکر را سبب اطمینان قلب مؤمن خوانده فرموده است: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)⁴.

۱- سوره بقره/۲۷۱.

۲- سوره فاطر/۲۹.

۳- سوره بقره/۱۵۲.

۴- سوره رعد/۲۸.

«آن کسانی که ایمان می آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند . هان ! دلها با یاد خدا آرام می گیرند ( و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می کنند ) .»

رسول الله در مورد اهمیت ذکر منحیث یک عبادت فرمودند: **« سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله "ورجل ذكر الله خاليا ففاضت عيناه" .»**<sup>۱</sup>

هفت طبقه مردمی اند که خداوند آنها را در سایه عرشش در روزی که هیچ سایه ی جز او نمیباشد سایه میدهد : [واز آن جمع ذکر کننده ها را بر شمرده اند] مردی که خداوند را در تنهایی یاد کند واز چشمانش اشک بریزد.

و خداوند متعال در آیه به دعا امر نموده وآن را عبادت خوانده است : ( وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ )<sup>۲</sup>

«پروردگار شما می گوید : مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم . کسانی که خود را بزرگتر از آن می دانند که مرا به فریاد خوانند ، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت.

**۲- امر به معروف نهی از منکر:** امر به معروف ونهی از منکر که از وجیبه های ایمانی یک مسلمان است یک نوعی از اعمال صالحه میباشد ، خداوند متعال آن را در ردیف اعمال صالحی چون نماز و زکات بر شمرده فرموده است: (الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا الصَّالَةَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)<sup>۳</sup>

«آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است ) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم ، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند ، و امر به معروف ، و نهی از منکر می نمایند ، و سرانجام همه کارها به خدا برمی گردد ( و بدانها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد ، همان گونه که آغاز همه کارها از جانب خدا است ) .»

**۳- تلاوت قرآن کریم:** تلاوت قرآن کریم با آنکه نوعی از اذکار است یک عبادت مستقل شمرده شده است خداوند متعال پیغمبرش را دستور میدهد که کتابی را که برایش نازل شده است تلاوت نماید چنانکه فرموده است: ( وَأْتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا تُبَدِّلْ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا )<sup>۴</sup>

۱- اخرجہ البخاری :باب البكاء من خشية الله ج ۲۰/ص ۱۲۱ .

۲- سوره غافر/۶۰ .

۳- سوره حج/۴۱ .

۴- سوره كهف/۲۷ .

«بخوان آنچه را که از کتاب ( قرآن ) از سوی پروردگارت به تو وحی شده است ( و به گفته های این و آن که آمیخته به دروغ و خرافات و مطالب بی اساس است اعتناء مکن . تکیه گاه بحث تو در امور غیبی همچون سرگذشت اصحاب کهف ، تنها باید وحی الهی باشد . چرا که سخنان خدا حقائق تغییر ناپذیری است و ) کسی نمی تواند سخنان او را تغییر ( و احکام آن را دگرگون ) کند ، و هرگز پناهی جز او نخواهی یافت .

و در روایات متعددی تلاوت قرآن کریم را یک عبادت شمرده شده و به آن حکم شده است از جمله در روایتی رسول الله فرمودن در روز قیامت برای حافظ و تلاوت کننده قرآن گفته میشود : « يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتَلَ كَمَا كُنْتَ تُرْتِلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُ بِهَا »<sup>۱</sup> .  
 « برای صاحب و حافظ قرآن گفته میشود تلاوت کن و خود را به درجات بلندی برسان ، و حرف ها را درست ادا کن طوریکه در دنیا چنین میکردی زیرا مقامت در آخری آیتی است که خوانده ای .

#### مطلب چهارم - انواع عمل صالح در اخلاق و آداب اجتماعی:

ادب و اخلاق عبارت از روابط سالم و سلوک پسندیده در میان افراد و گروه های جامعه به حسب مراتب شان هست که متضمن رفتار ، گفتار و تعامل انسانها در برابر همدیگر میباشد ، به طریقه ی که شریعت اسلامی به آن حکم نموده است هرگاه دستورات شرعی در امر ادب و اخلاق اجتماعی رعایت شود عبادت و عمل صالح شمرده میشود ، برخی از آن آداب و اخلاق که در قرآن کریم عبادت شمرده شدند قرار ذیل اند:

۱- نیکی به پدر و مادر: خداوند متعال احسان به والدین را مقارن با عبادت خودش نموده و در آیات متعددی به آن حکم نموده است از جمله این فرموده خداوند متعال : ( وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا )<sup>۲</sup> .

« ای انسان ! ) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید ، و به پدر و مادر نیکی کنید ( و با آنان نیکو رفتار نمائید ) . هرگاه یکی از آن دو ، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند ، ( کمترین اهانتی بدیشان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدبانه همچون ) اف به آنان مگو ! ( و بر سر ایشان فریاد مزن ) و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو .

<sup>۱</sup> - اخرجه الترمذی فی السنن ، باب ماجاء فیمن قرأ حرفاً من القرآن ماله : ج ۱۰ / ص ۱۵۶ . وقال هذا حدیث حسن صحیح .

<sup>۲</sup> - سوره اسراء / ۲۳ .

و در آیه دیگری به عنوان توصیه به رفتار نیک همراه با والدین در قول و عمل فرموده است: (وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)<sup>۱</sup>.

ما به انسان توصیه می کنیم که به پدر و مادرش کاملاً نیکی کند ، و ( اما ای انسان ! ) اگر آن دو تلاش کردند که برای من انباز قرار دهی - که کمترین اطلاعی از آن نداری ( و اصلاً شرک با علم و عقل سازگار نیست ) - از ایشان اطاعت مکن . ( ولی باز هم محترمانه و مهربانانه با ایشان رفتار کن ) . بازگشت همه شما به سوی من است و از کارهایی که کرده اید آگاهتان می کنم ( و جزا و سزای اعمالتان را بی کم و کاست خواهیم داد ) .

**۲- جواب دادن سلام:** سلام دادن و پاسخ دادن سلام یکی از آداب و اخلاق اجتماعی است که قرآن کریم مسلمانان را در حین ملاقات به همدیگر و در موقع داخل شدن به خانه ها به آن حکم میکند چنانکه میفرماید: (وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ شَيْءٍ حَسِيبًا)<sup>۲</sup>.

«هرگاه شما را درودی دادند ( اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن ) به گونه زیباتر و بهتر از آن یا ( دست کم ) همانند آن ، آن را پاسخ گوئید . بیگمان خداوند حسابرس هر چیزی است ( و حساب هر چیزی را دارد ) .

و در آیه دیگری آمده است : (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)<sup>۳</sup>.

«هر وقت داخل خانه ای شدید بر همدیگر سلام کنید ، سلام پربرکت ( و لبریز از خیر و ثواب فراوان ، و تقویت کننده پیوند موجود میان دل‌های مردمان ، و درود ) پاک‌ی که به فرمان خدا مقرر است ( و موجب صفا و صمیمیت می گردد ) . این گونه خداوند آیه ها ( ی احکام محکمه و شرائع مبرمه خود ) را برایتان توضیح می دهد و تبیین می کند تا این که ( بیندیشید و در پرتو خرد ، احکام و مواعظ مندرج در آیات را ) بفهمید ( و بدانها عمل کنید ) .

سلام دادن فضای دوستی و محبت را در میان افراد جامعه به بار می‌آورد و روابط انسانی را تقویت مینماید در حدیثی به نقل از ابو هریره آمده است رسول الله فرمودند «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ تُوْمِنُوا وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّىٰ تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدَلُّكُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَّبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ»<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره عنکبوت / ۸.

<sup>۲</sup> - سوره نسا/ ۸۶.

<sup>۳</sup> - سوره نور/ ۶۱.

<sup>۴</sup> - اخرجہ مسلم : کتاب الایمان ، باب لا یدخل الجنة الامؤمن ج ۱/ ص ۱۸۰.

«وارد بهشت نمی‌شوید تا اینکه ایمان داشته باشید، و مؤمن نمی‌شوید تا اینکه همدیگر را دوست ندارید، آیا شما را بر یک چیزی دلالت نکنم هرگاه آن را انجام دهید با همدیگر دوست شوید! و آن اینکه سلام را در میانتان شایع سازید.»

**۳- پاسخ دادن بدی به نیکی:** این روش اخلاقی است که دشمنی و عداوت را از بین میبرد و فضای مودت و محبت را ایجاد میکند چنانکه خداوند متعال فرموده است: (وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ)<sup>۱</sup>

«نیکی و بدی یکسان نیست. (هرگز بدی را با بدی، و زشتی را با زشتی پاسخ مگوی. بلکه بدی و زشتی دیگران را) با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده. نتیجه این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد.»

**۴- عیادت مریض:** هدف دین اسلام تقویت روابط اجتماعی در جامعه است به غرض تحقق آن راه هایی را انتخاب نموده است که یکی از آن عیادت مریض میباشد در روایات متعددی به عیادت مریض حکم شده است. از جمله حدیث ابو هریره<sup>۱</sup> که امام بخاری رحمه الله نقل نموده است «**سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول حق المسلم على المسلم خمس رد السلام و عيادة المريض و اتباع الجنائز و إجابة الدعوة و تشميت العاطس**»<sup>۲</sup>.

«ابو هریره<sup>۱</sup> گفته است از رسول الله<sup>۵</sup> شنیدم که میفرمودند حق مسلمان بالای مسلمان پنج است، جواب دادن سلام-عیادت مریض- اتباع جنازه- اجابت دعوت و جواب دادن عطسه زننده (و قتیکه بگوید الحمد لله) به "یرحمک الله».

**۵- صلہ رحمی:** صلہ رحمی و ترحم در میان اقارب و سایر افراد جامعه فضای دوستی را ایجاد نموده و عداوت، کینه توزی را از بین برده و روابط در میان افراد جامعه را مستحکم میسازد که در قرآن کریم و سنت نبوی به رعایت آن حکم شده است از جمله این فرموده ی خداوند متعال است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)<sup>۳</sup>.

«خداوند به دادگری، و نیکوکاری، و نیز بخشش به نزدیکان دستور می دهد، و از ارتکاب گناهان بزرگ (چون شرک و زنا)، و انجام کارهای ناشایست (ناسازگار با فطرت و عقل سلیم)، و دست درازی و ستمگری نهی می کند. خداوند شما را اندرز می دهد تا این که پند گیرید (و با رعایت اصول سه گانه

<sup>۱</sup>- سوره فصلت/۳۴.

<sup>۲</sup>- اخرجہ البخاری: باب الامر باتباع الجنائز، ج /ص ۴۶۱.

<sup>۳</sup>- سوره نحل/۹۰.



عدل و احسان و ایتاء ذی القربی ، و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشاء و منکر و بغی ، دنیائی آباد و آرام و خالی از هرگونه بدبختی و تباهی بسازید .

در حدیثی رسول الله فرمودند: **« إن الرحم شجنة من الرحمن فقال الله من وصلك وصلته ومن قطعك قطعته»**<sup>۱</sup>.

«ترحم ذریعه صله رحمی از جانب ذات مهربان است ، خداوند فرموده است کسیکه تو را ببیوندد، با او میببوند و کسیکه تو را قطع کند با او مقاطعه میکنم.

۶- تبسم و برخورد با خوش طبعی با دیگران: این روش نوعی از اخلاق اجتماعی است که فضای اطمینان را در جامعه به بار میآورد رسول الله اینگونه برخورد با برادر مسلمان را عمل نیک تلقی نموده فرمودند: **« تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ »**<sup>۲</sup>. «تبسمت در برابر برادرت برایت صدقه است.

۷- همدردی با افراد محتاج: خداوند متعال فرموده است: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)<sup>۳</sup>.

«در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید ، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید . از خدا بترسید . بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است .

و رسول الله هب مساعدت افراد محتاج ترغیب نموده فرموده اند: **« مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَىٰ مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ »**<sup>۴</sup>.

«کسی مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را دور کند خداوند مشکلی از مشکلات های اخروی او را دور میسازد ، و کسی بر تنگ دستی را آسان گیری کند خداوند بر او در دنیا و آخرت آسانی میآورد، و کسی عیب مسلمانی را بپوشاند خداوند عیب های او را در دنیا و آخرت میپوشاند ، و خداوند در کمک بنده اش میباشد مادامی که بنده در کمک و همدردی برادرش باشد.

۸- مراعات حقوق همسایه: خداوند متعال رعایت حقوق همسایه را مقارن با عبادت خود ذکر نموده فرموده است: (وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ

۱- رواه البخاری :باب من وصل وصله الله .ج ۱۸/ص ۳۸۹.

۲- رواه الترمذی فی السنن ،باب ما جاء فی صنائع المعروف ، ج ۷/ص ۲۱۳ . وقال هذا حدیث حسن غریب .

۳-سوره مائده/۲ .

۴- اخرجه مسلم ،باب فضل الاجتماع علی تلاوة القرآن .ج ۱۳/ص ۲۱۲ .

ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا  
فَخُورًا)¹.

«تنها ( خدا را عبادت کنید و ( بس . و هیچ کس و ) هیچ چیزی را شریک او مکنید . و نیکی کنید به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان ، درماندگان و بیچارگان ، همسایگان خویشاوند ، همسایگان بیگانه ، همدمان ( در سفر و در حضر ، و همراهان و همکاران ) ، مسافران ( نیازمندی که در شهر و مکان معینی اقامت ندارند ) ، و بندگان و کنیزان . بیگمان خداوند کسی را دوست نمی دارد که خودخواه و خودستا باشد .

و رسول الله همسلمان را از اذیت و حق تلفی همسایه بر حذر داشته فرموده است: « **من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذي جاره**»².

«کسیکه با خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد همسایه اش را اذیت نمیکند.

**۹- حفظ امانت و سپردن آن براهلش:** امانت داری از صفات اخلاقی و از داعیه های اجتماعی دین اسلام است خداوند متعال فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا)³

«بیگمان خداوند به شما ( مؤمنان ) دستور می دهد که امانتها را ( اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده ، و چه چیزهایی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند ) به صاحبان امانت برسانید.

**۱۰- رعایت عدل و مساوات در تعامل با دیگران:** عدل و مساوات از مهم ترین داعیه و ضرورت اجتماعی است که دین اسلام به آن تأکید ورزیده است چنانچه خداوند متعال میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)⁴.

«ای مؤمنان ! بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید ، و دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که ( با ایشان ) دادگری نکنید . دادگری کنید که دادگری ( به ویژه با دشمنان ) به پرهیزگاری نزدیکتر ( و کوتاه ترین راه به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خدا ) است . از خدا بترسید که خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می دهید .

¹- سوره نساء/ ۳۶ .

²- اخرجه البخاری، باب الوصای بالنساء: ج ۱/ ۱۸۴ ..

³- سوره نساء/ ۵۸ .

⁴- سوره مائده/ ۸ .

علاوه به اینها موارد بیشماری از رعایت آداب و اخلاق اجتماعی است که در قرآن کریم و سنت نبوی مسلمانان به رعایت آن حکم شده اند و به آوردن دستورات شرعی در همه بخش های زنده گی به عنوان اطاعت از خداوند متعال و پیغمرش عمل صالح شمرده میشود.

## فصل دوم

اهمیت، شروط و آثار عمل صالح

مبحث اول - اهمیت عمل صالح؛

مبحث دوم - شروط قبولیت عمل صالح؛

مبحث سوم - آثار عمل صالح؛

## مبحث اول

### اهمیت عمل صالح

#### مطلب اول - اهمیت عمل صالح :

اهمیت عمل صالح را میتوان در موارد ذیل برشمرد:

#### ۱- عمل صالح یکی از اهداف خلق انسان است

عمل صالح نتیجه و ثمره ایمان بنده با خداوند متعال بوده و مقصد آفرینش انسان را تشکیل میدهد طوری که خداوند متعال هدف از آفرینش جن و انس در دنیا را عبادت خوانده فرموده است : (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

«من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام».

#### ۲- عمل صالح یکی از وسیله های نجات از خسران است.

چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ)<sup>۱</sup>

«سوگند به زمان ( که سرمایه زندگی انسان ، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است ) ! انسانها همه زیانمندند . مگر کسانی که ایمان می آورند ، و کارهای شایسته و بایسته می کنند ، و همدیگر را به تمسک به حق ( در عقیده و قول و عمل ) سفارش می کنند ، و یکدیگر را به شکیبائی ( در تحمل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهایی ) توصیه می نمایند ( که موجب رضای خدا می گردد ) .

#### ۳- عمل صالح از شروط دخول جنت است.

قرآن کریم در آیات متعددی دخول جنت را مشروط به ایمان و عمل صالح نموده است مثل این فرموده خداوند متعال: (وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ)<sup>۲</sup>.

«کسانی که ایمان آورده اند و کارهای پسندیده و شایسته ی کرده اند ، به باغهایی برده می شوند که در زیر ( کاخها و درختان ) آنها جویبارها روان است و با اجازه و توفیق پروردگارشان جاودانه در آنها می مانند ( و از سوی خدا و فرشتگان ) درودشان ( می فرستند که ) عبارت است از : سلامتان باد !.

۱- سوره عصر/۱-۴.

۲-سوره ابراهیم/۲۳.

امثال این در آیات متعددی ایمان و مؤمن مقارن با عمل صالح ذکر شده و عمل صالح را وصف مؤمن و سبب ورود او به بهشت خوانده است.

و به همین مناسبت قرآن کریم در موارد متعددی به انجام عمل صالح تشویق نموده است که اهمیت عمل صالح و عظمت آن را برملا میسازد.

#### ۴- پیغمبران به عمل صالح حکم شده اند.

انبیاء و پیغمبران را با آنکه آنها معصوم اند به عمل صالح امر نموده و در تعقیب شان از مؤمنان تذکر کرده است که در آیات ذیل به مشاهده میرسد:

أ- این فرموده خداوند متعال (يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ).<sup>۱</sup>

( به پیغمبران گفته ایم تا به پیروان خود برسانند . گفته ایم ) ای پیغمبران ! از غذاهای حلال بخورید و کارهای شایسته بکنید ، بی گمان من از آنچه انجام می دهید بس آگاهم .

ب- و فرموده است (اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ)<sup>۲</sup>.

«ای دودمان داود ! سپاسگزاری ( این همه نعمت را ) بکنید ، و ( بدانید که ) اندکی از بندگام سپاسگزارانند ( و خدای را به هنگام خوشی و نعمت یاد می آرند . پس کاری کنید که از زمره این گروه گزیده شکرگزار باشید ) .

هرگاه امر به عمل صالح متوجه انبیا باشد که مغفور و معصوم اند نیاز ما به عمل صالح در هر لحظه زنده گی شدیدتر از آن است.

#### مطلب دوم - اهمیت عمل صالح از حیث تلازم با ایمان:

عمل صالح در باب عقیده و عبادات رابطه انسان را با خالقش تنظیم میکند و عمل صالح از موارد تحقق ایمان در حیات فکری ، قولی و عملی یک مسلمان میباشد که از ایمان به خداوند متعال نشأت میکند و در میان ایمان و عمل صالح نوع تلازم وجود دارد که یکی بدون دیگری تحقق نمیآید آیات متعددی در قرآن کریم هستند که لازم و ملزوم بودن ایمان و عمل صالح را بیان مینمایند:

۱- مثل این فرموده خداوند متعال : (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ).<sup>۳</sup>

«گفتار پاکیزه به سوی خدا اوج می گیرد ( و گوینده خود را پرواز می دهد ) ، و خدا کردار پسندیده را بالا می برد ( و انجام دهنده اش را والا می گرداند ) .

۱- سوره مؤمنون/ ۵۱.

۲- سوره سبأ/ ۱۳.

۳- سوره فاطر/ ۱۰.

این آیت به نحوی تلازم ایمان و عمل را بیان میکند ابن قیم رحمه الله گفته است: «الکَلِمَ الطَّيِّبُ : لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ ، والعمل الصالح : أداء الفرائض واجتناب المحارم .<sup>۱</sup> کلم طیب قول لاله الاالله (ایمان) است و عمل صالح ادای فرایض واجتناب از محرّمات میباشد.

و در مورد لفظ "یرفعه" گفته است «لا یقبل عمل صالح الا من موحد» عمل صالح جز از موحد قبول نمیشود (قبولیت عمل صالح مربوط به ایمان خالص است و ایمان مقتضی عمل میباشد)

۲- این فرموده خداوند متعال : (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).<sup>۲</sup>

«او کسی است که شما را آفریده است ( و به شما آزادی و اختیار داده است ) . گروهی از شما کافر و گروهی از شما مؤمن می گردید . خدا می بیند هر چه را که می کنید .

« فهُوَ مجازیکم بأعمالکم .»<sup>۳</sup> طبق اعمال تان شما را پاداش و کیفر میدهد (اگر مؤمن به مقتضای ایمانش عمل صالح انجام نداده باشد پاداش و ثوابی برای او نبوده ، و اگر مرتکب منہیات شده باشد جزای آن را میبیند)

۳- و آیه (فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ).<sup>۴</sup> «ایمان بیاورید به خدا و پیغمبرش و نوری که ( قرآن نام دارد و آن را برای روشن کردن راه سعادت دنیا و آخرت شما انسانها ) نازل کرده ایم . خداوند کاملاً آگاه از هر آن چیزی است که انجام می دهید .

در این آیت به ایمان به خداوند متعال و رسول الله<sup>۵</sup> و قرآن کریم حکم شده است و در آخر فرموده است {وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ} خداوند از اعمال شما باخبر است (صداقت ایمان شما در عمل تان است)

۴- و در آیه دیگری ایمان را وسیله ی هدایت و شرک را سبب بطلان عمل خوانده است: (ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).<sup>۵</sup>

این ( توفیق بزرگی که چنین شایستگان و برگزیدگانی بدان نائل آمدند ) توفیق خدائی است و خداوند هر کس از بندگانش را بخواهد بدان نائل می سازد . اگر ( این چنین شایستگانی - چه رسد به دیگران ) شرک می ورزیدند ، هر آنچه می کردند هدر می رفت ( و اعمال خیرشان ضائع می شد و خرمن طاعتشان به آتش شرک می سوخت ) .

۱- ابن الجوزی، تفسیر زاد المسیر، ج ۵/ص ۱۷۶.

۲- سوره تغابن/۲.

۳- تفسیر فتح القدیر، ج ۲۳۲/۷.

۴- سوره تغابن/۸.

۵- سوره انعام/۸۸.

۴- ودر آیه دیگری توبه از گناهان وایمان صادقانه و سپس عمل صالح را سبب فلاح و کامیابی خوانده است : (فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ).<sup>۱</sup>

«و اما کسانی که ( در دنیا ) توبه کرده و ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند ، امید است که از زمره رستگاران گردند .

۵- در آیه ی دیگری ایمان همراه با عمل صالح را سبب برای پاداش اخروی و آسانی های دنیوی خوانده است: (وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا)<sup>۲</sup>.

«و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند ، ( در آخرت ) پاداش نیکو خواهند داشت ، و ما ( هم در دنیا ) دستور سهل و ساده ای در حق ایشان صادر می نمائیم ( و تکالیف طاقت فرسا و مالیات سنگین بر دوششان نمی گذاریم ) .

این آیات و آیات متعدد دیگری دلالت بر این دارند که عمل صالحی که مقارن با ایمان باشد عملی است که مورد قبول خداوند متعال بوده و باعث سعادت انسان در دنیا و آخرت میشود.

چنانچه در مورد اثر گذاری ایمان و عمل صالح در زنده گی دنیوی فرموده است : ( مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً )<sup>۳</sup>.

«هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد ، بدو ( در این دنیا ) زندگی پاکیزه و خوشایندی می بخشیم.

و در مورد اثر اخروی ایمان و عمل صالح فرموده است : ( وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ )<sup>۴</sup>.

«ولی هر کس کار خوبی انجام دهد ، خواه مرد باشد یا زن - به شرط این که مؤمن باشد - چنین کسانی به بهشت می روند و در آنجا نعمت و روزی بدیشان بدون حساب و کتاب عطاء می گردد .

قرآن کریم در میان ایمان و عمل صالح و عبادات مفروضه به اعتبار اینکه عبادات مفروضه از عمل صالح بوده که انسان مؤمن به نیت تقرب به خداوند انجام میدهد ربط داده فرموده است : (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)<sup>۵</sup>.

۱- سوره قصص/۶۷.

۲- سوره کهف/۸۸.

۳- سوره نحل/۹۷.

۴- سوره غافر / ۴۰.

۵- سوره بقره/۲۲۷.



«بیگمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. ایمان زمانی فرد مؤمن را به درجه تقوا میرساند که با عمل جوارح مقارن باشد همان گونه که بر مقتضای ایمان بر مؤمن واجب است که به اوامر الهی ملتزم بوده و از منهیاتش اجتناب نماید و با نوافل به خداوند متعال تقرب بجوید»<sup>۱</sup>.

## مبحث دوم

### شروط قبولیت و صالح بودن عمل

عمل به سه شرط صالح بوده و مورد قبول خداوند متعال قرار میگیرد و اجر و پاداش به آن مرتب شده باعث نجات عاملش از عذاب آخروی میگردد. و آن شروط عبارتند از: شرعی بودن - اخلاص و مؤمن بودن عمل کننده که در مطالب ذیل شرح میگردد.

#### مطلب اول - عمل باید شرعی باشد:

شرعی بودن عمل مطابقت آن با سنت رسول الله می باشد هر عملی که مخالف سنت باشد باطل و فاسد است و صالح بوده نمیتواند آیات متعددی به این شرط دلالت دارند :

۱- مثل این فرموده خداوند متعال (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)<sup>۲</sup>.

«چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید»

۲- وَايَهُ (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا)<sup>۳</sup>.

هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است (چرا که پیغمبر جز به چیزی دستور نمی دهد که خدا بدان دستور داده باشد، و جز از چیزی نهی نمی کند که خدا از آن نهی کرده باشد) و هر که (به اوامر و نواهی تو) پشت کند (خودش مسؤول است و باک نداشته باش) ما شما را به عنوان مراقب (احوال) و نگهبان (اعمال) آنان نفرستاده ایم (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

۳- وَايَهُ (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup>-جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی المعروف بابن الجوزی، (۱۴۱۴هـ) تفسیر زاد المسیر، دارالکتاب العربی بیروت تحقیق عبدالرزاق المهدی: باب ۳۱، ج ۴/ص ۲۲۱.

<sup>۲</sup>-سوره حشر /۷.

<sup>۳</sup>-سوره نساء/۸۰.

<sup>۴</sup>-سوره آل عمران/۳۱.

«بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

این آیات دلالت بر آن دارد که اتباع رسول الله<sup>ه</sup> در هر عملی لازمی است و مخالفت رسول الله<sup>ه</sup> در انجام هر عملی مانع قبولیت آن به نزد خداوند متعال میشود.

### مطلب دوم - اخلاص در عمل:

اخلاص در لغت به معنای، خاص، مختار، قابل پسند و یک جهتی در عمل. ومخلص واقع گرا و خاص کننده عمل برای خداوند متعال.<sup>۱</sup>

و در اصطلاح «**الاخلاص هو القصد فی العبادۃ الی ان یعبد المعبود وحده**»<sup>۲</sup>. اخلاص قصد واراده در عبادت است بر اینکه معبود واحدی را پرستش کند.

و یا اینکه «اخلاص در عبادت داعیه است بر انجام فعل مأمور به و ترک فعل منهی عنه که در آن رضای خداوند متعال هدف و مقصد عمل کننده باشد و امر دنیوی سبب عمل نباشد. از همین جهت عمل کننده در حین انجام عمل میگوید "لوجه الله" (به رضای خدا این کار را کردم) به این صورت که کسی اعمال صالحه به این هدف انجام ندهد که مردم او را توصیف کنند و یا اینکه به ترک مدح والقباب توصیفی ناراحت شده و گاهی هم عملش را ترک نماید.<sup>۳</sup>

از تعریف اخلاص برمیآید که اخلاص در مقابل ریا قرار داشته و اخلاص عبارت از باور داشتن به وحدانیت معبود در حین اتیان به اوامر او یا اجتناب از منهیاتش و دور بودن از خود نمایی و توقع توصیف در بدل عمل از طرف مردم میباشد.

### معنای اخلاص در قرآن کریم:

کلمه اخلاص در قرآن کریم به معانی مختلفی آمده است:

#### ۱- پاک بودن از کثافات:

در این فرموده خداوند متعال: (وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ)<sup>۴</sup>.

۱- ابن منظور، لسان العرب: ج ۴/ص ۱۷۳ وقاموس المحيط: ج ۲/ص ۱۱۲.

۲- وهبه الزحیلی، التفسیر المنیر: ج ۱۶/ص ۱۱۴.

۳- ابن عاشور، التحریر والتنویر: ج ۲۳/ص ۳۱۸.

۴- سوره نحل/۶۶.

«بی گمان ( ای مردمان ! ) در وجود چهارپایان برای شما ( درس ) عبرتی است ( که در پرتو آن می توانید به خدا پی ببرید . چه عبرتی از این برتر که ما ) از برخی از چیزهایی که در شکم آنها است ، شیر خالص و گوارائی به شما می نوشانیم که از میان تفاله و خون بیرون می تراود و نوشندگان را خوش می آید .

به این حالت که شیر از میان دو شیئی کثیف (خون و فضلات) حیوان شیر دهند میفراید در حالیکه که کثافتی را به خود نگرفته و پاک میباشد.<sup>۱</sup>

## ۲- اخلاص به معنای عدم اشتراک در یک چیز:

خداوند متعال با حکایت از عقیده شرکی مشرکین فرموده است : ( خَالِصَةً لِّدُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّ اَزْوَاجِنَا )<sup>۲</sup>

«می گویند : جنینی که در شکم این حیوانات است ویژه مردان ما است و بر زنان ما حرام است» (اینکه زنان در استفاده از آن با مردان شریک نیستند).<sup>۳</sup>

## ۳- اخلاص به معنای تخصیص استفاده و نفع بردن مؤمنان از زیبایی ها و روزی های حلال:

خداوند متعال فرموده است : ( قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ )<sup>۴</sup>

( ای محمد ! زشتی کار افتراء تحلیل و تحریم را بدیشان خاطر نشان ساز و به آنان ) بگو : چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزیهای پاکیزه را تحریم کرده است ؟ بگو : این ( نعمتها و موهبتهای حلال و ) چیزهای پاکیزه ، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است ( و دیگران نمی بایست از آن استفاده کنند . ولی در این دنیا بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست ، و این هم از رحمت و اسعه خدا و لطف او است . اما ) در روز قیامت اینها همه در اختیار مؤمنان قرار می گیرد ( و دیگران به کلی از آن محروم می گردند ) . این چنین آیات ( خود را درباره احکام حلال و حرام ) برای کسانی توضیح و تشریح می کنیم که آگاهند و می فهمند .

از این وضاحت بر میآید که در میان معنای لغوی و اصطلاحی اخلاص رابطه محکمی وجود دارد ، بنا بر این اخلاص در عبادات نیت و اراده ی است که هیچ گونه فساد و شائبه ی آن در آن دخالت نداشته باشد.

<sup>۱</sup>- طبری ، جامع البیان: ج ۱۴ / ص ۱۷۵ .

<sup>۲</sup>- سوره انعام / ۱۳۹ .

<sup>۳</sup>- طبری ، جامع البیان ج ۸ / ص ۶۵ .

<sup>۴</sup>- سوره اعراف / ۳۲ .

وهمچنان از معانی اخلاص در قرآن کریم بر میآید که اخلاص طوریکه برای خداوند متعال صورت میگیرد برای اشخاص و اشیای دیگری نیز صورت گرفته میتواند و آنچه که برای مخلوقات خالص شود به معنای جدا بودن و عدم مشارکت میباشد، و اخلاصی که برای خداوند باشد معنای عبادت در آن بوده که مستحق آن خداوند متعال است و هیچ یکی و هیچ چیزی در آن شراکت نداشته برابر اینکه، ملک باشد یا ملک، و یا موجودات دیگری. پس هر عملی که در آن خلوص نیت به خداوند وجود نداشت مورد قبول خداوند متعال نبوده، ارزش و فائدی ندارد از همین سبب خداوند متعال در موارد متعددی اعمال قولی و فعلی را مقید به اخلاص نموده طوریکه فرموده است: (هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)<sup>۱</sup>.

«زنده جاوید او است. جز او خدائی وجود ندارد، پس او را به فریاد خوانید و عبادت را خاص او بدانید. سپاس و ستایش الله را سزا است که پروردگار جهانیان است.

(در هر عبادت، دعا و عمل رضای خداوند را مخلصانه طلب نمائید) زیرا خداوند متعال در انجام هر عملی به اخلاص امر کرده چنانچه فرموده است (وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ)<sup>۲</sup>.

«در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند، و نماز را چنان که باید بخوانند، و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.

شوکانی رحمه الله گفته است این آیت دلیل بر وجوب در عبادات است زیرا که اخلاص از عمل قلب میباشد.<sup>۳</sup>

### اخلاص در دعای رفع دشواری ها:

اخلاص در دعاء در وقت دشواریها امر تبیعی انسانها است چنانچه انسانها اعم از مؤمن و غیر مؤمن در وقت دچار شدن به شدائد و دشواری ها ناگزیر اند به خداوند متعال متوجه شده و با تضرع و اخلاص جهت بر طرفی دشواری ها دعا کنند و اغلبا وقتیکه خداوند متعال دشواری های آنان را برطرف کند فراموش کنند و بر غفلت و عصیان شان بر گردند.

<sup>۱</sup> - سوره غافر/ ۶۵.

<sup>۲</sup> - تفسیر السعدی، ۲/ص ۵۷۴. و سوره بینه/ ۵.

<sup>۳</sup> - شوکانی، محمد بن علی ابن محمد (ب ت) تفسیر فتح القدير، الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر طبع عالم المعرفة: ج ۵/ص ۴۷۶.

آیات ذیل بر این مطلب صراحت دارند: خداوند متعال فرموده است (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُنْجِيتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ، فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ)¹.

«او است که شما را در خشکی و دریا راه می برد ( و امکان سیر و حرکت در قاره ها و آبها را برای شما میسر می کند ) . چه بسا هنگامی که در کشتیها قرار می گیرید و کشتیها با باد موافق سرنشینان را آرام آرام به سوی مقصد حرکت می دهند ، و سرنشینان بدان شادمان می گردند ، به ناگاه باد سختی وزیدن می گیرد و از هر سو موج به سویشان میدود و می پندارند که ( توسط مرگ از هر سو ) احاطه شده اند ( و راه گریزی نیست . در این وقت ) خدا را به فریاد می خوانند و طاعت و عبادت و فرمانبرداری و دین را تنها از آن او می دانند (بدین هنگام عهد می کنند که ) اگر ما را از این حال برهانی ، از زمره سپاسگزاران خواهیم بود ( و دیگر به کسی و چیزی جز تو روی نمی آوریم و هرگز این و آن را به فریاد نمی خوانیم و نمی پرستیم ) .

اما هنگامی که خدا آنان را نجات می دهد ، ناگهان به ناحق در زمین شروع به ظلم و فساد می کنند ( و عهد و پیمان را فراموش می نمایند ) .

و آیه (فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ)².

«هنگامی که ( مشرکان ) سوار کشتی می شوند ( و ترس و نگرانی بدیشان دست می دهد ) خالصانه و صادقانه خدای را به فریاد می خوانند ( و غیر او را فراموش می گردانند ) . سپس هنگامی که خدا آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند ، باز ایشان شرک می ورزند ( و به انبازهایی برای خدا معتقد می شوند ) این دو آیت صراحت دارد بر اینکه اخلاص در طبیعت انسانها هست ناگزیرند در وقت دشواری از آن استفاده نمایند، به خصوص مشرکان بت پرست وقتیکه به کشتی سوار شوند و در طلایم امواج دچار خوف و هلاکت گردند انداد شرکاء شان را ترک گفته مخلصانه از خداوند میخواهند که نجات شان دهد خداوند متعال با این یک لحظه اخلاص آنان را نجات میدهد وقتیکه نجات یافتند دو باره به شرک روی میاورند.³ چنانکه از آیت برمیآید یک لحظه اخلاص در دعاء تأثیر خود را داشته است با آنکه آن اخلاص کننده ها مشرک بوده و اخلاص در دعا را فقط برای نجات از غرق شدن شان کرده اند مؤمنانیکه در ایمان و عمل

¹- سوره یونس / ۲۲-۲۳ .

²- سوره عنکبوت/ ۶۵ .

³- تفسیر السعدی: ج ۲/ ۳۲۴ .

شان مخلص باشند و رفع دشوری هایشان را مخلصانه از خداوند متعال بخواهند حتما دشواری هایشان را برطرف خواهد نمود.

### مطلب سوم - عمل از مؤمن صادر شده باشد:

شرط سوم اینکه عمل از شخص مؤمن صادر شده باشد (یکی از شروط صلاح عمل مؤمن بودن عمل کننده است) اگر انجام دهنده عمل مؤمن نباشد اگرچه عمل مطابق شرع اسلامی هم باشد صالح شمرده نمیشود.

مثل این فرموده خداوند متعال: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)¹.

«هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، بدو (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی می بخشیم و (در آن دنیا) پاداش (کارهای خوب و متوسط و عالی) آنان را بر طبق بهترین کارهایشان خواهیم داد».

در این آیت ایمان را قید برای صلاح عمل قرار داده شده است.

البته این سه شرط لازم و ملزوم یکدیگرند و برای صالح بودن عمل وجود این سه شرط به صورت جمعی لازمی است اگر یکی از این شرایط نباشد عمل صالح بوده نمیتواند.²

¹- سوره نحل/۹۷.

²- محمد امین بن محمد مختار بن عبدالقادر الجنکی، الشنقیطی: ط(۱۴۱۵) هـ دار الفکر بیروت: اضواء البیان ج ۴/ص ۷.

## مبحث سوم

## آثار دنیوی و آخروی اعمال صالحه

## تمهید

خداوند متعال بنده های را که در حال ایمان و موافق با شرایط آن باشد عمل صالحی انجام داده اند وعده میدهد که نتیجه تلاش شان را ضایع نمیکند و ثواب اعمال شان را باطل نمیسازد پاداش آن را بدون کم ، کاست برایشان میدهد چنانکه میفرماید : ( إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا )<sup>۱</sup>.

«کسانی که ایمان آورده اند ( به خدا و دین حقی که به تو وحی شده است ) و کارهای شایسته کرده اند ( پاداششان در پیشگاه آفریدگارشان محفوظ است ) . ما پاداش کسی را هدر نمی دهیم که کار نیکو کرده باشد».

نیز فرموده است : ( وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا )<sup>۲</sup>.  
«و هر کس که ( دنیای جاودانه ) آخرت را بخواهد و برای ( فراچنگ آوردن ) آن ، تلاش سزاوار آن را از خود نشان دهد ، در حالی که مؤمن باشد ، این چنین کسانی ، تلاششان بی سپاس ( و بی اجر ) نمی ماند» .

از این آیات به صورت یک تمهید بر میآید که بر اعمال صالحه آثار پسندیده ی در زنده گی فرد و جامعه در حیات دنیوی و آخروی به ترتیب ذیل مرتب میگردد:

## مطلب اول- آثار دنیوی اعمال صالح:

یکی از مهربانی های خداوند متعال بر بنده ها این است که به علاوه پاداش اخروی فوایدی را در اعمال صالح آنان در حیات دنیوی نیز گذاشته است که قبل از قیامت در دنیا از آن مزایا بهره مند میشوند و آن آثار و فواید عبارتند از:

۱- معیشت و آسایش هرچه بهتر در زنده گی : طوریکه فرموده است : ( مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ

ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ )<sup>۳</sup>.

۱- سوره کهف/۳۰.

۲- سوره اسر/۱۹.

۳- سوره نحل/۹۷.

«هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد ، بدو ( در این دنیا ) زندگی پاکیزه و خوشایندی می بخشیم و ( در آن دنیا ) پاداش ( کارهای خوب و متوسط و عالی ) آنان را بر طبق بهترین کارهایشان خواهیم داد .

طبری رحمه الله گفته است قسمت بعدی آیت (وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) موأید آن است که مراد از حیات طیبه زنده گی دنیا است.<sup>۱</sup>  
بناء قسمت اول آیت از آثار عمل صالح در زنده گی دنیا و قسمت آخری آیت از پاداش عمل صالح در آخرت بحث نموده است.

## ۲- به بار آمدن آسانی در کارها و وسعت در زنده گی :

چنانچه خداوند متعال فرموده است : (وَأَمَّا مَنْ أَمِنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا)<sup>۲</sup>.

«و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند ، ( در آخرت ) پاداش نیکو خواهند داشت ، و ما ( هم در دنیا ) دستور سهل و ساده ای در حق ایشان صادر می نمائیم ( و تکالیف طاقت فرسا و مالیات سنگین بر دوششان نمی گذاریم ) .

وهبه الزحیلی رحمه الله : در تفسیر این آیت گفته است ، کسیکه به الله متعال و وحدانیت ذاتی و صفتی اش باور داشته و اوامرش را اطاعت کند و به مقتضای ایمانش عمل صالحی انجام دهد ، پاداش آن جنت است و برای رسیدن به این هدف خداوند اعمال شاقی را بالای او لازم نکرده است بلکه آسانی در اعمال را در همه موارد عبادی مثل نماز ، روزه ، حج و غیره ... در نظر گرفته است مبنای همه ی امور دینی بر یسر و آسانی است نه بر "عسر" (سختی) و هرگاه دشواری در ادای عبادات به بار آید آسانی دیگری را جهت تخفیف به بار آورده است.<sup>۳</sup>

## ۳- ایجاد دوستی و محبت در میان مردم :

خداوند متعال فرموده است : (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا)<sup>۴</sup>.  
«بی گمان کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته و پسندیده انجام می دهند ، خداوند مهربان آنان را دوست می دارد و حجت ایشان را به دلها می افکند .

<sup>۱</sup> - تفسیر الطبری ، ج ۱۴ / ص ۲۲۶ .

<sup>۲</sup> - سوره كهف/ ۸۸ .

<sup>۳</sup> - وهبه الزحیلی: التفسیر المنیر، ج ۱۶ / ص ۲۵ .

<sup>۴</sup> - سوره مریم/ ۹۶ . "ود" به معنای دوستی و محبت (فرد نیک عمل را دیگران دوست داشته) و خداوند محبت او را در قلب اولیا اش میاندازد اهل آسمانها و زمین او را دوست میدارند. تفسیر سعدی ج ۱ / ص ۱۰۶۵ .



واینکه نیکو کاران را اهل آسمان وزمین دوست میدارند ، در موردش روایاتی متعددی وارد شده است از جمله روایتی به نقل از ابو هریره <sup>۱</sup> که در آن آمده است رسول الله<sup>ه</sup> فرمودند: «هرگاه خداوند بنده ی را دوست داشت جبریل را ندا میکند و میگوید: ای جبریل من فلانی را دوست دارم تو او را دوست بدار [فرمودند] جبریل او را دوست میدارد ، و سپس در میان اهل آسمانها صدا میزند «ان الله يحب فلانا فأحبوه ، قال : فيحبه اهل السماء ، ثم يوضع له القبول في الارض»<sup>۱</sup> .  
«و میگوید» به یقین خداوند فلانی را دوست دارد شما او را دوست بدارید " رسول الله فرمودند " سپس باشند های زمین نیز او را دوست میدارند و سپس او مورد پسند [همه ] در زمین میباشد.

### مطلب دوم - آثار اخروی عمل صالح :

خداوند متعال فرموده است : (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا)<sup>۲</sup>.  
«کسانی که ایمان آورده اند ( به خدا و دین حقی که به تو وحی شده است ) و کارهای شایسته کرده اند ( پاداششان در پیشگاه آفریدگارشان محفوظ است ) . ما پاداش کسی را هدر نمی دهیم که کار نیکو کرده باشد .

از آیت برمیآید اینکه خداوند اجر عمل بنده اش را ضایع نمیکند باید آثار اعمال صالح اش را در آخرت مشاهده نماید، و آن آثار عبارتند از:

### ۱- دخول جنت و بهره مند شدن از نعمت های آن:

دخول جنت از بزرگترین اثر عمل صالح و مهترین هدف بنده ی مؤمن میباشد که در دنیا به هدف رسیدن به آن اعمال صالح انجام میدهند آیاتی که به رسیدن فرد مؤمن به این هدف صراحت دارد در قرآن کریم بسیار است از جمله این فرموده خداوند متعال که در آن آمده است : (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)<sup>۳</sup>.

«مژده بده به کسانی که ایمان آورده اند و کردار نیکو انجام داده اند ، این که ایشان را است باغهای ( بهشتی ) که در زیر درختان آن رودها روان است . هرگاه بعضی از میوه های آنها بدیشان عطاء شود ، گویند : پیشتر این نصیبمان گشته بود ، و همسان آن را آورده اند . ( چه چنین میوه هائی در جنس و

<sup>۱</sup> - اخرجه البخاری ، کتاب التوحید، باب كلام الرب مع جبریل و نداء الله الملائكة ، ج/۴ ص/۲۳۳۴ .

<sup>۲</sup> - سوره كهف/۳۰ .

<sup>۳</sup> - سوره بقره/۲۵ .

شکل یکی بوده ، ولی طعم و مزه جداگانه ای دارند ) . و در آنجا همسران پاک و بی عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند .

و در آیه دیگری حالت مؤمنین را که عمل صالح نموده اند در جنت توصیف نموده و از نعمت های آن جا یاد شده است خداوند متعال فرموده است: (أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا)<sup>۱</sup>.

«آنان کسانی که بهشت جاویدان از آن ایشان است ؛ بهشتی که در زیر ( کاخها و درختان ) آن جویبارها روان است . آنان در آنجا با دستبندهای طلا آراسته می شوند ، و جامه های سبز ( فاخری از انواع مختلف ) حریر نازک و ضخیم می پوشند ، در حالی که بر تختها و مبلمانها تکیه زده اند . ( واه که این چیز موعود ( چه پاداش خوبی است ! و ( به به این باغها و تختها ) چه منزل و مقرّ زیبایی است ! .

و در آیه دیگری فرموده است: (وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)<sup>۲</sup>.

«کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند ، و کمترین ستمی بدانان نشود .

زحیلی رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است «ای محمد خود و وارثینت را از علماء ، مؤمنان تقوا پیشه که به الله ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند بشارت بدی که برایشان باغهایی است دارای درختان پر ثمر و جاهایی برای سکونت ، که از زیر قصر های آن نهر ها روان است ، و در آن هر آنچه هست که نفس ها میخواهد ، و چشم ها لذت میبرد ، و در آن چیز های است که چشمی ندیده و گوشتی نه شنیده است ، و بر قلبی بشری خطور نکرده است ، درست این معنای این فرموده خداوند متعال است: ( فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةٍ أَعْيُنٍ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)<sup>۳</sup>.

«هیچ کس نمی داند ، در برابر کارهایی که ( مؤمنان ) انجام می دهند ، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان شده است .»

<sup>۱</sup>-سوره کهف / ۳۱ .

<sup>۲</sup>- سوره نساء / ۱۲۴ . نقیر پوست نفیسی در روی خسته خرما را گفته میشود ، جامع البیان : ازطبری ، ج ۵ / ص ۴۰۱

<sup>۳</sup>- سوره سجده / ۱۷ .

نعمت هایش دایمی، و میوه هایش لذیذ هرگاه میوه هایی که بخواهند به ایشان تقدیم شوده، از تعجب گویند، این میوه ها مثل همان میوه های است در دنیا روزی داده شدیم و هرگاه طعم آن را بچشند چنان نیست که در دنیا دیده اند.<sup>۱</sup>

## ۲- بیرون نمودن کدورت ها از قلب آنانیکه عمل صالح انجام داده اند:

خداوند متعال فرموده است: (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍ تَجْرِي مِنَ الْإِنهَارِ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ).<sup>۲</sup>

«هرگونه کینه ای را از دلهایشان می زدائیم ( تا برادرانه در کمال صفا و صمیمیت در بهشت بسر برند ) در زیر ( قصرها و درختان ) آنان رودبارها جاری می گردد . ( خرم و خندان خدای را سپاس می گذارند ) و می گویند : خدائی را سپاسگزاریم که ما را بدین ( نعمت جاویدان و بی پایان ) رهنمود فرمود و اگر ( لطف عمیم و فضل کریم ) خدا ( نبود و توسط پیغمبران ما را توفیق عنایت نمی فرمود و ) رهنمودمان نمی نمود ، هدایت فراچنگ نمی آوردیم . واقعاً پیغمبران پروردگاران حق آوردند ( و حق گفتند و به سوی حق همگان را رهبری نمودند . در اینجا از سوی فرشتگان خدا ) ندا داده می شود که : این بهشت شما است ( که در جهان به شما وعده داده شده بود ، و هم اینک ) آن را به خاطر اعمالی ( بایسته و کردارهای شایسته ای ) که انجام داده اید به ارث می برید .

زحیلی / گفته است از بزرگترین نعمت های خداوند برای اهل جنت پاک دلی آنان ، سلامتی قلب ها از اینکه کدورتی در آن نباشد ، و درد ورنجی آن را تهدید نکند ، و پیریشانی نداشته باشد و پیریشانی او را مضطرب نسازد میباشد ، زیرا خداوند متعال حسد ، کینه ، عداوت ، فریب و امثال آن را که امراض نفس در دنیا هست از قلب های آنان بیرون کرده است.<sup>۳</sup>

## ۳- حفظ سعی و تلاش هاییکه در دنیا انجام داده اند:

خداوند متعال تلاش های نیکو کاران را به غرض رسیدن به مؤفقییت ها هدر نداده و حفظ مینماید ، چنانکه خداوند متعال فرموده است: ( فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ).<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱/ص ۱۰۵.

<sup>۲</sup>- سوره اعراف/۴۳.

<sup>۳</sup>- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۴/۲۰۹.

<sup>۴</sup>- سوره انبیاء/۹۵.

«هرکس چیزی را از کارهای شایسته و بایسته انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد (به خدا و پیغمبران و برنامه آسمانی)، تلاش او نادیده گرفته نمی شود و (ناسپاس نمی ماند، و توسط فرشتگان در نامه اعمالش) ما قطعاً آن را خواهیم نوشت.

یکی از رحمت ها و مهربانی خداوند متعال در این است سعی و تلاش های بنده ها را ضایع نه ساخته و اعمالی را که از آنها مطالبه نکرده است اگر انجام دهند بدون پاداش و ثواب نمیگذارد، او تعالی به طبیعت نفس بشری عالم بوده و توانایی های آنها را میداند، رسول الله در حدیثی فرمودند «ذرونی ما ترکتم فانما هلك من كان قبلکم بکثرة سؤالهم واختلافهم علی انبیائهم، فاذا امرتکم بشیئ فأتوا منه ما استطعتم و اذا نهیتکم عن شیئ فدعوا»<sup>۱</sup>.

«مرا با آنچه که برایتان گذاشته ام رهایم کنید! (آنچه را که گفتم عمل نمائید) کسانی که قبل از شما بودن به کثرت سوال و اختلاف شان با پیغمبران شان هلاک شدند، هرگاه شما را به چیزی امر نمودم تا آنجا که توان دارید آنرا انجام دهید و اگر از چیزی شمارا منع نموده آنرا بگذارید.

قرطبی رحمه الله گفته است: معنای حدیث چنین است کسی عمل صالحی را که فرضی باشد یا نفلی در حالیکه او موحد باشد تلاش او نادیده گرفته نشده و پاداشش ضایع نمیگردد مثل این فرموده خداوند متعال (فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى)<sup>۲</sup>.

«پس پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضائع نخواهم کرد.

#### ۴- آموزش گناهان و پاداش بزرگ:

اعمال صالحه سبب آموزش گناهان و رسیدن به درجات بالایی میباشد که آیات متعددی به آن دلالت دارد.

أ- مثل این فرموده خداوند متعال (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ)<sup>۳</sup>.  
«خداوند به کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، وعده می دهد که آموزش (او گناهانشان را دریابد) و پاداش بزرگی (و ثواب فراوانی) از آن ایشان باشد.

۱- اخرجه مسلم، کتاب الحج ج ۹/ص ۴۷۴ حدیث (۴۱۲).

۲- سوره آل عمران/۱۹۵. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزرجی شمس الدین القرطبی ط (۱۳۸۴) هـ الجامع لاحکام القرآن دارالکتب المصریة القاہرة ج ۱۱/ص ۳۵۶.

۳- سوره مائده/۹.

ب- و این فرموده خداوند متعال: (إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ)<sup>۱</sup>. «مگر کسانی که (به هنگام شدائد) شکیبائی کنند، و (در وقت خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و مستمندی) کارهای شایسته و بایسته انجام دهند، بیگمان آنان بخشایش (یزدان شامل گناهانشان می گردد) و پاداش بزرگی (در برابر اعمال صالحه) دارند.

آنانیکه در برابر هرگونه مشکلات ها صبر نمودند و هیچ نوع سختی و دشواری در زنده گی دنیا آنها را مانع نشود اینکه عمل صالح انجام دهند بلکه به حکم و قضای الهی صبر نمایند، اگر وسعت و فراخی، یا شدت و تنگ دستی، رخ دهد به هر دو صورت از خداوند شکر گذار باشند اینها کسانی اند که خداوند متعال گناهان شان را آمرزیده و ثواب حسنات شان را میافزاید و چند برابر میسازد.<sup>۲</sup>

### ۵- برطرفی خوف و هراس در دنیا، و برطرفی غمگینی های اخروی:

آیات متعددی بر این امر دلالت دارد از جمله این فرموده خداوند متعال: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)<sup>۳</sup>.

«کسانی که ایمان داشتند (پیش از این به پیغمبران، و آنان که به محمد باور دارند) و یهودیان، و مسیحیان، و ستاره پرستان و فرشته پرستان، هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی بدیشان دست نخواهد داد.

و آیه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)<sup>۴</sup>.

«بیگمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

و آیه (وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا)<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup>- سوره هود/۱۱.

<sup>۲</sup>- طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی ابو جعفر الطبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن تحقیق دکتور عبدالله بن عبدالمحسن الترمذی دار الهجرة للطبع والنشر: ج ۱۲/ص ۱۳.

<sup>۳</sup>- سوره بقره/۶۲.

<sup>۴</sup>- سوره بقره/۲۷۷.

<sup>۵</sup>- سوره طه/۱۱۲.

«و هر کس کارهای نیکو انجام دهد ، در حالی که مؤمن باشد ، نه از ظلم و ستمی می ترسد ( که بر او رود ، و مثلاً بر گناهانش افزوده شود ) و نه از کم و کاستی می هراسد ( که گریبانگیر کارهای نیک و پاداشش شود . چرا که حساب خدا دقیق است ) .

خداوند متعال آنانی را که به الله و روز آخرت ایمان آوردند و عمل صالحی از نوع فرایض ، و نوافل انجام دادند آنان از دشواری های دنیا و امور ترس ناکی که باعث وحشت و سر افکنده گی آنان شود ، محفوظ شان گرداند و نه آنان به نسبت زیادت سیئات شان و کمی حسنات شان در امر آخرت غمگین و دلخوره میشوند ، بل که خداوند متعال گناهان شان را بخشیده از عیبها پاک شان میگرداند و حسنات شان را چند برابر میسازد.<sup>۱</sup> هرگاه بنده ی مؤمن به این وعده های الهی پیببرد و ارزش آن را درک کند مسلماً استقرار و ثابت قدمی و اطمینان خاطر برایش حاصل میشود.

### ۶- آمرزش گناهان و اصلاح احوال:

این مورد هم یکی از موارد وعده های الهی برای بنده های است که با ایمان و اخلاص عمل صالح انجام میدهند چنانچه خداوند متعال فرموده است (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ).<sup>۲</sup>

«کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام بدهند ( ما گناهان ایشان را می بخشیم و ) بدیهایشان را محو می کنیم ، و پاداش کارهای نیکشان را به بهترین وجه می دهیم.

و این فرموده خداوند متعال: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ).<sup>۳</sup>

«و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک و شایسته بکنند ، و چیزی را باور دارند که بر محمد نازل شده است - و آن هم حق است و از سوی پروردگارشان آمده است - خداوند گناهانشان را می بخشاید و بدیهایشان را نادیده می گیرد ، و حال و وضعشان را خوب می سازد .

از این دو آیت برمیآید که خداوند متعال سیئات بنده هایش را که عمل صالح انجام میدهند میآمرزد و حالت شان را بهبود میبخشد.

### ۷- تبدیلی سیئات به حسنات:

<sup>۱</sup> - تفسیر السعدی، ج ۱/ص ۴۶۲-۴۶۳ .

<sup>۲</sup> - سوره عنکبوت/۷.

<sup>۳</sup> - سوره محمد/۲ .

خداوند متعال به کفار سیئات بنده های نیکو کارش و نابود سازی آن از صفحه اعمال شان اکتفاء نکرده بلکه اضافه بر آن وعده سپرده است که سیئات شان را به حسنات مبدل میسازد.

چنانچه در این فرموده خداوند متعال آمده است (وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا، يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا، إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا).<sup>۱</sup>

و کسانی که با الله ، معبود دیگری را به فریاد نمی خوانند و پرستش نمی نمایند ، و انسانی را که خداوند خونس را حرام کرده است ، به قتل نمی رسانند مگر به حق ، و زنا نمی کنند . چرا که هر کس ( یکی از ( این ( کارهای ناشایست شرک و قتل و زنا ) را انجام دهد ، کیفر آن را می بیند . ( کسی که مرتکب یکی از کارهای زشت و پلشت شرک و قتل و زنا شود ) عذاب او در قیامت مضاعف می گردد ، و خوار و ذلیل ، جاودانه در عذاب می ماند . مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد ، که خداوند ( گناهان چنین کسانی را می بخشد و ) بدیها و گناهان ( گذشته ) ایشان را به خوبیها و نیکیها تبدیل می کند ، و خداوند آمرزنده و مهربان است ( و نه تنها که سیئات را می بخشد ، بلکه آنها را تبدیل به حسنات می نماید ) .

قرطبی رحمه الله در بیان معنای این آیه گفته است : علماء در مورد تبدیل سیئه به حسنه پنج نظر داده اند:

- ۱- برخی ها گفته اند به جای کافر مؤمن و به جای عاصی مطیع نوشته میشود.
  - ۲- خداوند اسمش را از مشرک به مؤمن تبدیل میکند.
  - ۳- تبدیلی در دنیا بوده نه در آخرت (در دنیا شرک شان را به ایمان و شک شان را به اخلاص از فجور به نیکو کاری).
  - ۴- یا مراد از تبدیلی توفیق به توبه است (آنان را بعد از انجام سیئه به توبه توفیق شان میبخشد)
  - ۵- یا مراد از تبدیل آمرزش است ( سیئات شان را میآمرزد نه اینکه به حسات تبدیل نماید).
- وبعد از ذکر این اقوال میگوید «ولایبعد فی کرم الله تعالی اذا صحت توبه العبد ان یضع مکان کل سیئه حسنة»<sup>۲</sup> . از لطف و کرم الله متعال بعید نیست وقتیکه توبه بنده اش درست باشد اینکه به جای هر سیئه ی حسنه ی را بگذارد.

<sup>۱</sup> - سوره فرقان/۶۸-۷۰

<sup>۲</sup> - قرطبی الجامع لاحکام القرآن ، ۱۳/ص ۸۴.

رسول الله ۵ برای ابودرا فرمود «اتبع السيئة الحسنه تمحها، وخالق الناس بخلق حسن»<sup>۱</sup>.  
 «به تعقیب بدی نیکی کن نیکی بدی از بین میبرد، وبا مرده به اخلاق نیکو برخورد کن.  
 نظر امام قرطبی قابل تأیید است زیرا در آیت صراحتاً گفته شده (يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ) هیچ مانعی  
 برای این رحمت خداوند متعال وجود ندارد بناء قول قرطبی رحمه الله که گفته است اگر بنده ی گنه  
 کاری توبه نصوص نماید خداوند متعال سیئاتش را به حسنات مبدل میسازد.  
 احادیث زیادی وجود دارد که این معنا را تأیید مینماید از جمله روایت ابوهریره که رسول الله ۵ فرمودند  
 « لِيَتَمَنِينَ أَقْوَامٌ لَوْ أَكْثَرُوا مِنَ السَّيِّئَاتِ قَالُوا بِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : الَّذِينَ بَدَّلَ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ  
 حَسَنَاتٍ»<sup>۲</sup>.

«عنقریب مردمانی آرزو میکنند کاش سیئاتی زیادی انجام میدادند، اصحاب گفتند ای رسول خدا به  
 خاطر؟ فرمودند: آن مردم کسانی اند که خداوند سیئات شان را به حسنات مبدل ساخته است.  
 از بررسی نصوص برمیآید که عمل صالح خود سبب مباشر برای دخول جنت نیست نباید بنده هایکه عمل  
 صالح انجام داده اند مطمئن بوده و فقط عمل خود را سبب نجات بدانند بلکه، عدالت الهی، رحمت و فضل  
 او تعالی نیز برای دخول جنت امر لازمی است، چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَنَزَعْنَا مَا فِي  
 صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ  
 هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَلَكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)<sup>۳</sup>.  
 هرگونه کینه ای را از دل‌هایشان می زدائیم ( تا برادرانه در کمال صفا و صمیمیت در بهشت بسر برند ) .  
 در زیر ( قصرها و درختان ) آنان رودبارها جاری می گردد . ( خرم و خندان خدای را سپاس می گذارند  
 ) و می گویند : خدائی را سپاسگزاریم که ما را بدین ( نعمت جاویدان و بی پایان ) رهنمود فرمود و اگر  
 لطف عمیم و فضل کریم ( خدا ) نبود و توسط پیغمبران ما را توفیق عنایت نمی فرمود و ( رهنمودمان  
 نمی نمود ، هدایت فراچنگ نمی آوردیم . واقعاً پیغمبران پروردگارمان حق آوردند، ندا داده می شود که  
 : این بهشت شما است ( که در جهان به شما وعده داده شده بود ، و هم اینک ) آن را به خاطر اعمالی  
 بایسته و کردارهای شایسته ای ( که انجام داده اید به ارث می برید .

<sup>۱</sup>- اخرجه الترمذی، فی السنن کتاب البر والصله باب ماجاء فی معاشره الناس ج ۴/ص ۱۲۵. وقال حسن صحیح.

<sup>۲</sup>- اخرجه حاکم فی المستدرک علی الصحیحین ج ۴/ص ۲۸۱. وقال إسناده صحیح و لم یخرجاه.

<sup>۳</sup>- سوره اعراف/۴۳.



این آیت دلالت دارد که انسان منازل جنت را به اعمالش در میآید البته داخل شدن به جنت به فضل و رحمت خداوند متعال میباشد چنانکه فرموده است (فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا)¹.

«کسانی که به خدا ایمان بیاورند و بدان ( کتاب او ، یعنی قرآن ) چنگ زنند ، ایشان را به رحمت و فضل عظیم ( خود که بهشت است ) وارد خواهد ساخت ، و در راه راستی به سوی خود رهنمودشان خواهد کرد. در روایتی از ابوهریره آمده است رسول الله ۵ فرمودند «لن ينجي احدا منكم عمله ، قالوا : ولانئ يا رسول الله ؟ قال ولانا الا ان يتغمدني الله برحمه»².

«هرگز هیچ یکی از شما را عملش نجات نمیدهد، گفتند : شما هم یا رسول الله؟ فرمودند من هم ! مگر اینکه خداوند مرا با رحمتش ببوشاند.

### مطلب سوم - آثار عمل صالح بر جامعه و حالات اجتماعی:

برای عمل صالح آثاری است که افراد، جمعیت ها و جامعه به صورت کل از آن بهره مند میشوند و آن آثار عبارتند از:

#### اول - جانشینی و استخلاف در زمین:

وآن (جانشینی) از آثار اعمال صالح است که خداوند متعال آن را در این آیت بیان نموده است : ( وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)³.

«ما علاوه بر قرآن ، در تمام کتب ( انبیاء پیشین ) نوشته ایم که بی گمان ( سراسر روی ) زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد ( و آن را به دست خواهند گرفت ) .

خداوند متعال در این آیت از امری خبر میدهد که فیصله آن برای بنده های صالحش حتمی بوده که از اثر عمل صالح به دست میآید خبر میدهد .

واین فرموده خداوند متعال : ( قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ )⁴.

۱- سوره نساء/ ۷۰.

۲- اخرجه البخاری ، کتاب الرقاق ، باب القصد والمداومة على العمل ، ج ۴/ ص ۲۰۲۴.

۳- سوره انبیاء/ ۱۰۵.

۴- سوره اعراف/ ۱۲۸.

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و شکیبائی کنید ( و بدانید که فرعون بنده ناتوانی بیش نیست و فرمانروای مطلق خدا است و ) بیگمان خدا زمین را به کسانی از بندگان خود واگذار می کند که خود بخواهد ، و سرانجام ( نیک و پسندیده در گیر و دار جهان ) از آن پرهیزگاران است ( آن کسانی که مراعات سنن و اسباب می دارند . از قبیل اتحاد و اتفاق و اعتصام به حق و اقامت عدل و صبر در برابر شدائد ) .

مفسرین در مورد تعیین معنای "ارض" به سه دید گاه اختلاف نظر دارند:

**قول اول:** مراد از آن زمین جنت است به دلیل این فرموده خداوند متعال (وَأُورَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ)<sup>۱</sup>.

«و سرزمین ( بهشت ) را از آن ما نموده است تا در هر جایی از بهشت که بخواهیم منزل گزینیم و بسر بریم . پاداش عمل کنندگان ( به دستورات پروردگار ) چه خوب و جالب است !»

**قول دوم: اماکن مقدسه:** البته به این قول دلیلی وجود ندارد.

**قول سوم:** مراد از آن سرزمین دنیا است /به دلیل این فرموده خداوند متعال: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ)<sup>۲</sup>.

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند ، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین ( پیشینیان ، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان ) در زمین خواهد کرد ( تا آن را پس از ظلم ظالمان ، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند ) همان گونه که پیشینیان ( دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته ) را جایگزین ( طاغیان و یاغیان ستمگر ) قبل از خود ( در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ ) کرده است .»

امام طبری /در تفسیر "ارض" گفته است مراد از زمین سرزمین کفار است که امت محمدیه آن را به ارث میگیرند، و این قول ابن عباس<sup>۳</sup> نیز میباشد.

<sup>۱</sup>- سوره زمر/۷۴.

<sup>۲</sup>- سوره نور/۵۵. محمد الرازی ط (۱۴۰۱) هـ التفسیر الکبیر مفاتیح الغیب دارالفکر بیروت ، ج ۲/ص ۲۲۹.

<sup>۳</sup>- طبری: تفسیر جامع البیان ج ۱۷/ص ۱۳۹.

**دوم - ثابت قدمی در امر دینی و جانشینی در زمین است:** خداوند متعال فرموده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ) <sup>۱</sup>.

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت»

به قول شوکانی رحمه الله مراد از "تمکین" ثبات دینی و دنیوی است (اماکن زنده گی شان را توسعه بخشیده و دین شان را به تمام ادیان غالب میسازد)، و مراد از "دین" اسلام است و در ذکر استخلاف قبل از تمکین اشاره به آن است که استخلافی که در نتیجه ایمان کامل و عمل صالح حاصل شود با دوام و ثبات مییابد به اینصورت که پادشاهی آنان در نسل های بعدی ادامه میآید. <sup>۲</sup>.

**سوم - تبدیلی خوف و ترس به امنیت و آرامش:** خداوند متعال فرموده است (وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا) <sup>۳</sup>.

«و خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می سازد».

طبری رحمه الله گفته است «لیغیرن حالهم عما هی علیه من الخوف الی الامن» <sup>۴</sup>. البته که [در نتیجه عمل صالح] حالت آنان را از وضعیت خوف و هراسی که در آن بسر میبرند به امن و آمش مبدل میسازد.

<sup>۱</sup> - سوره نور / ۵۵.

<sup>۲</sup> - شوکانی، فتح القدر: ج ۴ / ص ۵۵-۵۶.

<sup>۳</sup> - سوره نور / ۵۵.

<sup>۴</sup> - طبری، جامع البیان: ج ۱۸ / ص ۲۱۱ و تفسیر منیر از زحیلی ج ۱۸ / ص ۲۸۴.

## فصل سوم

تعریف و انواع محببات (قلبی، قولی و فعلی) عمل صالح در قرآن کریم

مبحث اول- تعریف محببات و اعمالیکه حبط میشوند؛

مبحث دوم- انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام میگردد؛

مبحث سوم- انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام نمیگردد؛

مبحث چهارم- انواع محببات قولی که سبب خروج از اسلام میگردد؛

مبحث پنجم- انواع محببات قولی که سبب خروج اسلام نمیگردد؛

مبحث ششم- انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام میگردد؛

مبحث هفتم- انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام نمیگردد.

## مبحث اول

### تعریف محببات و اعمالیکه حبط میشوند

#### مطلب اول- تعریف محببات در لغت و اصطلاح:

محببات جمع مفردش "حبط" یا "حبوط" میباشد «حبط یحبط حبطا وحبوطا» در لغت برای این کلمه معانی متعددی ذکر شده است:

- ۱- حبط به معنای پندیدن بطن حیوانات همراه بادرد شدید، گفته میشود "حبطت الدابة حبطا" وقتیکه یک حیوان مثل گاو گوسفند وغیره وارد مزرعه ی شده گیاهان غیر مضر را به حدی بخورد که بطنش بیندد پاره شود وبمیرد.<sup>۱</sup>
- ۲- باطل شدن ثواب "گفته میشود: حبط عمله" وقتیکه ثواب وثمره عمل کسی از بین برود.<sup>۲</sup>
- ۳- حبط به معنای فساد "حبط عمله" وقتیکه عمل او به اثر دخالت چیزی دیگری فاسد شود.<sup>۳</sup>
- ۴- حبط به معنای بربادی به هدر رفتن یک چیز گفته میشود "حبط دم القتل" وقتیکه خون او بدون قصاص ودیت رها کرده شود،حبط الماء" وقتیکه آب بدون کدام استفاده ضایع شود.<sup>۴</sup>
- ۵- حبط به معنای ترک نمودن یک شیئی ودور شدن از آن گفته میشود "احبط عن فلان" وقتیکه او را تنها گذاشته از او دور شود.<sup>۵</sup>
- ۶- حبط به معنای باقی ماندن اثر جراحت (زخم) گفته میشود "حبط الجرح" وقتیکه داغ و نشانی از زخم در جسم باقی بماند.<sup>۶</sup>

۱- الازهری، ابی منصور محمد بن احمد، (ب ت) تهذیب اللغة تحقیق عبدالکریم الغرباوی مطابع سجل العرب مصر ج: ۴/ص ۲۲۸. اسماعیل حماد الجوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية: دارالملايين بیروت: ج ۳/ص ۱۱۱۸. ابن فارس: معجم مقایس اللغة ج ۲/ص ۳۰۱ وراغب الاصفهانی، (۱۴۱۲) هـ المفردات فی غریب القرآن تحقیق صفوان عدنان: دارالقلم دمشق، ص ۲۱۶. محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر الرازی (ب ت) مختار الصحاح: دارالقلم بیروت: ص ۶۵. فیروز آبادی: قاموس المحيط ج ۱/ص ۶۶۲. ابن منظور: لسان العرب، ج ۷/ص ۲۷۰.

۲- ابن منظور، لسان العرب: ج ۷/ص ۲۷۲ و جوهری الصحاح ج ۳/ص ۱۱۱۸ و ابن فارس، معجم مقایس اللغة ج ۲/ص ۱۲۹.

۳- ابن منظور، لسان العرب: ج ۷/ص ۲۷۲. ازهری: تهذیب اللغة ج ۴/ص ۲۲۸.

۴- فیروز آبادی: قاموس المحيط ج ۱/ص ۶۶۲. زبیدی: تاج العروس. ج ۱۹/ص ۱۹۴.

۵- الزبیدی، تاج العروس، ج ۱۹/ص ۱۹۴.

۶- زمخشری، ابی القاسم جادالله محمود بن عمر الخوارزمی، (ب ت) تفسیر حقایق التنزیل المسمی بالکشاف، مکتبه مصطفی البابی مصر: ج ۴/ص ۳۵۵.

## تعریف اصطلاحی "حبط":

در اصطلاح برای حبوط تعریف های زیادی شده است اول اینکه کلمه "حبط، یا حبوط" از نظر فقهی به عمل وسیعی تلاش تعلق دارد.<sup>۱</sup>

أ- حبط به معنای باطل شدن عمل نیکو و تحول آن از حسنه به سیئه.<sup>۲</sup>

ب- حبط «افساد العمل بعد تقرر» فاسد شدن یک عمل بعد از درست بودن آن.<sup>۳</sup>

ج- حبط «محو نمودن ثواب عمل که فرد مستحق آن است و تبدیل نمودن آن به عقاب بیشتر از آن یا به اثر پشیمان شدن از انجام عمل.<sup>۴</sup>

د- «حبط الاعمال از ازالة آثارها النافعة من ثواب ونعيم في الآخرة»<sup>۵</sup>. برپادی اعمال به معنای برطرف شدن آثار منفعت بخش آن از ثواب و نعمت های اخروی است.

وسپس در شرح این تعریف مینویسد، آثار اعمال صالحه در دنیا عبارت است از شمولیت در جمع مسلمین، حرمت نفس، حرمت مال، رعایت آبرو و حیثیت انسانی، نماز جنازه بعد از موت و دفن در مقبره مسلمانان و آثار اخروی آن نجات از آتش جهنم به سبب اسلام و آنچه که بر اعمال صالحه از ثواب و نعمت های اخروی مرتب میشود.

تمامی این تعریفها از لحاظ معنا با هم نزدیک اند، چون ابطال، افساد، ازاله و محو، تماماً یک معنا را افاده میکنند و همچنان رابطه در میان معانی لغوی و اصطلاحی واضح است زیرا پاره شدن بطن جانور سبب خوردن زیاد است و این وضعیت برای حیوان درد شدیدی را بار میآورد تا اینکه می میرد این حالت مشابه حالت کسی است که اعمال صالحه انجام میدهد به گمان اینکه به نفع اخروی او تمام میشود حال آنکه او این اعمالش را به سبب از اسباب یا باطل یا فاسد و یا محو نموده است که سبب هلاکت و غذایش در آخرت میشود و این معنا در "حبط" به معنای جراحت و زخم نیز واضح است (ممکن جراحت صاحبش را به مرگ بکشاند).

۱- ابن عطية ابي محمد عبدالحق الاندلسي: ط (١٤٠٣) هـ المحرر الوجيز، تحقيق عبدالله بن ابراهيم الانصاري دارالفكر بيروت، ج ٣/ص ١٥.

۲- عسکری: الفروق اللغوی ص ٢٣٦.

۳- ابن عطية: المحرر الوجيز ج ٥/ص ٥٠٣.

۴- زمخشری: الکشاف، ج ١/ص ٥٠٣.

۵- ابن عاشور، التحرير والتنوير ج ٢/ص ٣٣٢.

وهمچنان از تعرف ها واضح میشود که: محببات اعمال صالحه عبارت از معتقدات، اقوال و افعال است که ثواب و ثمره اعمال صالحه را فاسد میسازد و مؤاخذه و عذاب اخروی را باعث میشود.

### مطلب دوم - الفاظی که معنای حبط عمل را افاده میکند:

در قرآن کریم آیات متعددی با الفاظی مختلف دیگری آمده تحت عنوان تحذیر، تهدید و ترسانیدن از ابطال عمل آمده است که "حبط" عمل را افاده میکند و آن الفاظ عبارتند از:

#### ۱- ضلال و خسران: در از میان رفتن عمل بدون داشتن ایمان واقعی

مثل این فرموده خداوند متعال: (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ÷ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ صُنْعًا)<sup>۱</sup>.

(ای پیغمبر! به کافران) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانی که تلاش و تکاپویشان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می رود (و بیسود می شود) و خود گمان می برند که به بهترین وجه کار نیک می کنند (و طاعت و عبادت شرک آلودشان موجب رستگاریشان می شود).

اینها کفار، و مشرکین اند که از راه بشر دوستی، اوبا داشتن عقیده شرکی و مفکوره منافقانه کارهای خیر و اعمال پسندیده ی را انجام میدهند در حالیکه این کارهای و اعمال آنان سود اخروی برایشان ندارد.<sup>۲</sup>

#### ۲- ترسانیدن مؤمنان از ابطال اعمال و ثواب صدقات:

مثل این فرموده خداوند متعال: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى)<sup>۳</sup>. ای کسانی که ایمان آورده اید! بذل و بخششهای خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید»

خداوند متعال از راه رء فت و مهربانی اش بنده هایش را حکم میکند که در قبال صدقه دادن منت نگذارند زیرا این کار ثواب صدقه را از بین میبرد و مستنمدان را از اظهار حاجت مانع میشود، ویا اینکه آنها را آگاهی میدهد که شما حسنات تان را با معاصی و گناهان کبیره وریا و خود نمایی باطل نسازید.<sup>۴</sup>

#### ۳- تشبیه اعمال کفار به "سراب" (ریگستانی که گمان آب کرده شود):

۱- سوره کهف / ۱۰۳-۱۰۴.

۲- طبری، جامع البیان ج ۱۵ / ص ۴۲۳.

۳- سوره بقره / ۲۴۶.

۴- سمرقندی، بحر العلوم ج ۱ / ص ۱۷۶. ماوردی ابی الحسن علی بن محمد بن حبیب ط (۱۴۱۲) هـ النکت والعیون دارالکتب العلمیة بیروت ج ۵ / ص ۲۰۶. و معالم التنزیل للبقوی، ۷ / ص ۲۹۰.

مثل این فرموده خداوند متعال: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ)<sup>۱</sup>.

«کافران اعمالشان به سرابی می ماند که در بیابان بی آب و علفی شخص تشنه ای آن را آب پندارد. اما هنگامی که به سراغ آن رود، اصلاً چیزی نیابد، مگر خدا را که (او را بمیراند و) به حساب او برسد و سزای (عمل) وی را به تمام و کمال بدهد. خداوند در حسابرسی سریع است (و محاسبه بنده ای او را از محاسبه بنده دیگر باز نمی دارد).»

در این آیت نوعی از روش تمثیلی به کار رفته است (این مثال اعمال کفار است) که آنها گمان میبرند که این کارهای خیرشان آنها را از عذاب خداوند متعال نجات میدهد، مثل اینکه مسافر تشنه ریگستان را خیالی از آب میکند، هردو (کفار و مشرکین یا اهل نفاق که از عمل خود امید وارند، و مسافر تشنه) به مطلب شان نمیبرند.<sup>۲</sup>

#### ۴- عدم توانایی و دست رسی منافقین به آنچه که انجام داده اند:

مثل این فرموده خداوند متعال: (كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)<sup>۳</sup>.

«همانند کسی که دارائی خود را برای نمودن به مردم، ریاکارانه صرف می کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارد. مثل چنین کسی همچون مثل قطعه سنگ صاف و لغزنده ای است که بر آن (قشری از) خاک باشد (و بذرافشانی شود)، و باران شدیدی بر آن ببارد (و همه خاکها و بذرها را فرو شوید) و آن را به صورت سنگی صاف (و خالی از هر چیز) برجای گذارد. (چنین ریاکارانی) از کاری که انجام داده اند سود و بهره ای بر نمی گیرند، و خداوند گروه کفرپیشه را (به سوی خیر و صلاح) رهنمود نمی نماید» در کلمه {لایقدرون} اشاره به عدم دست رسی آنانیکه اعمال و صدقات خیریه را ریاکارانه انجام میدهند به ثواب عمل شان است (آنان توان دست رسی به ثواب عمل شان را ندارند و همین نتیجه عمل شان است که میبینند).<sup>۴</sup>

۱- سوره نور / ۳۹.

۲- طبری، جامع البیان، ج ۱۷/ص ۳۲۷.

۳- سوره بقره / ۲۶۴.

۴- ابن عطیه، المحرر الوجیز ج ۱/ص ۳۵۱.



در آیات متعددی از برپادی نتیجه عمل کفار، وعدم قبولیت آن به نسبت کفر، شرک و نفاق، وعدم ارتفاع آنها از اعمال شان گرچه به ظاهر عمل خیر و پسندیده ی باشد، وعدم حصه و نصیب آنان از ثواب اخروی خبر داده شده است.

### مطلب سوم – اعمالیکه "حبط" (باطل میشوند):

مقصد از اعمال که حبط (برباد) میشود اعمال نیک و کارهای خیر میباشد نه اعمال و افعال زشت و بد. زیرا اعمال زشت از خود باطل است به باطل سازنده ی ضرورت ندارد، چنانکه از تعریف "محببات" و آیاتی که در مطلب دوم تذکر گردید دانسته میشود که مراد از عمل برباد شونده اعمال و افعال نیکو و مشروع از دید گاه شرعی است.

نیز در آیات دیگری از اعمال برباد شونده و چگونه گی برباد شدن آن اطلاع داده شده است، چنانکه در این فرموده خداوند متعال آمده است: (وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)<sup>۱</sup>.

«وکسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می رود، و ایشان یاران آتش (دوزخ) می باشند و در آن جاویدان می مانند.

ابن عاشور در تفسیر این آیت گفته است کلمه "حبط" بیانگر آن است که فرد "حابط" شخص صالحی بوده و اعمال نیکی را انجام داده است که او خود آن اعمالش را به فساد مواجه ساخته است و مراد از فساد ضایع شدن و باطل شدن عمل است و "حبط" به آن اعمالی به کار برده میشود که هیچ نتیجه ی برای عامل نداشته باشد.<sup>۲</sup> راغب اصفهانی گفته است "حبط" (برپادی عمل) به سه شرط صورت میگیرد:

**اول – اینکه اعمال دنیوی باشد:** طوریکه در این فرموده خداوند متعال به آن اشاره شده است (وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا)<sup>۳</sup>.

«ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده اند می رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می سازیم (و ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می کنیم). چرا که نداشتن ایمان، موجب محو و نابودی احسان، و بی اعتبار شدن اعمال خوب انسان می گردد».

<sup>۱</sup>- سوره بقره / ۲۱۷.

<sup>۲</sup>- ابن عاشور، التحریر والتتویر، ج ۶/ص ۱۲۴.

<sup>۳</sup>- سوره فرقان / ۲۳.

**دوم - اینکه اعمال صالح و اخروی باشد:** اما انجام دهنده در انجام آن اعمال رضای خداوند متعال را قصد نداشته باشد، چنانچه در حدیثی آمده است رسول الله <sup>ه</sup> فرمودند « در روز قیامت مردی را آورده میشود به او گفته میشود "بم کان اشتغالک؟" مصروفیتت در دنیا چه بود؟ او میگوید: مصروفیتم در دنیا تلاوت قرآن بود! برایش میگویند: «**كنت قرأت لیقال هو قار**» تو قرآن را تلاوت نمودی تا اینکه تو را قاری بگویند! «**وقد قیل ذالک ، فیؤمر به الی النار**»<sup>۱</sup> چنین گفتند! پس دستور داده میشود که آن را به طرف جهنم ببرند.

**سوم - اینکه عمل صالح بوده:** اما در برابر آن صاحبش گناهان زیادی را مرتکب شده باشد که پله ی سیناتش بر حسناتش گران باشد که در نصوص به "خفت میزان" تعبیر شده است.<sup>۲</sup>

این یک تقسیم بندی خیلی خوب برای اعمالی است که در روز قیامت ثواب و ثمره ی به عاملش نداشته و به هدر میرود اما مجموع آن بیانگر آن است که اعمال بر باد شونده عمل صالح میباشد.

**نوع اول:** اعمال نیکو و پسندیده است که کفار، مشرکین از نوع صله رحمی، بشر دوستی، همدردی، اعمال نیکو و صالح، صداقت، امانت داری و سایر افعال و اعمال خیر که آنها در دنیا انجام داده اند که شرط قبولیت این گونه اعمال ایمان و اخلاص نیت است چون اعمال آنها با شرط قبول برابر نبوده لذا خداوند متعال در روز قیامت در برابر آن ثوابی نمیدهد و این اعمال به هیچ وجه باعث نجات آنان نمیشود.

**نوع دوم:** که اعمال اخروی است خاص به اعمال صالحه ی از نوع انجام فرایض و واجبات میباشد این نوع اعمال خاص به منافقین است که آنها در اعمال شان ریا کار بودند و اخلاص نیت نداشته اند بناء در امر اخروی این گونه اعمال با وصفی اینکه از نوع فرایض و واجبات بوده که انجام شده است نفع و بهره ی به عاملش ندارد.

**نوع سوم:** اعمال صالحه ی است که به مؤمنان خاص میباشد و ثمره آن از بین نرفته است، اما سینات بر آن غلبه نموده و معیار نجات را پوره نساخته است. و یا اینکه در دنیا در حق بنده ها ظلم و حق تلفی نموده و در قیامت حسناتش را در عوض مظالمش به آنها داده میشود چنانچه در روایتی آمده است رسول الله <sup>ه</sup> فرمودند: «آیا میدانید مفسس امتم کیست؟ گفتند: مفسس کسی است که درهم و متاعی نداشته باشد! فرمودند: نخیر، بلکه مفسس امت من کسانی اند که در روز قیامت آورده میشود که نماز را اقامه نموده است و زکات پرداخته است، [اما در عوض] یکی را دشنام داده و دیگری تهمت بسته است و مال دیگری را

<sup>۱</sup> - رواه مسلم، ج ۳/ص ۱۵۱۳.

<sup>۲</sup> - اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ص ۲۱۶.

خورده است و دیگری را لتکوب نموده است «فِيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنَيْتَ حَسَنَاتَهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطَرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طَرِحَ فِي النَّارِ.»<sup>۱</sup>

«سپس به آنها از نیکی های او داده میشود اگر حسناتش قبل از اینکه حقوق آنها ختم شود تمام شد، از گناهان آنها گرفته شده و به او انداخته میشود و سپس او را به جهنم انداخته میشود.»

## مبحث دوم

### انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام میگردد

ایمان وسیله داخل شدن در دین اسلام قبولیت اعمال صالح است، اصل ایمان عبارت از معرفت قلبی، اقرار به زبان و عمل به ارکان میباشد، (محل تقرر ایمان قلب بوده که ثبوت آن با اعمال و اطاعت از اوامر الهی واجتناب از منهیات میشود) لذا در میان ایمان و عمل نوعی تلازم وجود دارد به فساد ایمان عمل فاسد میشود و به فساد عمل ایمان متضرر میگردد.

اینکه محل ایمان قلب است آیات متعددی شاهد آن است:

أ- این فرموده خداوند متعال: (وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ).<sup>۲</sup>

«اما خداوند ایمان را در نظرتان گرامی داشته است و آن را در دلهایتان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان (که دارای این صفات هستند، یعنی ایمان در نظرشان محبوب و مزین، و کفر و فسق و عصیان در نظرشان منفور و مطرود است) راهیابند و بس.»

ب- و آیه (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْأَيْمَانَ).<sup>۳</sup> «چرا که مؤمنان، خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است.»

ج- و آیه: (وَلَمَّا يَدْخُلِ الْأَيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ).<sup>۴</sup>

«چرا که ایمان هنوز به دلهایتان راه نیافته است (و نور ایمان سراچه قلوبتان را روشن نکرده است). اگر از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، خدا از (پاداش) کارهایتان چیزی نمی کاهد. بی گمان خداوند آمرزگار و مهربان است.»

۱- رواه مسلم، باب تحریم الظلم، ج ۱۲/ص ۴۵۹.

۲- سوره حجرات/۷.

۳- سوره مجادله/۲۲.

۴- سوره حجرات/۱۴.

و در حدیثی رسول الله<sup>ه</sup> فرمودند: « يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَدْخُلْ الْإِيمَانَ قَلْبَهُ<sup>۱</sup> ». ای جماعه ی آنانکه به زبان ایمان آورده اند و ایمان در قلب شان داخل نشده است.

از آیات و حدیث فوق بر میآید که محل وقوع ایمان قلب است، گاهی قلب به اعتقادات باطلی معتقد میشود و به آن میلان پیدا میکند که جای ایمان را میگیرد و سبب بطلان عملش به صورت کلی میگردد و به آن وسیله او از اسلام خارج میگردد، و یا اعتقادات باطل به درجه ی نمیباشد که جای ایمان را در قلب به صورت کلی اشغال کند در این صورت عملش باطل میشود اما او در دائره اسلام باقی میماند.

در این مبحث در مورد جمعی از معتقداتی بحث میشود که عمل قلب را باطل و یا متضرر میسازد بنا بر این محببات مربوط به افعال قلبی شامل دو بخش میشود:

۱- محببات قلبی که متضمن خروج از اسلام میشود.

این گونه محببات هفت نوع میباشند، که هر یکی از آنها عاملش را در صورتیکه به آن ادامه داده و به همین حالت بمیرد از ایمان خارج ساخته و عملش را کلا باطل میسازد.

۲- محببات قلبی که متضمن خروج از اسلام نمیشود.

### مطلب اول- شرک به الله متعال:

تعریف شرک: شرک عبارت است از معتقد شدن به شریک و همتا برای خداوند متعال در الوهیت و ربوبیت و سایر صفات مختصه او تعالی<sup>۲</sup>.

انواع شرک: شرک از لحاظ "حبط" عمل دو نوع میباشد.

نوع اول: شرک اکبر این نوع شرک صاحبش را از ملت اسلامی خارج ساخته در صورتیکه به این حالت بدون توبه بمیرد، باعث همیشگی او در جهنم میگردد، در این مطلب از همین نوع شرک از حیث حبط اعمال بحث میشود.

قرآن کریم در مورد همین نوع شرک فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا)<sup>۳</sup>.

۱- اخرجه ابوداود، کتاب الادب، باب الغيبة ج ۱۳/ص ۲۳.

۲- دكتور صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان ط (۱۴۲۰هـ) عقيدة التوحيد وبيان ما يصادها او ينقضها من الشرك الاكبر والاصغر... دار العاصمة الرياض ص ۹۲ ولسان العرب ج ۷/ص ۱۰۰.

۳- سوره نسا/۴۸.

«بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.

**نوع دوم:** شرک اصغر/ این نوع شرک عاملش را از ملت اسلامی خارج نمیسازد، اما عقیده توحید را نقض مینماید و سبب برای شرک اکبر میشود.<sup>۱</sup>

البته این نوع شرک در جمع محببات قلبی که ناقض ایمان نیستند در مطلب بعدی مورد بررسی قرار میگیرد.

اصول و مبانی ایمان قاطع و باور کامل آن است که فرد مؤمن خداوند متعال را در ذات و صفاتش مثل صفت خالقیت، رازقیت، و اینکه نفع رساننده، به بار آورنده ضرر، و دور کننده ضرر، و اینکه زنده گی و مرگ در اختیار او است و متصرف تمام امور است قلباً باور نماید، چنانکه همه ی این معانی که ایمان به آن لازم است در نصوص قرآن و سنت وارد شده است در آیه ی خداوند متعال به رسول الله<sup>۵</sup> با متوجه ساختن ایشان به شخص خود شان فرموده است: (قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ)<sup>۲</sup>.

«بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالک و مقتدرم گرداند.) اگر غیب می دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودم). حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرات بی خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهیم بود؟). من کسی جز بیم دهنده و مزده دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نمی باشم.

و این صفات خداوند متعال واضح تر از آن است که در موردش بحث شود زیرا تا آنجا که مشرکین جاهلیت عرب به آن صفات خداوند متعال معترف بودند چنانچه در آیات متعدد قرآن کریم خداوند متعال از اعترافات آنها خبر داده است.

أ- آیه ی (قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ)<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup>- مرجع قبلی، عقیده التوحید و بیان مایضادها او ینقضها من الشرک الاکبر... ص ۹۵.

<sup>۲</sup>- سوره اعراف/ ۱۸۸.

<sup>۳</sup>- سوره یونس/ ۳۱.

«بگو: چه کسی از آسمان (به وسیله اشعه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها) به شما روزی می رساند؟ یا چه کسی بر گوش و چشمها توانا است (و آنها را می آفریند و بدانها نیروی شنوائی و بینائی می دهد)؟ یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد (و حیات و ممات در دست او است)؟ یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می گرداند؟ (پاسخ خواهند داد و) خواهند گفت: آن خدا است، (چرا که آفریدگار جهان و روزی رسان مردمان و مدبّر کار و بار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است). پس بگو: آیا نمی ترسید و پرهیزگار نمی شوید؟

ب- و آیه ی ( قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ )<sup>۱</sup>.

«بگو: آیا چه کسی فرماندهی بزرگ همه چیز را در دست دارد (و ملک فراخ کائنات و حکومت مطلقه بر موجودات، از آن او است؟) و او کسی است که پناه می دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟! خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چگونه گول (هوی و هوس و وسوسه شیاطین را) می خورید و (از حق کناره گیری می کنید، انگار) جادو و جنبل می شوید؟»

از این آیات برمیآید که کفار و مشرکین زمانه های قدیم باور داشتن که خداند متعال خالق، رازق عالم به احوال انسانها هست از همین جهت بعض عبادات را به گمان خود شان به خداوند اختصاص میدادند چنانچه خداوند متعال با حکایت از آنها فرموده است: (وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا)<sup>۲</sup>.

«(بت پرستان همیشه دچار اوهام خرافاتند. مثلاً این گونه) مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایانی را که خدا آنها را آفریده است برای خدا قرار می دهند و به گمان خود می گویند: این برای خدا است (و با این سهم به خدا تقرب می جوئیم و بدین منظور آن را به مهمانان و ناتوانان می دهیم) و این برای شرکاء (و معبودهای) ما است.

با آنکه آنها این صفات مهم را از آن خداوند متعال میدانستند باید شکر گذار خداوند با طاعت و بنده گی او تعالی میبودند اما عبادت که مهمترین وسیله شکر گذاری است به چیزهای اختصاص میدادند که مستحق و سزاوار آن نیستند [عبادت که عمل صالح است] به عنوان وسیله ی شکر گذاری از آن خداوند متعال

<sup>۱</sup>- سوره مؤمنون/۸۸-۸۹.

<sup>۲</sup>- سوره انعام/۳۶.

است البته قبولیت آن مشروط به داشتن عقیده به وحدانیت ذاتی و صفاتی او تعالی میباشد هر نوع تردد در آن عقیده عبادت را باطل و بی اثر میگرداند.<sup>۱</sup>

### خطر واضرار شرک اکبر:

۱- خداوند متعال مشرک را ظالم و شرک را ظلم بزرگ خوانده است چنانکه فرموده است: (وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ).<sup>۲</sup>

«( یادآور شو ) زمانی را که لقمان به پسرش گفت - در حالی که او را پند می داد - پسر عزیزم ! ( چیزی و کسی را ) انباز خدا مکن ، واقعاً شرک ستم بزرگی است .

۲- شرک گناه نا بخشودنی است و مشرک بدون اینکه در دنیا از شرک توبه نکرده باشد خداوند متعال آنرا نمیبخشد با وصف آنکه گناهان دیگر غیر از شرک را میبخشد خداوند متعال فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا).<sup>۳</sup>

«بیگمان خداوند ( هرگز ) شرک به خود را نمی بخشد ، ولی گناهان جز آن را از هر کس که خود بخواهد می بخشد . و هر که برای خدا شریکی قائل گردد ، گناه بزرگی را مرتکب شده است.

۳- شرک جنت را برای مشرک حرام میگرداند / خداوند متعال فرموده است: (إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ).<sup>۴</sup>

«بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد ، خدا بهشت را بر او حرام کرده است ( و هرگز به بهشت گام نمی نهد ) و جایگاه او آتش ( دوزخ ) است . و ستمکاران یار و یآوری ندارند ( تا ایشان را از عذاب جهنم برهاند ) .

۴- شرک تمامی اعمال صالحه را باطل ساخته و ثمره اخروی آنرا کلا از بین میبرد خداوند متعال فرموده است: (ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).<sup>۵</sup>

۱- ابن عاشور ، التحریر و التنویر ، ج ۴ / ۲۲۱ .

۲- سوره لقمان / ۱۳ .

۳- سوره نسا / ۴۸ .

۴- سوره مائده / ۷۲ .

۵- سوره انعام / ۸۸ .

«این توفیق خدائی است و خداوند هر کس از بندگانش را بخواهد بدان نائل می سازد. اگر ( این چنین شایستگی - چه رسد به دیگران - ) شرک می ورزیدند ، هر آنچه می کردند هدر می رفت ( و اعمال خیرشان ضائع می شد و خرمن طاعتشان به آتش شرک می سوخت ) .

و با مخاطب قرار دادن رسول الله ص فرموده است : (وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أُشْرِكْتَ لَيُحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ) <sup>۱</sup>.

«به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک ورزی کردارت ( باطل و بی پاداش می گردد و ) هیچ و نابود می شود ، و از زیانکاران خواهی بود .

تمامی این آیات بیانگر آن است که شرک عمل صالح را باطل ساخته و فرد مشرک را کاملاً از اسلام خارج میسازد و همچنان شرک نه تنها در نبوت حضرت محمد ص بلکه در نبوت همه ی انبیاء باطل کننده ی اعمال و فاسد کننده احوال میباشد. <sup>۲</sup>

۵- با آنکه شرک عمل صالح را باطل میسازد، مشرک از اسلام خارج میشود ، مباح الدم گردیده و قتلش روا میباشد. چنانکه خداوند متعال فرموده است : (فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَعِدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ) <sup>۳</sup>

« مشرکان ( عهدشکن ) را هر کجا بیابید بکشید و بگیرید و محاصره کنید و در همه کمینگاهها برای ( به دام انداختن ) آنان بنشینید .

### مطلب دوم - کفر جحود و تکذیب:

تعریف کفر : کفر در لغت به معنای سرپوش گذاشتن ، و پوشانیدن یک شیئی. <sup>۴</sup>

### انواع کفر:

کفر دو نوع میباشد:

**نوع اول :** کفر ججهود، این نوع کفر صاحبش را از اسلام خارج میسازد و آن بر پنج قسم میباشد: کفر انکار و تکذیب، کفر استکبار و ابا ورزیدن، کفر اعراض ، کفر شک و کفر نفاق.

<sup>۱</sup> - سوره زمر/ ۶۵.

<sup>۲</sup> - تفسیر سعدی، ج ۱/ص ۳۲۹.

<sup>۳</sup> - سوره توبه/ ۶.

<sup>۴</sup> - لسان العرب، ج ۱۲/ص ۱۱۸ و مصباح المنیر ج ۲/ص ۱۹۶.



**کفر تکذیب:** عبارت است از دروغ شمردن پیغمبران الهی است البته این نوع کفر به پیغمبران اثری نگذاشته زیرا خداوند متعال پیغمبرانش را با دلایل قاطع و معجزات تأیید نموده است جز اینکه آنها با این تکذیب دنیا و آخرت خود شان را تباہ ساخته اند.<sup>۱</sup>

چنانچه خداوند متعال در مورد فرعون و قومش فرموده است: (وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ)<sup>۲</sup>.

« ستمگرانه و مستکبرانه معجزات را انکار کردند ، هر چند که در دل بدانها یقین و اطمینان داشتند . بنگر سرانجام و سرنوشت تباہکاران چگونه شد ؟ ( مگر در دریا غرق نشدند و به دوزخ واصل نگشتند ؟ . و برای رسولش محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است : (قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ)<sup>۳</sup>.

« ای پیغمبر ! ) ما می دانیم که آنچه ( کفّار مکه ) می گویند تو را غمگین می سازد . ( ناراحت مباش ) چرا که آنان ( از ته دل به صدق تو ایمان دارند و در حقیقت ) تو را تکذیب نمی کنند . بلکه ستمکاران ( چون ایشان ، از روی عناد ) آیات خدا را انکار می نمایند .

ابن قیم رحمه الله گفته است : کفر انکار دو نوع میباشد ، ( کفر مطلق و عام ، و کفر مقید و خاص .

**مطلق:** آن است که فرد منکر پیغمبر ص و تمام آنچه را که خداوند به او نازل کرده است باشد.

**مقید:** آن است که منکر یکی از فرایض اسلام را انکار نماید ، و یا از محرّمات الهی منکر شود ، و یا یکی از صفاتی را که خداوند متعال به خود صفت قرار داده است انکار کند و یا سخنی از سخنان خداوند را عمداً انکار نماید.<sup>۴</sup>

### اضرار و اثرات کفر اکبر:

بر کفر جحود یا کفر اکبر اضرار و اثراتی ذیل مرتب میشود:

۱- ابن قیم، مدارج السالکین ج ۱/ص ۳۰۵.

۲- سوره نمل/۱۴.

۳- سوره انعام/۳۳.

۴- ابن قیم، مدارج السالکین، ج ۱/ص ۳۰۶.

أ- عاملش را از دین اسلام خارج ساخته و اعمال صالحش را باطل میسازد، چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)¹.

« ولی کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد ، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می رود ، و ایشان یاران آتش ( دوزخ ) می باشند و در آن جاویدان می مانند .

و در آیه دیگری فرموده است : (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)².

« هر کس که انکار کند آنچه را که باید بدان ایمان داشته باشد ( از جمله ایمان به احکام حلال و حرام برخی از خوراکیها و ازدواجهای مذکور در اینجا ) اعمال او باطل و بیفایده می گردد و در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود .

و در آیه دیگری عمال کافران را به سراب (ریگستانی) تشبیه داده شده است که در نظر بیننده آب معلوم شود در حالیکه حقیقت نداشته باشد و آنجا اصلاً آبی وجود نداشته باشد: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئاً)³.

«کافران اعمالشان به سرابی می ماند که در بیابان بی آب و علفی شخص تشنه ای آن را آب پندارد . اما هنگامی که به سراغ آن رود ، اصلاً چیزی نیابد.

و در آیه دیگری فرموده است : (مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ)⁴.

«حال و وضع اعمال کسانی که به پروردگار خود ایمان ندارند ، همچون حال و وضع خاکستری است که در یک روز طوفانی ، باد به تندی بر آن وزد ( و آن را در هوا پخش و پراکنده کند و چیزی از آن برجای نگذارد . چنین کافرانی هم در روز قیامت ) به چیزی از آنچه در دنیا ( از اعمال نیک ) انجام داده اند دست نمی یابند . این ( تلاش و کوشش بیراهه و بی بهره ) گمراهی سختی ، ( و حاصل سرگردانی و سرگشتگی شگفتی ) است .

در این آیت خداوند متعال از اعمال کفار خبر داده است که در دنیا به نیت خیر خواهی و خیر اندیشی انجام داده اند آن اعمال در بطلان و بی بهره بودن مثل نابودی خاکستری است که در هوا پراکنده شود آنهم در

¹- سوره بقره/۲۱۷.

²- سوره مائده/۵.

³-سوره نور/۳۹.

⁴- سوره ابراهیم/۱۸.

روزیکه باد تندی بوزد هیچ اثری از آن باقی نمیماند این چنین است حال اعمال کفار از همین سبب خداوند متعال فرمود: (لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ) زیرا اعمال شان مبنی بر کفر بوده است.<sup>۱</sup>

۲- کفر خون و مال عاملش را مباح میگرداند خداوند متعال فرموده است: (فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ).<sup>۲</sup>

«هنگامی که با کافران (در میدان جنگ) روبه رو می شوید، گردنهایشان را بزنید. و نیز فرموده است: (فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ).<sup>۳</sup>» با سردستانان کفر و ضلال بجنگید، چرا که پیمانهای ایشان کمترین ارزشی ندارد. شاید (در پرتو بازبودن درگاه توبه خدا و شدت عمل شما، پشیمان شوند و) دست بردارند.

۳- کفر سبب همیشه بودن عاملش در آتش جهنم میشود، خداوند متعال فرموده است: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ).<sup>۴</sup>

«و کسانی که کافر شوند و آیه های ما را تکذیب کنند (و نادیده گیرند) اهل دوزخند و همیشه در آنجا خواهند ماند.

از آیات فوق برمیآید که کفر در صورتیکه عاملش با اصراری بر آن بمیرد اعمال عاملش را باطل ساخته و از دین اسلام خارج میسازد، البته کفر یا جحود ابتدایی بوده و یا فرد که قبلاً مؤمن باشد با انکار از شعایر دینی مثل، انکار از قرآن کریم یا آیه از آن و یا انکار از احکام ثابت با نص قرآن بعد از علم داشتن به آن، و کسیکه از جنت، دوزخ، زنده شدن بعد از مرگ، حساب، روز قیامت و سایر اموریکه ایمان داشتن به آن لازم است انکار نماید، به اجماع همه ی ایمه و پیشوایان سلف کافر میباشد که احکام کفر بر آن ثابت میگردد.<sup>۵</sup>

حافظ ابن بطه رحمه الله، گفته است «هر کسیکه یکی از فرایضی را که خداوند متعال در کتابش فرض نموده باشد و رسول الله ص در سنتش به آن تأکید نموده باشد انکار کند در کفرش شکی نمیباشد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>- تفسیر سعدی ج ۱/ص ۸۹۲.

<sup>۲</sup>- سوره محمد/۴.

<sup>۳</sup>- سوره توبه/۱۲.

<sup>۴</sup>- سوره بقره/۳۹.

<sup>۵</sup>- قاضی عیاض، (ب ت) الشفاء بتعریف حقوق المصطفی: ط مکتبة الایمان ج ۲/ص ۱۰۷۶.

<sup>۶</sup>- حافظ ابن بطه العبکری (۱۴۰۹ هـ) الابانة عن شریعة الفرقة الناجية، طبع دار الراية الرياض الطبعة الاولى ج ۲/ص ۷۶۴.

## مطلب سوم - شک نمودن در حکمی از احکام و خبری از اخبار الهی:

شک در لغت نقیض یقین بوده و به معنای متردد بودن در میان دو شیئی را گفته میشود.<sup>۱</sup>

و شک نوعی از کفر بوده و کفر شک قسم جدا گانه ی کفر اکبر شمرده شده است و آن عبارت است از گمانی که نه صدق و نه به کذب باور داشته باشد و در هر دو جانب متردد باشد چنانچه خداوند متعال در توضیح معنای کفر شک فرموده است: (وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ، وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ، قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ، لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا )<sup>۲</sup>.

« در حالی که ( به سبب عدم ایمان به خدا ) بر خویشتن ستمگر بود ، ( همراه دوست خود ، سرمستِ غرور ) به باغش گام نهاد ( و نگاهی به درختان پرمیوه و خوشه های پُردانه و زمزمه رودبار انداخت ، مستکبرانه ) گفت : من باور نمی کنم هرگز این ( باغ سرسبز ) نابود شود و به فنا رود . و باور ندارم که قیامت برپا شود . اگر هم ( به فرض قیامتی در کار باشد و ) من به سوی پروردگارم برگردانده شوم ( این همه شخصیت و مقام ، و اموال و اولاد ، نشانه شایستگی من است و در آنجا هم ) مسلماً سرانجام بهتری و جایگاه خوبتری از این ( باغ و زندگی ) خواهم یافت . دوست ( مؤمن ) او ، در حالی که با وی گفتگو داشت ، بدو گفت : آیا منکر کسی شده ای که ( دستگاه شگرف و سازمان پیچیده جسم ) تو را از خاک ناچیزی و سپس از نقطه بی ارزشی آفریده است ، و بعد از آن تو را مرد کاملی کرده است ؟ ! ولی من ( می گویم : ) او ( که مرا و همه جهان را آفریده است ) خدا است و پروردگار من است ، و من کسی را انباز پروردگارم نمی سازم .

خداوند متعال در این آیات قصه ی مردی را حکایت میکند که خداوند برایش مزرعه و بستان پر از میوه را عطا کرده بود ، او روزی متکبرانه به باغش وارد شده در حالیکه به نفس خود با کفر ورزیدن به زنده شدن بعد از مرگ ، و متردد بودن در باره قیامت و بر گشتن به نزد خداوند به نفس خود ظلم نموده بود او به مزرعه ، درختان پر از میوه و نهر های جاری در کناره های آن مغرور شده بود فکر میکرد که اینها همیشه بوده گاهی نابود نمیشوند البته این همه در نتیجه ی کفر، تمرد و تکبر، وضع یقینش به خداوند متعال بود و اینکه او به زنده گی دنیا اش متعجب شده و فریب خورده بود بیخبر از اینکه روزی به نزد خداوند متعال برمیگردد و نعمات بهتر از این را برایش فراهم میکند ، این گفته های او از دو حالت خالی نیست یا اینکه او حقیقت را میدانست پس این اظهارات او بر وجه تحکم و استهزاء میباشد این زیادت کفر بر کفرش میباشد و یا اینکه ای گفته های او برمیگردد به گمان و ترددش در مورد حقیقت در اینصورت او جاهل

<sup>۱</sup>- ابن منظور، لسان العرب ج ۷ / ص ۱۷۴.

<sup>۲</sup>- سوره کهف / ۳۵-۳۸.

ترین مردم و کم عقل ترین آن میباشد که این دلیل تمرد و عنادش هست از همین جهت خداوند متعال فرمود (وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ) <sup>۱</sup>.

### کفر شک:

عاملش را از اسلام خارج ساخته و عملش را باطل میسازد، از نظر جمهور علماء شک کفر شمرده شده و عاملش را از اسلام خارج میسازد، قرآن کریم دلالت به آن دارد که شک به صداقت رسول الله <sup>۵</sup> و تردید در مورد بعث بعد الموت و تردید در وجوب و عدم وجوب نماز و سایر فرایض دینی و تردید در محرمات شرعی کفر شمرده میشود، واضح است که کفر عمل را باطل ساخته و سبب خروج از ملت اسلامی میگردد. <sup>۲</sup>

از همین سبب است که یقین یکی از شرایط ایمان و باور به سایر اوامر دینی میباشد، ابن قیم رحمه الله در توضیح منزلت و اهمیت یقین گفته است «یقین به منزله روح اعمال قلبی و اعمال قلبی ارواح اعمال جوارح میباشد و مراد از یقین حقیقت صادقانه میباشد که محور اساسی ایمان و اعمال صالحه هست، هرگاه یقین به قلب بپیوندد قلب را از نور و روشنایی پرمیسازد، ریب و شک را از قلب بیرون میکشد. <sup>۳</sup>

چنانکه خداوند متعال فرموده است از صفات مؤمن آن است که به خداوند باور داشته و در امور دین شک و تردید را راه ندهد (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا). <sup>۴</sup>

«مؤمنان ( واقعی ) تنها کسانیند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده اند ، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده اند.

و در آیه دیگری آمده است که ریب و شک از صفات منافقین است (إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ). <sup>۵</sup>

«تنها کسانی از تو اجازه می خواهند که ( در جهاد شرکت نکنند که مدعیان دروغینند و ) به خدا و روز جزا ایمان ندارند و دل‌هایشان دچار شک و تردید است و در حیرت و سرگردانی خود بسر می برند .

<sup>۱</sup>- تفسیر سعدی: ج ۱ / ص ۱۰۱۰.

<sup>۲</sup>- مجموعه الرسائل، از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، وایمة الدعوة، طبع دار الافتا السعودية ص ۲۱۳. و سلیمان بن سحمان: ط (۱۴۱۲) هـ الضیاء الشارق فی رد شبهات المارق، بتحقیق عبد السلام بن برجس، دارالعاصمة السعودية ص ۳۷۴.

<sup>۳</sup>- ابن قیم الجوزیة ط (۱۴۱۶) هـ، مدارج السالکین بمنزل ایاک نعبد و ایاک نستعین تحقیق عماد عامر دارالحديث القاهرة ط ۱، ۲/ ص ۳۷۴.

<sup>۴</sup>- سوره حجرات/ ۱۵.

<sup>۵</sup>- سوره توبه/ ۴۵.

امام شوکانی رحمه الله گفته است «معنای آیت چنین است، اینها یک از تو اجازت میطلبند کسانی اند که در واقع مؤمن نیستند، بل اینها در تردید واقع شده اند، بوجه راه حق و درست راه نیافته اند و در واقع حق را نمیشناسند.<sup>۱</sup>

ابن عاشور رحمه الله گفته است «در آیت تصریح است به اینکه منافقین کافرند.<sup>۲</sup> به اینصورت که خداوند متعال صفت ایمان را از اینها نفی نموده است و به این سبب به کفر و بطلان عمل شان تأکید شده است.

در حدیثی آمده است پاداش یقین که شک در آن دخالت نداشته باشد جز جنت چیزی بوده نمیتواند رسول الله ص فرمودند «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ لَا يَلْقَى اللَّهُ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرَ شَاكٍ فِيهِمَا إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ».<sup>۳</sup>

«شخصی گواهی دهد به اینکه کار ساز و معبودی جز خداوند دیگری نیست و اینکه من فرستاده ی خدا ام و به این دو حالت بنده ی خداوند را ملاقات کند در حالیکه شک و تردیدی را به آن راه نداده باشد مگر اینکه داخل جنت میشود.

#### مطلب چهارم - کفر نفاق (نفاق اعتقادی):

##### تعریف نفاق:

نفاق از نفاق به معنای سوراخ در عمق زمین و منافق را به همین مناسبت منافق گفته میشود که کفرش را پوشانیده است.<sup>۴</sup>

و در اصطلاح شرعی نفاق عبارت است از اظهار یک سخن به زبان یا فعل و عملی به خلاف آنچه که در قلب وجود دارد.<sup>۵</sup>

##### انواع نفاق:

نفاق دو نوع میباشد:

**اول - نفاق اعتقادی:** که به آن نفاق اکبر نیز گفته میشود که عبارت از اظهار ایمان و کتمان کفر میباشد. به اینصورت که فرد منافق ایمان به خداوند متعال، ملائکه ها، کتاب های آسمانی، پیغمبران الهی و روز آخرت را اظهار نماید و نواقض آنها را کلاً یا بعضاً بپوشاند و آن همان نفاقی است که در زمان رسول الله ه وجود داشت که آیات قرآنی در مذمت و بیان کفر آنها نازل گردیده است.<sup>۶</sup>

۱- شوکانی، الفتح القدیر. ج ۲/ص ۳۶۶.

۲- ابن عاشور، التحریر والتنویر ج ۱۰/ص ۲۱۴.

۳- اخرجہ مسلم، باب الدلیل ان من مات علی التوحید دخل الجنة، ج ۱/ص ۱۲۶.

۴- ابن منظور، لسان العرب ج ۱۰/ص ۳۵۸. ومفردات غریب القرآن ص ۵۰۲.

۵- ابن العربی المالکی (ب ت) عارضة الاحوذی بشرح جامع الترمذی دارالکتاب العربی: ج ۱۰/ص ۹۷.

۶- ابن کثیر: التفسیر القرآن العظیم ج ۱/ص ۴۷. ومدارج السالکین ج ۱/ص ۳۱۳.

ابن کثیر رحمه الله گفته است: نفاق شامل انواع واقسام می‌گردد از جمله نفاق اعتقادی است که، صاحبش را برای همیشه وارد جهنم می‌سازد و نفاق عملی که از گناهان بزرگ می‌باشد.<sup>۱</sup>

از این تعریفها فرق در میان نفاق اعتقادی و عملی دانسته میشود منافق به هر دو نوع نفاق متصف بوده میتواند اما نفاق عملی را مسلمان نیز انجام میدهد که از اسلام خارج نمیسازد اما مسلمان به نفاق اعتقادی متصف بوده نمیتواند.

**نوع دوم - نفاق عملی:** و آن عبارت است از اعمال منافقانه همراه با بقای ایمان در قلب این نوع نفاق عاملش را از اسلام خارج نمیسازد البته سبب برای خروج از اسلام شده میتواند (هرگاه اعمال نفاق زیاد شود شخص به منافق خاص مدل میشود. این نوع نفاق در مبحث بعدی مورد بحث قرار میگیرد.

### اثرات نفاق اعتقادی:

۱- نفاق اعتقادی عاملش را از اسلام خارج و اعمالش را باطل می‌سازد، در آیات بسیاری این مطلب تصریح شده است در آیه آمده است که منافقین نسبت ایمان به کفر نزدیکترند، خداوند متعال فرموده است: (وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمًا أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ)<sup>۲</sup>.

« گفتند: اگر می دانستیم که جنگی واقع خواهد شد، بیگمان از شما پیروی می کردیم (و شما را تنها نمی گذاشتیم!) آنان در آن روز (که چنین می گفتند) به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. ایشان با دهان چیزی می گویند که در دلشان نیست (و گفتار و کردارشان با هم نمی خواند) و خداوند (از هر کس دیگری) داناتر بدان چیزی است که پنهانش می دارند.

قرطبی رحمه الله گفته است: خداوند متعال در این آیت حال آنها بیان کرده و پرده از رویشان برداشته است و نفاق شان را برای کسانی که گمان کنند که آنها مسلمانند بیان نموده است به این وسیله آنها در ظاهر امر هم به کفر نزدیک میگردند اگرچه در واقع هم کافر اند.<sup>۳</sup>

با آنکه آیه فوق باطل بودن تمامی اعمال منافقین را افاده میکند در آیه دیگری به بطلان بعض اعمال خاص منافقین تأکید شده است خداوند متعال فرموده است: (فُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ

<sup>۱</sup> - ابن کثیر: التفسیر القرآن العظیم ج ۱/ص ۴۷.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمر/۱۶۷.

<sup>۳</sup> - قرطبی: الجامع لاحکام القرآن ج ۴/۲۷۷.

إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ، وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ<sup>۱</sup>.

«ای پیغمبر! به منافقانی که برای پنهان داشتن نفاق خود به بذل و بخشش می پردازند ( بگو: چه از روی اختیار و چه از روی اجبار به بذل و بخشش بپردازید، در هر حال از شما پذیرفته نمی گردد، چرا که شما قوم فاسقی هستید ( و بر دین خدا می شورید و از فرمان او به در می روید و نفاقتان اعمال نیکتان را پوچ و بیسود می گرداند ).

هیچ چیز مانع پذیرش نفقات و بذل و بخشش هایشان نشده است جز این که آنان به خدا و پیغمبرش ایمان ندارند ( و کفر هم اعمال را پوچ و بیسود می کند )، و جز با ناراحتی و بی حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی ایستند، و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کنند .

گرچه این آیت صریحا کفر منافقین را ثابت میسازد، با وصف آن ذات عادل باید از چنین افرادی دو رو صدقه وانفاق را قبول نکند زیرا آنها در حالی انفاق میکردند که از تهه دل آن را نمیخواستند و همچنان نماز آنها را قبول نکند زیرا آنها از ترس مسلمانان نماز خوانده اند هرگاه به حال خود باشند نماز نمیخوانند. بناء با آنکه آنها انفاق کردند و نماز خواندند امام این اعمال شان باطل بوده و ثوابی برایشان ندارد.

آیات دیگری هستند که در آن صراحتا از حبط عمل منافقین اطلاع داده شده است از جمله این فرموده خداوند متعال است: (وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ<sup>۲</sup>).

«مؤمنان می گویند: آیا اینان همان کسانی هستند که با شدت و با حدت به خدا سوگند می خوردند و می گفتند: ما ( بر آئین شمائیم و همچون شما مسلمانیم و ) با شما هستیم! ( دروغ گفتند و ) کردارشان بیپوده و تباه گشت ( و رنجشان بر باد رفت و تلاششان هدر گردید ) و زیانکار شدند ( و هم ایمان و هم یاری مؤمنان را از دست دادند ) .

وآیه (فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>۳</sup>).

«چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می رود، و ایشان یاران آتش ( دوزخ ) می باشند و در آن جاویدان می مانند .

<sup>۱</sup>- سوره توبه / ۵۳-۵۴ .

<sup>۲</sup>- سوره مائده / ۵۳ .

<sup>۳</sup>- سوره بقره / ۲۱۸ .



۲- نفاق اعتقادی منافق را برای همیشه در جهنم باقی میگذارد/ قرآن کریم در موارد متعددی منافق را کافر حکم نموده و آنان را از مستحقین عذاب دایمی جهنم خوانده است:

خداوند متعال فرموده است: (بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) <sup>۱</sup>. «به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند.

و آیه ی (وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ) <sup>۲</sup>.

«خداوند به مردان و زنان منافق، و به همه کافران وعده آتش دوزخ داده که جاودانه در آن می ماند، و دوزخ برای (عقاب و عذاب) ایشان کافی است. (علاوه از آن) خدا آنان را نفرین و از رحمت خود به دور داشته و دارای عذاب همیشگی خواهند بود.

۳- عاملین نفاق اعتقادی اغلبا توبه نمیکنند زیرا خداوند متعال در توصیف حال منافقین فرموده است: (صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ) <sup>۳</sup>. «(آنان همچون) کران و لالان و کوراند و (به سوی حق و حقیقت) راه بازگشت ندارند.

امام سیوطی رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: «انهم لا يرجعون الی هدی ولا الی خیر» <sup>۴</sup>.

#### مطلب پنجم - انکار از وجود ملائکه وجن:

ایمان به امورات پوشیده از دید یک بخش مهم اشیای مؤمن به را تشکیل میدهد و به وسیله فرد مؤمن از کافر منکر امتیاز میآید زیرا از لوازم ایمان یک مؤمن آن است که به هر آنچه خداوند متعال و پیغمبرش خبر داده است ایمان داشته باشند برابر اینکه آن چیزها را دیده باشند یا نه باشند، از جمله ایمان به غیب ایمان به وجود ملائکه و جنات میباشد.

#### اول - انکار از وجود ملائکه:

ایمان به ملائکه رکن سوم از ارکان ایمان است لذا برای یک مؤمن واجب است که با داشتن عقیده جازم باور داشته باشد که ملائکه مخلوق نورانی هستند که خداوند آنها را از نور آفریده است و اینکه آنها از فرمان خداوندی در وظایفی که برای شان سپرده شود سر پیچی نمیکنند، البته آنها نمیخورند و نه مینوشند، توالد و تناسل ندارند، واز بنده های مقرب خداوند متعال میباشدند که تنظیم امور مهم دنیا و آخرت توسط آنها صورت میگیرد. <sup>۵</sup>

۱- سوره نساء/ ۱۳۸.

۲- سوره توبه / ۶۸.

۳- سوره بقره / ۱۸.

۴- سیوطی، الدر المنثور ج ۱/ ۷۲.

۵- حسن حبنکه الميدانی: ط (۱۳۹۹) هـ العقيدة الإسلامية و اساسها، دار القلم بیروت ص ۲۷۹.

خداوند متعال ایمان به ملائکه را از جمله نیکویی‌ها شمرده فرموده است: (لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ)<sup>۱</sup>.

«این که (به هنگام نماز) چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکویی (تنها همین) نیست و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکویی بشمار نمی‌آید. بلکه نیکویی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد.

در حدیث مشهور به حدیث جبریل ایمان به ملائکه بعد از ایمان به خداوند متعال ذکر شده است و قتیقه جبریل از رسول الله در مورد ایمان پرسید در جواب سوال او فرمودند «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»<sup>۲</sup>.

و به این دلایل وجود ملائک به قطعیت ثابت میشود که شک و تردید در آن راه نمی‌آید و به همین دلیل انکار از وجود ملائک در قرآن کریم کفر خوانده شده است چنانکه خداوند متعال فرموده است: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا)<sup>۳</sup>.

«هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

به اتفاق همه ی علماء انکار از ملائکه ها کفر میباشد زیرا کسی که از ملائکه ها به صورت مجموعی یا فردی از افراد آنها را که به امور خاصی دنیا و آخرت توظیف اند انکار کند انکار از نصوص قرآن کریم میباشد.<sup>۴</sup>

از این بحث برمیآید که وجود ملائک به دلایل از قرآن کریم ثابت بوده و باور به آنان جزء ایمان یک مسلمان است و تکذیب ملائکه تکذیب قرآن کریم میباشد که کفر شمرده میشود، لذا اعمال صالح منکر ملائک کلا باطل میشود زیرا که کفر از اسباب بطلان عمل است.

## دوم – انکار از وجود جن:

یکی از لوازم ایمان به غیب باور داشتن به وجود مخلوقی نا مرئی است که جن نام دارد و جنها مثل ملائک مخلوق نا مرئی هستند البته ملائک نیستند و آنها مخلوق زنده و مثل ما انسان ها مأمور به اوامر و دارای مکلفیت میباشد و نظر به اطلاعات شرعی خلقت جن ها قبل از انسانها میباشد، و آنها دارای توانایی های

<sup>۱</sup> - سوره بقره/۱۷۷.

<sup>۲</sup> - متفق علیه ، رواه البخاری ،باب سوال جبریل النبی ه ...ج ۱/ص ۸۷.ومسلم ،باب بیان الایمان والاحسان ...ج ۱/ص ۸۸.

<sup>۳</sup> - سوره نساء/۱۳۶.

<sup>۴</sup> - بهوتی،کشاف القناع عن متن الاقناع ، ج ۶/ص ۱۶۸.

بزرگ و مهارت های ساخت ساز نیز بوده اند و همچنان آنها خود را به اشکال مختلف تبدیل مینمایند و در آن اشکال قابل دید میباشند و انسانها میتوانند در آن اشکال آنها را ببینند و آنها مسلمان و کافر نیز هستند.<sup>۱</sup> آنها یک قدر مشترکی با انسانها در متصف بودن به صفت عقل و ادراک و اختیار خیر و شر دارند و تفاوت های با انسانها دارند که از مهم ترین آن تفاوتها در این است که در اصل خلقت باهم تفاوت داشته و آنها با وصف آنکه موجود هستند دیده نمیشوند.

چنانچه خداوند متعال فرموده است (إِنَّهُ يَرَأَكُمُ هُوَ وَقَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ).<sup>۲</sup> «شیطان و همدستانش شما را می بینند ، در صورتی که شما آنها را نمی بینید.

### دلایل وجود جن از قرآن و سنت:

وجود جنها با آیات و احادیث متعددی ثابت میباشد بلکه در قرآن کریم یک سوره کامل در مورد اطلاع از حالات آنها بوده و به نام جن مسمی شده است.

۱- خداوند متعال فرموده است : (قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا).<sup>۳</sup>

«ای محمد ! به امت خود ( بگو : به من وحی شده است که گروهی از پریان ( به تلاوت قرآن من ) گوش فرا داده اند و ( پس از مراجعت به میان قوم خود ، بدیشان ) گفته اند : ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده ایم . همگان را به راه راست رهنمود می سازد ، و ما بدان ایمان آورده ایم ( و دیگر از ایمان خود بر نمی گردیم و یکتاپرستی را در پیش می گیریم ، و ) کسی را انباز پروردگاران نمی سازیم .

و نیز فرموده است : (وَأَنَّهُمْ ظُنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا، وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا).<sup>۴</sup>

«و کسانی از انسانها به کسانی از پریها پناه می آوردند ، و بدین وسیله بر گمراهی و سرکشی ایشان می افزودند. و کسانی از انسانها به کسانی از پریها پناه می آوردند ، و بدین وسیله بر گمراهی و سرکشی ایشان می افزودند .

۱- عبدالرحمن حسن حبنكة الميداني ط (۱۳۹۹) هـ العقيدة الإسلامية و اساسها دار القلم بيروت ، ص ۲۸۳ .

۲- سوره اعراف / ۲۷ .

۳- سوره جن / ۱ .

۴- سوره جن / ۵ .

در سنت نبوی روایات متعددی در مورد وجود، نوعیت خلقت و مکلفیت های مشترک جن ها آمده است از جمله در روایتی به نقل از ابن مسعود آمده است رسول الله <sup>۵</sup> فرمودند: «**لَا تَسْتَجُوا بِالْعَظْمِ فَانْهَازُوا زَادَ أَخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ**»<sup>۱</sup>.

«با استخوان استنجا نکنید زیرا که استخوان خوراک برادران جنی شما است .

### هدف خلقت جن ها :

جن ها روی همان هدفی خلق شده اند که انسانها به آن هدف آفریده شده اند، خداوند متعال است : ( وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ )<sup>۲</sup>. « من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام. از این بحث برمیآید که وجود جن بخش از قرآن کریم و سنت نبوی بوده بنا برین ایمان وجود جن امر لازمی میباشد که منکر آن منکر قرآن بوده کافر حکم میشود.

قرطبی رحمه الله گفته است «گروهی از کفار فلاسفه و اطباء از وجود جن انکار کرده اند این انکار از نصوص صریح قرآن و سنت است .<sup>۳</sup>

وألوسی رحمه الله گفته است «انکار از وجود جن کفر صریح میباشد». <sup>۴</sup> اگر فرد مؤمنی از وجود جن منکر شود و به همین انکارش بمرید تمام اعمالش باطل میشود .

### مطلب ششم – انکار از زنده شدن بعد از مرگ:

انکار از زنده شدن بعد از مرگ، برپا شدن قیامت، جنت و دوزخ و سایر امورات آخروی که از جمله امورات مؤمن به است نیز کفر شمرده شده و اعمال صالح منکر را باطل میسازد،

### اهمیت ایمان به روز آخرت:

ایمان به روز آخرت یکی از ارکان مهم دین اسلام بوده که در حدیث معروف به حدیث جبریل آمده است رسول الله <sup>۵</sup> در جواب سوال از ایمان فرمودند: «**قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ قَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ**»<sup>۶</sup>.

واز لوازم ایمان به روز آخرت ایمان به زنده شدن پس از مرگ و سایر امور آخروی میباشد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>- اخرجہ البخاری، کتاب مناقب الانصار، باب ذکر الجن: ج ۳/ص ۱۱۷۸.

<sup>۲</sup>- سوره زاریات / ۵۶.

<sup>۳</sup>- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۱۹/ص ۹.

<sup>۴</sup>- آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین محمود الالوسی، ط (۱۴۱۴) هـ تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی دارالفکر بیروت، ج ۲۹/ص ۱۰۲.

<sup>۵</sup>- متفق علیه، اخرجہ البخاری، کتاب الایمان، باب سؤال جبریل النبی ص ج ۱/ص ۷۶. ومسلم باب بیان الایمان والاسلام والاحسان، ج ۱/ص ۸۷.

<sup>۶</sup>- محمد نعیم یاسین، (ب ت) کتاب الایمان، دار التوزیع والنشر الاسلامیه بیروت ص ۶۵-۶۷.

## دلیل ثبوت ایمان به زنده شدن پس از مرگ از قرآن و سنت:

آیات متعددی در قرآن کریم بر بعث بعد از موت صراحت دارد از جمله این فرموده خداوند متعال میباشد:

(ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ، ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ) <sup>۱</sup>.

«بعد از آن ( که مدت روزگاری بر این کره خاکی زندگی کردید ) شما خواهید مرد . سپس ( به دنبال سپری شدن دوره حیات مردمان ) شما در روز قیامت دوباره زنده خواهید گردید ( و به حساب عمرتان رسیدگی می شود ) .

۲- در حدیث قدسی چنین آمده است « قال الله كذبي ابن آدم ولم يكن له ذلك وشتمني ولم يكن له ذلك فأما تكذيبه إياي فقله لن يعيدني كما بداني وليس أول الخلق بأهون علي من إعادته وأما شتمه إياي فقله اتخذ الله ولدا وأنا الأحد الصمد لم ألد ولم أولد ولم يكن لي كفوا أحد» <sup>۲</sup>.

«خداوند متعال فرموده است ، فرزند آدم مرا تکذیب نموده است این برایش شایسته نیست ، و مرا دشنام زده است که برایش شایسته نیست ، اما تکذیبش نسبت به من اینست که گفته است که او را دو باره بر نمیگردانم در حالیکه خلقت اولی اش بر من ساده تر از برگشتاندنش نیست ، اما دشنام زدنش بر من این گفته ی او است که خدا به خود فرزند گرفته است حال آنکه من یکتا و بینیازم ، نه از کسی زاده شدم و نه فرزندی به دنیا آوردم ، و به من همسر وهم سانی نیست .

بنا بر این باور به زنده شدن پس از مرگ از ارکان مهم ایمان بوده که اساس صلاح قلب را تشکیل میدهد ، سعدی رحمه الله گفته است : باور به روز آخرت یکی از ارکان ایمان بوده و از بزرگترین اسباب ترغیب به اعمال صالح و ترس از خداوند متعال میباشد <sup>۳</sup>.

البته انکار از زنده شدن بعد از مرگ امر جدیدی نبوده بلکه در ادوار تاریخ بشریت انسانها از روز آخرت و زنده شدن پس از مرگ را انکار کرده اند طوری که خداوند متعال با حکایت از اقوام گزشته فرموده است :

أ- ( وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ ، أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ، إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ) <sup>۴</sup>.

«اگر از انسانی همسان خود پیروی کنید و بدو بگروید ، در این صورت سخت زیانکار خواهید بود . آیا او به شما وعده می دهد که هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید ، شما ( بار دیگر زنده می گردید و از گورها ) به در آورده می شوید ؟ ! ( و حیات نوین و جاویدی را آغاز می کنید ؟ ! ) . آنچه به شما وعده

<sup>۱</sup> - سوره مؤمنون/ ۱۵-۱۶ .

<sup>۲</sup> - اخرجہ البخاری ، کتاب التوحید ، باب قوله الله الصمد : ج ۳/ص ۱۶۰۳ .

<sup>۳</sup> - تفسیر السعدی ، ج ۱/ص ۳۴ .

<sup>۴</sup> - سوره مؤمنون/ ۳۵-۳۷ .

داده می شود ( که زندگی دوباره و برپا شدن رستاخیز نام دارد ، محال و ناممکن است ، و از عقل ) دور دور است ( و هرگز نمی شود ) . حیاتی جز حیات این جهان وجود ندارد که ( گروهی از ما ) می میریم ( و گروه دیگری جای آنان را می گیریم ) و زندگی می کنیم ، و ما هرگز ( پس از مرگ ) برانگیخته نمی شویم .

ب : ودر مورد انکار قریش از زنده شدن پس از مرگ فرموده است : (وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ) <sup>۱</sup>

« اگر به آنان بگوئی شما بعد از مرگ برانگیخته می شوید ( و زندگی دوباره پیدا می کنید ) کافران ( از روی شگفت ) می گویند ( چیزی را می گوئی باور کردنی نیست و واقعیت ندارد ؛ بلکه ) این یک جادوگری آشکاری است ( که خردها را به بازیچه می گیرد ) .

ج : وبه صورت عام فرموده است : (وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسنِّيْقِينَ) <sup>۲</sup>

«و هنگامی که گفته می شد : وعده خدا راست است ( و کیفر هر کسی را در سرای دیگر به تمام و کمال می دهد ) و قیامت حتماً فرا می رسد و هیچ گونه شکی در رخ دادن آن نیست ، می گفتید : ما نمی دانیم قیامت چیست ! ما تنها گمانی ( درباره آن ) داریم و به هیچ وجه یقین و باور نداریم ( که قیامت فرا برسد ) .

بنا بر این توضیح انکار از قیامت وزنده شدن پس از مرگ انکار از یک رکن ایمان و نصوص صریح قرآن کریم است که کفر میباشد و کفر اعمال صالح را باطل میسازد ، اگر فردی به خداوند متعال و سایر امورات دینی و شعایر اسلامی ایمان و باور داشته باشد اما در مورد قیامت وزنده شدن پس از مرگ متردد بوده باشد و یا از انکار کند مؤمن شمرده نمیشود اگر به این حالت بمیرد تمامی اعمالش باطل بوده و ثواب ، ثمره آخروی ندارد.

<sup>۱</sup> - سوره هود/۷

<sup>۲</sup> - سوره جائیه/۳۲ .

## مبحث سوم

## انواع محببات قلبی که سبب خروج از اسلام نمیگردد

## مطلب اول - ناامیدی از رحمت خداوند متعال:

ناامیدی که در عربی به آن "یأس" گفته میشود جمعش "یؤوس" در کتب معتبر لغت عربی به معنای "قنوط" (ناامیدی) که ضدش "رجاء" (امید واری) میباشد استعمال شده است رجا به معنای امید و یأس به معنای ناامیدی هست.<sup>۱</sup>

و در اصطلاح "یأس" فعل قلبی بوده به معنای یقین به عدم دست رسی به شیئی را گفته میشود که فرد از آن مأیوس شده است.<sup>۲</sup>

از آنجاییکه انسان طبیعتاً یک مخلوق ضعیف و نا توان است خود را در برابر غرایز شهوانی و لذت های دنیایی کنترل کرده نمیتواند و میخواهد که از تمامی لذایز دنیوی بهره مند شود و به حسب ضعف طبیعی و وسوسه شیطانی او به هر گونه خواسته های نفس عمل میکند و از هر آنچه که خواسته باشد بهره مند میشود و ضمن رسیدن به خواسته های نفسانی گناهی را مرتکب میشود، اینجاست که شیطان او را وسوسه میکند که او در معرض هلاکت قرار گرفته و راه نجاتی برایش نیست، و اعمال صالحش نیز به او نفعی نمیرساند. و او این وسوسه شیطانی را میپذیرد و از رحمت بی پایان الهی نا امید میشود، این همان "یأس" است که به قلب یک بنده مؤمن راه میابد، در حالیکه رحمت الهی بی پایان بوده و در وازه اش همیشه به روی گنه کاران توبه کننده در هر مکان و در هر زمان باز است. چنانچه که فرموده است: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ).<sup>۳</sup>

«(از قول خدا به مردمان) بگو: ای بندگانم! ای آنان که در معاصی زیاده روی هم کرده اید! از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد. چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است.

<sup>۱</sup> - ابن منظور، لسان العرب: ج ۱۵/ص ۴۳۲. ومختار الصحاح: ص ۷۴۰.

<sup>۲</sup> - ابن عاشور: التحرير والتنوير، ج ۲۵/ص ۱۰.

<sup>۳</sup> - سوره زمر/۵۳.

و در حدیثی آمده است رسول الله ﷺ میفرماید: «إِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِ فِيهَا يَتَعَاطَفُونَ بِهَا يَتَرَاحِمُونَ وَبِهَا تَعَطَّفُ الْوَحْشُ عَلَى وُلْدِهَا وَأَخَّرَ اللَّهُ تَسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>.

«برای خداوند یک صد رحمت است که یکی آن را در دنیا فرود آورده و در میان جن ، انس ، چپاها و حشرات تقسیم کرده است که آنها به همین رحمت با همدیگر ترحم و عطوفت مینمایند ، و به همین رحمت خداوندی حیوانات وحشی به بچه هایشان ترحم میکنند ، و خداوند نود نه حصه رحمتش را با خود دارد که با آن به بنده هایش در روز قیامت مهربانی مینماید.

سعدی رحمه الله در تفسیر آیه فوق گفته است: «خداوند متعال به این وسیله بنده بنده های را که به کثرت گناهی را انجام داده اند از وسعت رحمتش خبر میدهد و آنها را به انابت فرا خوانده و از ناامیدی بر حذر مینماید ، نباید آنها به این قضاوت خود را در هلاکت باندازند و به این سبب به گناه و عصیان شان اسرار بورزند و خداوند را به خشم بیاورند و خبر میدهد که خداوند تمامی گناهان کبیره و صغیره را میآمرزد.<sup>۲</sup> بنا بر این بر مسلمان لازم است که ناامیدی از رحمت الهی را اصلا به خود راه ندهد چون ناامیدی از صفات کفار است و خداوند متعال در آیات متعددی نومید شونده گان را مذمت نموده است.

### خطر واضرار ناامیدی:

خداوند متعال ناامیدی را گاهی ضلالت و گاهی هم کفر خوانده است چنانچه میفرماید: (قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ)<sup>۳</sup>.

«گفت: چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود ، مگر گمراهان ( بی خبر از قدرت و عظمت خدا؟! ) .

و نیز فرموده است: (وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ)<sup>۴</sup>. «و از رحمت خدا ناامید مشوید ، چرا که از رحمت خدا جز کافران ناامید نمی گردند .

زحیلی رحمه الله گفته است: «این آیت دلیل است بر اینکه کفار در حال سختی ها ناامید میشوند ، و همچنان ناامیدی از گناهان کبیره هست ، و مؤمن گاهی از رحمت خداوند ناامید نمیشود.<sup>۵</sup>

امام رازی رحمه الله گفته است: «ناامیدی از رحمت خداوند وقتی با وجود میآید که فرد معتقد شود بر اینکه خداوند به صورت کامل قادر و توانا نبوده ، یا اینکه عالم به همه چیز نیست ، یا کرم وجودش به آن

۱- اخراج مسلم: کتاب التوبة ، باب فی سعة رحمة الله تعالى ... ج ۱۳ / ص ۳۱۱ .

۲- تفسیر السعدی: ج ۲ / ص ۵۳۷ .

۳- سوره حجرات / ۵۶ .

۴- سوره یوسف / ۸۷ .

۵- وهبه الزحیلی ، التفسیر المنیر ، ج ۱۳ / ص ۵۱ .



حدی نیست که او را ببخشد، هر یک از این باورها موجب کفر میباشد و ناامیدی هم وقتی به بار میآید که شخص معتقد به این امور سه گانه باشد، بناء گفته میتوانیم که ناامیدی از رحمت خداوند از فردی بار میآید که کافر است و اگر مؤمنی دچار یأس شود نه به اساس آنکه معتقد به امور فوق باشد [به اینصورت که در مورد کناه "یأس" علم نداشته باشد و یا اینکه بگوید آیا ممکن باشد که خداوند مرا ببخشد] عملش باطل میشود اما از اسلام خارج نمیگردد.<sup>۱</sup>

### مطلب دوم - ریا (خود نمائی):

ریا یکی از اقسام شرک میباشد، به اینصورت که علماء شرک را از حیث تعلق آن به فعل قلب و زبان به دو نوع (جلی و خفی) تقسیم نموده اند.

ا- شرک جلی: آن است که به زبان انجام شود مثل: قسم خوردن به غیر الله، واستعمال انواع الفاظ شرکی، یا عملاً صورت بگیرد مثل: سجده به غیر الله.

ب- شرک خفی: آن است که در قلب بوده و اظهار نگردد مثل: فعل ریا در قلب ریا کار بوده و عمل ظاهری که شخص ریا کار انجام میدهد عمل خلافی نبوده و هدف ریاکار را که فعل قلب است و فعل قلب را جزء خداوند متعال کسی دیگر نمیداند و این نوع شرک را "شرک سرایر" نیز گفته میشود.

### تعریف ریا:

ریاء مصدر "به معنای به نمایش گذاشتن و آشکار نمودن، کاری را انجام داد تا اینکه برای مردم نشان دهد و اقوال هم در معنای ریا شامل میباشد.<sup>۲</sup>

و در اصطلاح: قرطبی رحمه الله گفته است «حقیقت ریا مطالبه چیزی در دنیا به سبب عبادت، و اصل آن طلب مقام و جایگاه در دل‌های مردم میباشد.<sup>۳</sup> (اینکه یک شخص عمل نیکوی را انجام و هدفش تقدیر و توصیف از طرف مردم باشد نه رضای خداوند متعال)

و یا اینکه ریا آن است که یک شخص عبادتی را که به خداوند متعال اختصاص دارد و خداوند به آن امر کرده است برای غیر خداوند و یا به هدف دست رسی به اغراض دنیوی انجام دهد.<sup>۴</sup>

### آثار ریا:

۱- رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۸/ص ۲۰۳.  
 ۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵/ص ۸۸.  
 ۳- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن: ج ۲۰/۲۱۰.  
 ۴- الجامع لاحکام القرآن ج ۵/ص ۱۸۶.

بر فعل ریا آثار متعددی مرتب میشود که از مهترین آن، بطلان ثواب اعمال صالحه میباشد. طوری که خداوند متعال فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)<sup>۱</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بذل و بخششهای خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید، همانند کسی که دارائی خود را برای نمودن به مردم، ریاکارانه صرف می کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارد. مثل چنین کسی همچون مثل قطعه سنگ صاف و لغزنده ای است که بر آن (قشری از) خاک باشد (و بذرافشانی شود)، و باران شدیدی بر آن ببارد (و همه خاکها و بذرها را فرو شوید) و آن را به صورت سنگی صاف (و خالی از هر چیز) بر جای گذارد. (چنین ریاکارانی) از کاری که انجام داده اند سود و بهره ای بر نمی گیرند، و خداوند گروه کفرپیشه را (به سوی خیر و صلاح) رهنمود نمی نماید. (اجر و پاداش صدقات تان را با منت گذاردن و اذیت رسانیدن باطل نسازید، طوری که ریا ثواب صدقه را باطل میسازد به اینصورت که صدقه را به نام خداوند متعال نام گذاری نمائید و در حقیقت هدف تان مدح و توصیف مردم باشد.<sup>۲</sup>

قرطبی رحمه الله گفته است: «الرياء مبطل للاعمال وهو خفي لا يعرفه كل جاهل غبي»<sup>۳</sup>. البته اثر ریا در بطلان عمل تنها به صدقه اختصاص نداشته بلکه هر عملی صالحی چون جهاد، حج، تلاوت قرآن و... که به غرض ریا انجام شود ثوابش باطل میشود، چنانچه در حدیث طویلی از ابوهریره رض آمده است که در آن حدیث از جهاد، از تلاوت قرآن از صدقه نام برده شده است که هر یک از عاملین این اعمال را در روز قیامت که ریاکارانه این اعمال را انجام داده اند از ایشان پرسیده میشود و سپس برایشان گفته میشود که شما این اعمال را برای شهرت و توصیف مردم انجام داده اید و هر یک را به جهنم انداخته میشود.

### حکم عباداتی که با ریا مخلوط باشند:

عباداتی که با ریا مخلوط میباشند سه صورت دارند:

<sup>۱</sup>- سوره بقره / ۲۶۴.

<sup>۲</sup>- طبری، جامع البیان ج ۳/ص ۹۰ و تفسیر القرآن العظیم، ج ۱/ص ۳۱۸.

<sup>۳</sup>- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۵/ص ۸۶۱.

اول : اینکه اصلاً باعث در انجام عبادت نشان دادن برای مردم باشد مثل کسیکه زیاد نماز بخواند و یا ذکر و اذکار نماید و اصلاً هدفش رضای خداوند متعال نباشد، به این هدف عبادت نمودن نوعی از شرک بوده و عبادت باطل می باشد.

دوم : اینکه ریا در اثنای عبادت در نیت عبادت کننده خلط شود مثلاً اینکه باعث عبادت در مرحله اول اخلاص بوده و در جریان عبادت ریا به بار آمده باشد. چون اول عمل صحیح و آخرش باطل بوده مطابق قاعده "انما الاعمال بالخواتم" آخر به اول حمل نمیشود بلکه اول حکم آخر را میگیرد و چنین عملی ثواب و ثمره ی ندارد.<sup>۱</sup>

سوم : اینکه عبادت به اخلاص آغاز یافته و به اخلاص خاتمه پیدا کند و ریا بعد از ختم عمل به بار بیاید این گونه ریا تأثیری در بطلان عمل نمیگذارد مگر در صورتیکه در آن از حد گزری باشد مثل : منت گذاشتن و اذیت رسانیدن بعد از صدقه زیرا گناه این نوع حد گزری به پاداش صدقه مقابل میشود و پاداش صدقه را باطل میسازد چنانکه خداوند متعال فرموده است : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأُذَى).<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بذل و بخششهای خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید. و اگر شخص عبادت گزاری را مردم از عبادش اطلاع حاصل نمودند و او را توصیف کردند ریا شمرده نمیشود، و یا اینکه عبادت گزار خودش بر عبادتش خوش حال شود ریا نمیباشد چون خوش حال شدن به عبادت دلیل ایمان داری او است.

البته ریا ممکن است از شخص مؤمن سرزد شود ثواب عملش را از بین میبرد اما از اسلام خارج نمیسازد.  
**مطلب سوم - نفاق عملی :**

نفاق عملی عبارت است از عمل چیزی مثل عمل منافقین، با بقای ایمان در قلب این نوع نفاق عاملش را از اسلام خارج نمیسازد اما وسیله برای خروج از ایمان قرار گرفته میتواند (عاملش در میان ایمان و نفاق قرار داشته هرگاه نفاقش زیاد شود منافق خالص میشود.

چنانچه رسول الله ۵ فرمودند: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّى يَدَّعِيَهَا إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ». <sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - محمد بن صالح العثيمين، (۱۴۲۱هـ) القول المفيد في كتاب التوحيد، دار ابن الجوزي السعودية طبع الرابع ج ۲/ص ۱۲۶.

<sup>۲</sup> - سوره بقره / ۲۶۴.

<sup>۳</sup> - متفق عليه، رواه البخاري، كتاب الايمان، باب علامة المنافق ..، ج ۱/ص ۵۹. ومسلم، كتاب الايمان، باب بيان خصال المنافق ج ۱/ص ۱۹۰.

« چهار خصلتی است که در کسی باشد منافق خالص شمرده میشود، و کسیکه در آن یک خصلتی از آن باشد خصلتی از نفاق در آن بوده است تا اینکه ترک گوید، هرگاه سخن گوید دروغ بگوید و هرگاه تعهدی بنده غدر نماید و قتیکه وعده ی بسپارد خلاف کند و قتیکه گفتگو نماید دشنام دهد.

و نمونه ی دیگری نفاق عملی کسالت در نماز است و این روش از صفات منافقین است چنانچه خداوند متعال فرموده است: (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا)<sup>۱</sup>.

«بیگمان منافقان ( نشانه های ایشان را می نمایانند و کفر خویش را پنهان می دارند و به خیال خام خود خدا را گول می زنند! در حالی که خداوند ( دماء و اموال ایشان را در دنیا محفوظ می نماید، و در آخرت دوزخ را برای آنان مهیا می دارد و بدین وسیله ) ایشان را گول می زند. منافقان هنگامی که برای نماز برمی خیزند، سست و بی حال به نماز می ایستند و با مردم ریا می کنند ( و نمازشان به خاطر مردم است؛ نه به خاطر خدا ) و خدای را کمتر یاد می کنند و جز اندکی به عبادت او نمی پردازند.

تا آنجا که صحابه کرام از نفاق عملی نسبت به خودشان میترسیدند ابن ابی ملیکه رحمه الله گفته است: «من سی تن از اصحاب رسول الله را ملاقات کردم تمام شان از نفاق نسبت به خودشان میحراسیدند.<sup>۲</sup> نفاق عملی از نوع چهار خصلتی است که در حدیث ذکر شده است و یا از نوع کسالت در نماز های جماعت ممکن از مؤمنان اتفاق بافتد بناء این نوع نفاق عاملش را از اسلام خارج نساخته البته ثواب عملش را باطل میسازد و هر شخصی که با خصلت های نفاق عملی مداومت کند منافق خالص میشود، و از نمونه های نفاق عملی در روابط ذات البینی اختیار مفکوره منافقین در دوستی با کفار و برقراری روابط حسنه با آنان و همچنان، دروغ گویی، وعده خلافی، خیانت و غدر میباشد.<sup>۳</sup>

## مبحث چهارم

### انواع محببات قولی که سبب خروج از اسلام میگردد

زبان یک وسیله امتیازی انسان ها میباشد این وسیله در خیر و شر هر دو کار گرفته میشود، اگر در استفاده از زبان ضوابط شرعی استفاده از آن رعایت نشود زبان سبب گناهان کبیره و مهلک و حتی سبب کفر و خروج از اسلام میگردد. از این لحاظ زبان با وصف اینکه از مهترین وسیله عبادت گزارى بوده از خطر ناكترین

<sup>۱</sup>- سوره نساء/ ۱۴۲.

<sup>۲</sup>- الدكتور صالح بن الفوزان بن عبدالله الفوزان ط (۱۴۲۰هـ) عقيدة التوحيد وبيان ما يصادها او ينقضها... دار العاصمة الرياض طبع الاولى: ص ۱۰۸.

<sup>۳</sup>- سعيد حوى، ط (۱۴۰۳هـ) المستخلص فى تزكية النفس، دار ارقم عمان، ص ۱۸۶.

وسیله ی نیز میباشد که به ضرر انسان تمام میشود، رسول الله برای معاذ ا وقتیکه او از رسول الله ه میپرسد که آیا ما با سخن گفتن مان مؤاخذه میشویم ؟ فرمودند : « تَكَلَّمْتُكَ أُمَّكَ يَا مُعَاذُ وَهَلْ يَكُتِبُ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَانِدُ أَلْسِنَتِهِمْ »<sup>۱</sup>.

«مادرت عزا دارت باشد ای معاذ آیا نمیدانی که مردمان با چهره هایشان به آتش جهنم افکنده میشوند که سبب آن جز آنچه نمیباشد که بازبانهای شان درو نموده اند.

بنا براین بر مؤمنان لازم است که مواظب گفته هایشان باشند تا نشود با این وسیله مرتکب گناهی شوند ویا فراتر از آن چیزی بگویند که از اسلام خارج شده واعمال شان باطل گردد، در این مبحث اقوالی را مورد بررسی قرار خواهیم داد که سبب خروج از اسلام شده واعمال صالحه را باطل میسازد.

### مطلب اول – بد گویی از خداوند متعال، ملائکه ، پیغمبران و تمسخر بر آنها:

تعریف (بدگویی)

بد گویی که به عربی به آن "سب" گفته میشود و سب کلامی است که به تحقیر واهانت ونسبت نمودن فرد به نقایس خلقی گفته شود ویا نسبت دادن به باطل و طعن زدن برحق را بد گویی گفته میشود که مرادف شتم (دشنام) میباشد.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه رحمه الله در مورد معیار وضابطه بد گویی گفته است معیار شناخت بدگویی عرف میباشد هر لفظی را که اهل عرف، تحقیر،نقیصه ،عیب و طعنه بدانند بد گویی شمرده میشود.<sup>۳</sup>

و تمسخر/ که به آن استهزاء نیز گفته میشود به معنای سبک شمردن مسخره نمودن ، توهین وحقارت میباشد.<sup>۴</sup>

خداوند متعال انسان را آفریده است وبرایش زبان گویا چشم بینا و گوش شنوا داده است و با هدایت نمودن آنها توسط پیغمبران و کتابهای آسمانی آنان را منت گذاشته است، برخی از انسانها راه حق وهدایت را اختیار نمودند و برخی هم راه ضلالت وشیطان را اختیار نموده اند ،البته تمامی تصرفات انسان مؤمن از عقیده ی وی نشأت کرده ومبنی بر تعظیم خداوند متعال وانقیاد او تعالی میباشد وکسانی که تابع خواهشات نفس شده اند پیرو خواست های شیطان نیز میباشند وبه این وسیله او میتواند با قول وعملش

<sup>۱</sup> - اخرجہ الترمذی ، کتاب الصلوة ، باب ماجاء فی حرمة الصلاة : ج ۹ / ص ۲۰۲ . وقال هذا حدیث حسن صحیح .

<sup>۲</sup> - اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن : ص ۲۲۰ والتحریر والتتویر لابن عاشور : ج ۷ / ص ۴۲۷ .

<sup>۳</sup> - شیخ الاسلام الامام احمد بن عبد الحلیم بن عبدالسلام الدمشقی الحرانی ط ( ۱۴۱۱ هـ ) السارم المسلول علی شاتم الرسول ، المكتبة العصرية بیروت . ص ۵۳۱ .

<sup>۴</sup> - ابن منظور : لسان العرب ، ج ۱۵ / ص ۸۴ .

صفت ایمان را از خود نفی نماید به اینصورت که او شعایر دین را سبک شمرده و یا مورد تمسخر قرار دهد و خود را در این وعید شامل نماید، که خداوند فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا)<sup>۱</sup>.

«کسانی که خدا و پیغمبرش را (با کفر و الحاد و سخنان ناروا) آزار می رسانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می کند (و از رحمت خود بی نصیب می گرداند) و عذاب خوارکننده ای برای ایشان تهیه می بیند.

بد گویی، دشنام و استهزاء به خداوند متعال، و رسول الله<sup>ص</sup> کفر بوده و عاملش را از اسلام خارج ساخته و عملش را باطل میگرداند، چنانچه که خداوند متعال فرموده است: (وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ، لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بِآنَهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ)<sup>۲</sup>.

«اگر از آنان (درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان) بازخواست کنی، می گویند: (مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر) بازی و شوخی می کردیم. بگو: آیا به خدا و آیات او و پیغمبرش می توان بازی و شوخی کرد؟! (بگو: با چنین معذرت‌های بی‌هوده) عذرخواهی نکنید. شما پس از ایمان آوردن، کافر شده اید. اگر هم برخی از شما را (به سبب توبه مجدد و انجام کارهای شایسته) ببخشیم، برخی دیگر را نمی بخشیم. زیرا آنان (بر کفر و نفاق خود ماندگارند و در حق پیغمبر و مؤمنان) به بزهکاری خود ادامه می دهند.

دید گاه مفسرین در مورد استهزاء به خداوند متعال و رسول الله ص قرار ذیل است:

سعدی رحمه الله گفته است: «استهزاء به خداوند متعال و رسولش کفر و خارج کننده از ملت اسلامی میباشد زیرا که اصل دین تعظیم خداوند متعال و رسولش ص و تعظیم دین الهی است که توسط پیغمبرش آورده شده است، پس استهزاء و تمسخر به هر یکی از آنها منافی این اصل و مناقض آن میباشد.<sup>۳</sup>

امام فخرالدین رازی گفته است: «استهزاء به دین به هر نوعیکه باشد کفر شمرده میشود چون استهزاء به معنای تحقیر است و تحقیر دین عین انکار از آن میباشد و همچنان تحقیر دین تحقیر خداوند متعال و پیغمبرش نیز میباشد و ایمان با تحقیر جمع شده نمیتواند.<sup>۴</sup>

۱- سوره احزاب/۵۷.

۲- سوره توبه/۶۶-۶۵.

۳- تفسیر السعدی ج ۱/۷۰۸.

۴- رازی، مفاتیح الغیب ج ۱۵/ص ۱۲۷.

وقتیکه استهزاء به خداوند متعال، به رسول الله <sup>۵</sup> و به دین که خداوند متعال فرستاده است کفر هست بد گویی خداوند متعال و رسول الله <sup>۵</sup> نیز کفر میباشد.<sup>۱</sup>

### آثار مرتبه بر بد گویی :

هرگاه ثابت گردید که استهزاء، شتم و بد گویی خداوند متعال کفر است پس عامل آن از اسلام خارج گردیده و تمامی اعمالش باطل میگردد.<sup>۲</sup>

### کفر بودن استهزاء و بدگفتن ملائکه ها:

ایمان با ملائک در نص قرآن و سنت یکی از ارکان ایمان شمرده شده است و ایمان با ملائک وقتی متحقق میشود که فرد مؤمن به ملائکه ها تعظیم قایل شود و آنها را مکرم بشمارد و بپذیرد که آنها بنده های مقرب خداوند متعال است لذا بد گفتن و استهزاء با آنها مناقض ایمان به ملائک بوده و همراه با ایمان به آنها جمع نمیشود و همچنان نقض یک رکن ایمان نیز کفر هست و کفر عمل صالح را از بین میبرد اگرچه استهزاء کننده به وجود ملائک اعتراف داشته باشد.

طوریکه خداوند متعال فرموده است : (مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ).<sup>۳</sup>

«کسی که دشمن خدا و فرشته گان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد ( خداوند دشمن او است ) . چه خداوند دشمن کافران است .

در این آیت دشمنی با ملائک را کفر خوانده شده است از دوتن ملائکه ها نامبرده شده است زیرا که این آیت به نسبت ادعای یهود در مورد این دو ملائک نازل شده بود آنها میگفتند که جبریل دشمن ما و میکائیل دوست ماست و اینکه جبریل به او وحی میآورد و میکائیل نزد او نمیآید معلوم است که او محمد را نمیپذیرد خداوند متعال فرمود کسیکه به جبریل دشمن باشد خدا دشمن او بوده و او از کافران است اما دشمنی با یک ملائک یا تمام آنها در حکم به کفر برابر است .<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - ابن تیمیه: الصارم المسلول علی شاتم الرسول: ص ۵۱۷.

<sup>۲</sup> - ابن رشد: التمهید، ج ۴/ص ۲۲۶.

<sup>۳</sup> - سوره بقره ۹۸/.

<sup>۴</sup> - تفسیر السعدی: ج ۱/ص ۷۴.

به دلیل اینکه ایمان به ملائک به نص قرآن کریم و قول رسول الله در حدیث جبریل رکن ایمان است و به مقتضای آیه فوق دشمنی با ملائک کفر میباشد و کفر عمل صالح مرتکب آنرا از بین میبرد طوریکه خداوند متعال فرموده است: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)<sup>۱</sup>.

«هر کس که انکار کند آنچه را که باید بدان ایمان داشته باشد اعمال او باطل و بیفایده می گردد و در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود .

و در مورد کفر با ملائک فرموده است: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا)<sup>۲</sup>.

«هر کس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود ( و یکی از اینها را نپذیرد ) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است .

### مطلب دوم - ادعای نبوت:

خداوند متعال انسانها را به اختیار خود نگذاشته است تا در ظلمت های جهل و ضلالت به سر ببرند بلکه به غرض هدایت پیغمبران را فرستاده است و آنها را از میان انسانها خودش انتخاب نموده است تا اینکه پیام الهی را برایشان تبلیغ و احکامش را به آنان برسانند و راهای خیر و شر را به به آنان توضیح دهند ، چنانکه فرموده است (اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ)<sup>۳</sup>.

«خداوند از میان فرشتگان پیام آورانی ( همچون جبرئیل ) را برمی گزیند ( و به سوی انبیاء گسیل می دارد ) و هم از میان انسانها پیغمبرانی ( همچون موسی و عیسی و محمد ) را ( برمی گزیند و به سوی مردم می فرستد ، و از کار همه آنان باخبر است ) چرا که خداوند شنوا و بینا است .

طوریکه از این آیت و داستان های پیغمبران در قرآن کریم برمیآید رسالت و نبوت از جانب خداوند متعال انتخابی میباشد نه اکتسابی وارثی.

بنابراین ادعای کاذبانه نبوت افترا بستن با خداوند متعال بوده و از دسیسه های کفار و مکذبین انبیا بوده و در عین حال دروغ شمردن به آیات الهی بر اطلاع از چگونه گی انتخاب پیغمبران میباشد و آنانی که بر

<sup>۱</sup> - سوره مائده / ۵.

<sup>۲</sup> - سوره مائده / ۴.

<sup>۳</sup> - سوره حج / ۷۵.



خداوند متعال افترا میندند خداوند متعال ایشان را دروغ گو و ظالم خوانده فرموده است : ( وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ )<sup>۱</sup>.

«چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می بندد ( و فرزند و انباز برای او قرار می دهد و چیزهای ناروای دیگر بدو نسبت می دهد ؟ ) یا دلائل ( دال بر یگانگی خدا و صدق انبیاء ) او را تکذیب می نماید ( و آیات قرآن و معجزات پیغمبران را باور نمی دارد و نادیده می انگارد ؟ ) . مسلماً ستمکاران رستگار نمی شوند .

شنقیطی رحمه الله در تفسیر این آیت میگوید : «نفی نمودن رست گاری بر هلاکت فرد مفتری دلالت میکند و بیانگر آن است که فرد مفتری از اهل دوزخ است .<sup>۲</sup>

و ادعای دروغین نبوت افتراء به خداوند متعال بوده قرآن کریم از چند لحاظ به کفر مدعی دروغین نبوت حکم نموده است .

أ- ادعای نبوت کذب و افتراء بر خداوند متعال است چون مدعی دروغین نبوت فعلی را به خداوند نسبت میدهد که او تعالی اختیار نکرده است چنانچه میفرماید : ( وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ )<sup>۳</sup>.

«چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی بر خدا ببندد ( و بگوید که کتابی بر کسی نازل نشده است . یا این که بگوید : خدا را فرزند و انباز است ) یا این که بگوید : به من وحی شده است ، و بدو اصلاً وحی نشده باشد ، و یا کسی که بگوید : من هم همانند آنچه خدا ( بر محمد ) نازل کرده است خواهم آورد ! اگر ( حال همه ستمگران ، از جمله این ) ستمکاران را ببینی ، در آن هنگام که در شدائد مرگ فرو رفته اند و فرشتگان دستهای خود را ( به سوی آنان ) دراز کرده اند خویشتن را برهانید . این زمان به سبب دروغهائی که بر خدا می بستید و از ( پذیرش ) آیات او سرپیچی می کردید ، عذاب خوارکننده ای می بینید .

این آیت و آیات متعدد دیگر که جزای مفتری بر خداوند متعال را بیان میکند کفر اینگونه افراد را ثابت میسازد و نیز واضح میسازد که هیچ ظلمی فراتر از این ظلم و هیچ دروغی بالاتر از این دروغ نخواهد بود

<sup>۱</sup> - سوره انعام/ ۲۱ .

<sup>۲</sup> - شنقیطی: تفسیر اضواء البیان، ج ۵/ ص ۵۰۷ .

<sup>۳</sup> - سوره انعام/ ۹۳ .

که فردی دروغی را بر خداوند متعال ببندد و مدعی آن شود که خداوند او را به صفت پیغمبر فرستاده است و به وحی نموده است در حالیکه هر دو ادعا کذب محض باشد.

ب: ادعای نبوت تکذیب نص صریح قرآن کریم میباشد/ زیرا که قرآن کریم واضحاً حکم میکند که محمد ص آخری پیغمبر بوده نبی دیگری بعد از ایشان نمیآید.

چنانچه خداوند متعال فرموده است: (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)<sup>۱</sup>.

«محمد پدر (نسبی) هیچ یک از مردان شما (نه زید و نه دیگری) نبوده (تا ازدواج با زینب برای او حرام باشد) و بلکه فرستاده خدا و آخرین پیغمبران است (و رابطه او با شما رابطه نبوت و رهبری است). و خدا از همه چیز آگاه بوده و هست.

آلوسی رحمه الله گفته است «مراد از خاتم بودن رسول الله<sup>۵</sup> انقطاع وصف نبوت در میان انسان ها میباشد یعنی اینکه اوصافی که برای نبوت لازم است دیگر در هیچ کسی به وجود نخواهد آمد و ایشان مهتری است که در پایان این سنت الهی آمده است و دیگر کسی به این شایسته گی آفریده نمیشود.<sup>۲</sup>

(ج) ادعای نبوت تکذیب روایات متواتری است که از رسول الله<sup>۵</sup> در مورد اینکه ایشان خاتم نبوت بوده و بعد از ایشان دیگر پیغمبری نمیآید.

در روایتی به نقل از ابو هریره آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ تَكْثُرُ قَالُوا فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ فُوا بِيَعَةِ الْأَوَّلِ قَالُوا وَآعْظُوهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ»<sup>۳</sup>.

«سیاست مداران بنی اسرائیل پیغمبران شان بودند، هرگاه پیغمبری وفات میکرد به جایش پیغمبر دیگری جانشین میشد، به یقین بعد از من نبی نمیآید، عنقریب مدعیان خلافت زیاد میباشند، اصحاب گفتند: [در چنین حالتی] برای ما چه دستور میدهید! فرمودند: به بیعت اول [ایشان در هر زمان] وفا کنید و حق ایشان را از طاعت و فرمان بردن [برایشان بدهید] والله آنها را در مورد رعیت شان میپرسد که چگونه ب آنها حکم رانی نمودند.

<sup>۱</sup>- سوره احزاب/ ۴۰.

<sup>۲</sup>- آلوسی: تفسیر روح المعانی، ج ۲۲/ص ۳۴.

<sup>۳</sup>- متفق علیه، اخرجہ البخاری، کتاب احادیث الانبیاء، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل ج ۱۱/ص ۲۷۱. و مسلم، باب وجوب الوفاء ببیعة الخلفاء الاول فالاول، ج ۹/ص ۳۷۸.

و در روایتی دیگری از ابوهریره آمده است رسول الله فرمودند: «إن مثلي ومثل الأنبياء من قبلي كمثل رجل بنى بيتا فأحسنه وأجمله إلا موضع لبنة من زاوية فجعل الناس يطوفون به ويعجبون له ويقولون هلا وضعت هذه اللبنة قال فأنا اللبنة وأنا خاتم النبيين»<sup>۱</sup>.

«مثال من و پیغمبران قبل از من مثل مردی است که خانه ی را بنا نماید زیبا و خوبصورت بسازد مگر جای یک خشت را در یک زاویه آن تعمیر باقی بگذارد مردمان دیگر آن خانه را ببینند و تعجب نمایند و بگویند چرا یک خشت را نگذاشته ی و بعدا فرمودند من همان خشت ام و من خاتم پیغمبرانم.

این دو حدیث صراحت دارد که محمد ص خاتم النبیین است و بعد از آن پیغمبری مبعوث نمیشود بنا براین به اجماع تمام امت اسلامی مدعی نبوت کافر میباشد، آلوسی رحمه الله گفته است: «وكونه ه خاتم النبيين ما نطق به الكتاب والسنة واجمعت عليه الامة فيكفر مدعى النبوة ويقتل ان اصر»<sup>۲</sup>.

خاتم النبیین بودن رسول الله ه امری است که کتاب الله و سنت رسول الله بر آن حکم نموده و تمام امت اسلامی بر آن اجماع نموده اند بناء مدعی نبوت را به کفرش حکم میشود، اگر به آن اصرار ورزد کشته میشود.

امام نووی رحمه گفته است: «کسیکه بعد از محمد ه ادعای نبوت کند و کسیکه آن را تصدیق نماید هر دو کافر میشود»<sup>۳</sup>.

هرگاه کفر مدعی نبوت به نص قرآن و سنت ثابت گردید اعمال صالحه آن باطل میشود.

### مطلب سوم-دعا و طلب کردن حاجت از غیر الله:

کلمه "دعا" مصدر، به معنای حاجت خواستن، چنانچه میگویند "دعوت الله فی حاجتی"، خدا را در برآورده ساختن حاجتم خواستم، استعمال این کلمه در حاجت خواستن شامل مفهوم عجز و رغبت نیز میشود، استعمال آن در موردی میشود که فرد عجز و رغبت خود را اظهار نموده حاجت خود را با خداوند متعال در میان بگذارد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - اخرجہ البخاری، کتاب المناقب، باب خاتم النبيين ص، ج ۱۱/ص ۳۶۶.

<sup>۲</sup> - آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۴۱/۲۲.

<sup>۳</sup> - نووی، ط (۱۴۰۵) ه روضة الطالبين وعمدة المفتيين، المكتب الاسلامی بیروت ج ۱۰/ص ۶۴.

<sup>۴</sup> - ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدين، الأنصاري الرويفعي الإفريقي [ت ۷۱۱ هـ]، لسان العرب ۲۰۷/۱۴.

طلب احضار چنانچه در این فرموده خداوند متعال به همین معنا آمده است (يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فُكْهَةٍ  
ءَامِنِينَ)<sup>۱</sup>.

«آنان در آنجا احضار هر میوه‌ای را که بخواهند (با کمال راحت) می طلبند» ای یطلبون من الخدم ان  
يحضروا بكل فاكهة<sup>۲</sup>، الدعاء "ای النداء والطلب" او را به آواز بلند صدا نمود "منه دعوت زيدا" زيد را نزد خود  
خواستیم، (قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا)<sup>۳</sup>.

«یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حياء گام برمیداشت، به پیش او آمد «و گفت: پدرم تو را نزد خود  
میخواهد تا پاداش این که (لطف فرموده گوسفندان) ما را آب داده‌ای، به تو بدهد».

دعا بمعنای "عبادت" (پرستش) (لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا) «جز خداوند متعال کسی دیگری را نمی  
پرستیم»، کلام انشائی که همراه با اظهار خضوع و عاجزی برطلب یک شیئی دلالت کند، سوال نیز نا میوه  
میشود.<sup>۴</sup>

دعا به معنای استفهام همراه با معارضه در این فرموده خداوند متعال (وَأَدْعُوا مَنْ أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)<sup>۵</sup>. شما یک سوره همانند آن را بسازید و ارائه دهید و در این کار هرکسی را که  
می‌خواهید بجز خدا فرا خوانید و به کمک بطلبید، اگر راست می‌گوئید»  
شوکانی، گفته است «ای استعینوا بمن شئتم من اهل هذا اللسان»<sup>۶</sup>. از اهل این زبان هرکسی را که  
می‌خواهید کمک طلب نمائید.

کلمه استغفار که در لغت به معنای طلب آمرزش است در اصطلاح فقهی نیز به معنای دعا استعمال  
میشود، مغفرت به معنای ستر (پوشانیدن) و استغفار عبارت است از طلب معافی و گذشت از گناه از طرف  
خداوند متعال و آمرزش عبارت از عدم مواخذه به گناه می‌باشد.<sup>۷</sup>

۱- سوره دخان/۵۵.

۲- جلال الدین، بن محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم المحلی، الشافعی، ت [۷۹۱هـ] از مآلفاتش قسمت آخری از  
تفسیر جلالین، ص ۶۵۹.

۳- سوره قصص/۲۵.

۴- ابن منظور، لسان العرب، ۲۵۸/۱۴.

۵- سوره یونس/۳۸.

۶- شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله، الشوکانی [ت ۱۱۷۳هـ] فتح القدير، ۴۴۶/۲.

۷- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان اثیر الدین، [ت ۷۴۵هـ]، تحقیق صدیقی محمد  
جمیل، دار الفکر بیروت (۱۴۲۰هـ) قالبحر المحيط فی التفسیر. ۳۰۱ / ۵.

و در مورد اینکه استغفار بمعنای دعا است خداوند متعال فرموده است (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ)<sup>۱</sup>.

«وکسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند، یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشان ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند، و آمرزش گناهانشان را خواستار میشوند»

البته نسبت در میان دعا و استغفار عموم خصوص مطلق است (هر استغفار دعا است و هر دعا استغفار نیست)<sup>۲</sup>.

### تعریف اصطلاحی دعا:

خطابی، گفته است حقیقت دعا درخواست و تقاضای عاجزانه ی بنده از پروردگارش میباشد، که بنده با اظهار اینکه جز خداوند متعال کسی دیگری توان فریاد رسی را ندارد در رفع حوائج، طلب آمرزش، صحت یابی از بیماری با استفاده از جملات دعائیه ی که مشتمل بر معنای ثناء و ستایش و دربر دارنده کلمات دال بر جود و کرم باشد، به درگاه الهی نیایش نماید.<sup>۳</sup>

و استغاثه که به معنای فریاد رسی و کمک طلب نمودن است. و استعانه، که به معنای التجا و کمک خواستن است.<sup>۴</sup> هر دو نیز شامل حکم دعا از غیر الله میباشد.

### معنای دعا در قرآن کریم:

أ- به معنای استغاثه، (فریاد رسی) در این فرموده خداوند متعال (قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَنَا كُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)<sup>۵</sup>.

بگو: به من بگوئید که اگر عذاب خدا شما را فرا گیرد (همان گونه که قبلاً ملت‌های پیشین را فرا گرفته است) یا این که قیامت شما (با فرا رسیدن مرگتان و یا از هم پاشیدن جهان) فراز آید، آیا (برای نجات از عذاب دنیوی یا اخروی) غیر خدا را به یاری می‌طلبید؟ (و اگر بطلبید سودی به شما میرساند و شما را می‌رهاند)؟ اگر شما راستگوئید»

ب- دعا به معنای عبادت در این فرموده خداوند متعال (إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلِكُمْ)<sup>۶</sup>. «بتهایی را که بجز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگان همانند خود شما هستند» (و کاری از آنان ساخته نیست و نمیتوانند فریادرس شما باشند).

۱- سوره آل عمران / ۱۳۵

۲- ابن القيم، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن بن ابی بکر المعروف بابن قیم الجوزية . [ت ۷۵۱هـ] ط، (۱۴۲۰) هـ ق مدارج السالکین ۱ / ۳۰۸ طبع مکتبه السنة المحمدية ، و مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ۳ / ۴۶۰

۳- إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين ۵ / ۲۷ - ۲۸ دار الفكر بیروت .

۴- مصباح المنیر: ص ۲۲۵.

۵- سوره انعام/ ۴۰-۴۱

۶- سوره الأعراف / ۱۹۴

وآیه (وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ)¹. «با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می پرستند» و آیه (رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا)².

«پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است. ما هرگز غیر از او معبودی را نمی پرستیم»

ج - دعا به معنای نداء/ در این فرموده خداوند متعال (يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ)³. (این بازگشت به حیات مجدد) روزی خواهد بود که خدا شما را از گورهایتان (برای گردهم آئی در محشر) فرا میخواند و شما (فرمان او را) با حمد و سپاس پاسخ میگوئید»

### حکم طلب فریاد رسی از غیر خداوند:

دعا و طلب فریاد رسی از انسانی در آنچه که در توان و اختیار او نباشد، و یا پناه بردن به غیر خداوند متعال در وقت ابتلا به شداید طوریکه از توضیح قبلی بر میآید سبب کفر و خروج از ملت اسلامی میگردد، چنانچه خداوند متعال فرموده است: (وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ، وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ)⁴.

«چه کسی گمراه تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی دهند، بلکه سخنانش را هم نمی شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریادخواهندگان غافل و بی خبرند. و زمانی که مردمان (در قیامت) گرد آورده می شوند، چنین پرستش شدگان و به فریاد خواسته شدگانی، دشمنان پرستشگران و به فریاد خواهندگان می گردند (و از ایشان بیزار می جویند) و عبادت ایشان را نفی می کنند و نمی پذیرند.

ابن عاشور رحمه الله گفته است «چه کسی گمراه تر و حالش عجیب تر از حال کسی است که جز خداوند متعال چیزهایی را به فریاد رسی بخواند که فریادش را اجابت کرده نتواند این درجه نهایی گمراهی و ضلالت است»⁵.

و در آیه دیگری فرموده است: (فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ)⁶. «بجز خدا معبودی را به فریاد مخوان و پرستش مکن، که (اگر چنین کنی) از زمره عذاب شوندگان خواهی بود.

۱- سورة الكهف / ۲۸

۲- سورة الكهف / ۱۴

۳- سورة الإسراء / ۵۲

۴- سورة احقاف / ۵-۶

۵- ابن عاشور: التحرير والتنوير، ج ۲۶/ص ۱۱.

۶- سورة شعرا / ۲۱۳.

سعدی رحمه الله گفته است «دعای غیر الله موجب عذاب دائمی و عقاب همیشگی است زیرا این عمل شرک بوده :وکسیکه به خداوند متعال شریک آورد جنتش را بروی حرام میگرداند و جایش در جهنم است.<sup>۱</sup>

و آیات متعددی دیگری هستند که بر خروج شخصی که غیر الله در حوایج شان طلب نمایند و یا به غیر خداوند متعال پناه ببرند از ملت اسلامی حکم نموده است.

از جمله این فرموده خداوند متعال : ( قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ).<sup>۲</sup>

« بگو : به من بگوئید که اگر عذاب خدا شما را فرا گیرد، یا این که قیامت شما ( با فرا رسیدن مرگتان و یا از هم پاشیدن جهان ) فراز آید ، آیا ( برای نجات از عذاب دنیوی یا اخروی ) غیر خدا را به یاری می طلبید ؟ ( و اگر بطلبید سودی به شما می رسانند و شما را می رهانند ؟ ! ) اگر شما راستگوئید ( در این که بتها و انبازها سودی برای شما دارند و پرستش را سزاوارند ؟ ! ) . ( نه ، در وقت رخدادهای بزرگ ، و در هنگامه رستاخیز به کسی جز خدا متوسل نمی شوید و پناه نمی برید و ) بلکه تنها خدا را به یاری می طلبید ، و او اگر خواست آن چیزی را برطرف می سازد که وی را برای رفع آن به فریاد می خوانید ، و ( دیگر آن روز ) چیزهائی را که ( امروز ) شریک خدا می سازید فراموش می نمائید.

و نیز فرموده است : ( فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يَتَوَقَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ).<sup>۳</sup>

« آخر چه کسی ستمکارتر از کسانی است که بر خدا دروغ می بندند یا این که آیات او را تکذیب می نمایند ؟ نصیب مقدرشان بدیشان می رسد ( و در جهان روزگار معین خود را بسر می برند و روزی مشخص خویش را می خورند ) تا آن گاه که فرستادگان ما ( یعنی فرشتگان قبض ارواح ) به سراغشان می آیند تا جانشان را بگیرند . ( بدین هنگام بدیشان ) می گویند : معبودهائی که جز خدا می پرستیدید کجایند ؟ ( بدیشان بگوئید بیایند و شما را از چنگال مرگ برابند ! ) . می گویند : از ما نهان و ناپیدا شده اند و به ترک ما گفته اند ( و امید نفع و خیری بدانان نداریم . در اینجا است که ) آنان علیه خود گواهی می دهند و اعتراف می کنند که کافر بوده اند .

<sup>۱</sup> - تفسیر السعدی : ج ۲/ص ۲۳۵ .

<sup>۲</sup> - سوره انعام/ ۴۰-۴۱ .

<sup>۳</sup> - سوره اعراف/ ۳۷ .

در آیه اول دعای غیر الله را شرک و در آیه دومی کفر خوانده شده است لذا کسانی که مرتکب چنین فعلی شوند عمل صالحی که قبلاً انجام داده اند باطل میشود اگر بر همین حالت فوت نمایند طوری که از آیات قبلی بر میآید جای شان آتش جهنم است.

ابن قیم رحمه الله گفته است: دعای غیر الله شرک اکبر بوده و از ملت اسلامی خارج میسازد و از جمله دعای غیر الله طلب حاجت از مرده ها و کمک خواستن از آنها هست این نوع شرک از قدیم تا حال مروج بوده در حالیکه میت عملش قطع شده و او مالک نفع و ضرر به خودش نیست چه رسد به اینکه مالک نفع و دفع ضرر از غیرش باشد.<sup>۱</sup>

### مطلب چهارم - تهمت و دروغ بستن با خداوند متعال:

کذب (دروغ) عبارت است از خبر دادن از یک شیئی به خلاف آنچه که واقعیت باشد برابر است فرد دروغ گو دروغ بودن خبرش را بداند یا نداند، اگر از دروغ بود خبرش بداند به آن زور و تهمت گفته میشود، و اگر نه دانسته باشد کذب است.<sup>۲</sup>

طوری که از آیات قرآن کریم دانسته میشود کذب شامل دو معنا میباشد:

اول: اینکه مسلمانی سخن خلاف واقع را بگوید که به امور دینی ارتباط نداشته باشد مثل اینکه شخصی بگوید چنین واقعه ی صورت گرفته است در حالیکه واقعیت نباشد و یا بگوید که فلان شخص چنین گفته است و او نگفته باشد و یا شخص از خود سخن خلاف واقع را بگوید.

و دلیل آن این فرموده خداوند متعال است: ( وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ، وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دَبْرِ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ).<sup>۳</sup>

«در این وقت (حاضری از (حاضران) اهل (خانه آن) زن گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می گوید و یوسف از زمره دروغگویان خواهد بود. و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می گوید و یوسف از زمره راستگویان خواهد بود.

و آیه (انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ).<sup>۴</sup> «بنگر که چگونه با خویشتن نیز دروغ می گویند، و نشانی از شرکاء و انبازانی نماند که آنان به هم می یافتند.

۱- ابن جوزی: مدارج السالکین، ۱/ص ۳۱۲.

۲- نووی، الانکار، ص ۳۹۷.

۳- سوره یوسف/۲۶-۲۷.

۴- سوره انعام/۲۴.



دوم: اینکه فرد مسلمانی به صورت مباشر سخن خلاف واقعی را بگوید که به دین متعلق باشد به اینصورت که به خداوند متعال و رسول الله ص در امر دینی دروغ ببندد و یا سخن واقعی خداوند و پیغمبرش را تکذیب نماید، چنانچه که خداوند متعال فرموده است: (وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ، مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ، وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ )<sup>۱</sup>.

«و در میان آنان کسانی هستند که به هنگام خواندن کتاب ( خدا ) زبان خود را می پیچند و آن را دگرگون می کنند تا شما گمان برید ( آنچه را که می خوانند ) از کتاب ( خدا ) است ! در حالی که از کتاب ( خدا ) نیست . و می گویند که : آن از نزد خدا ( نازل شده ) است و با این که از سوی خدا نیامده است و به خدا دروغ می بندند و حال آن که می دانند ( که دروغ می گویند ) . هیچ کسی ( از پیغمبران ( را نسزد که خدا بدو کتاب و حکمت و نبوت بخشد ، آن گاه او به مردمان بگوید : به جای خدا ، بندگان ( و پرستش کنندگان ) من باشید . بلکه ( به مردمان این چنین می گوید که : ) با کتابی که آموخته اید و یاد داده اید و درسی که خوانده اید ، مردمانی خدائی باشید ( و جز او را بندگی نکنید و نپرستید ) . و ( هیچ کسی از پیغمبران ) به شما فرمان نمی دهد که فرشتگان و پیغمبران را به پروردگاری خود گیرید . مگر ( معقول است که ) شما را به کفر فرمان دهد ، بعد از آن که ( مخلصانه رو به خدا کرده اید و ) مسلمان شده اید ؟ !

و مورد بحث نوع دوم (کذب به معنای دوم هست ) به اینصورت که فرد مسلمانی سخن دروغی را در امور دین بگوید و این فعل به اجماع تمام امت اسلامی حرام میباشد.

### حکم دروغ بستن به خداوند متعال:

امام نووی گفته است: «نصوص متعدد از قرآن و سنت به تحریم کذب اِبه ویژه دروغ بستن به خداوند و رسولش [وارد شده است این عمل از بدترین گناها، و فحش ترین عیب ها میباشد به دلیل نصوص وارده در آن مورد تمامی امت اسلامی به قباحت و تحریم آن اجماع نموده اند.<sup>۲</sup> این نوع کذب با دلایلی از قرآن و سنت عمل صالح را باطل میسازد:

<sup>۱</sup>- سوره آل عمران/۷۸-۷۹-۸۰.

<sup>۲</sup>- نووی: الاذکار، ص ۳۹۵.

۱- خداوند متعال فرموده است: (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)<sup>۱</sup>.

«کسانی که آیات ( کتاب خواندنی آسمانی و دیدنی جهانی ) ما را تکذیب دارند و به ملاقات ( خدا در قیامت و به زنده شدن بعد از مرگ و حساب و کتاب ) آخرت ایمان نمی آورند ، اعمال ( نیکی که انجام داده اند برباد می رود و باطل و ) بیهوده می شود . مگر چنین کسانی جز در برابر کارهایی که کرده اند ( و معاصی و کفری که ورزیده اند ) پاداش داده می شوند ؟

۲- و نیز فرموده است (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)<sup>۲</sup>.  
«و کسانی که آیات مرا تکذیب کنند و از ( پیروی آیات و دریافت رهنمود از ) آنها ، خویشان را فراتر گیرند و سرپیچی کنند ، آنان دوزخیانند و جاودانه در آن می مانند .

۳- و در آیه دیگری آمده است: ( إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ)<sup>۳</sup>.

«بیگمان کسانی که آیات ( کتابهای آسمانی و نشانه های گسترده جهانی ) ما را تکذیب می کنند و خویشان را بالاتر از آن می دانند که بدانها گردن نهند ، درهای آسمان بر روی آنان باز نمی گردد ( و خودشان بی ارج و اعمالشان بی ارزش می ماند ) و به بهشت وارد نمی شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد ( که به هیچ وجه امکان ندارد ، و لذا ایشان هرگز به بهشت داخل نمی گردند ) . این چنین ما گناهکاران را جزا و سزا می دهیم .

در آیه اول بطلان عمل ، و در آیه دوم خلود در جهنم ، و در آیه سوم منع از دخول جنت با تمثیل نا ممکن بیان شده است.

۳- رسول الله <sup>۵</sup> در مورد نسبت کذب بر قرآن کریم فرموده است: « مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ »<sup>۴</sup>.

«کسیکه در مورد قرآن بدون علم چیزی بگوید باید جایش را از آتش جهنم انتخاب نماید.

۱- سوره اعراف / ۱۴۸ .

۲- سوره اعراف / ۳۶ .

۳- سوره اعراف / ۴۰ .

۴- اخرجہ الترمذی : کتاب التفسیر ، باب ماجاء فی الذی یفسر القرآن برأیه ، ج ۱۰ / ۲۰۶ . وقال هذا حدیث حسن صحیح .

و در مورد نسبت نمودن دروغ به خود شان فرمودند: «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup>.  
«کسیکه عمدتاً بر من دروغی را نسبت دهد باید جایش را از آتش جهنم انتخاب نماید.»

### مبحث پنجم

#### انواع محببات قولی که سبب خروج اسلام نمیگردد

در این مبحث اقوالی بررسی میشوند که عمل صالح شخص را باطل میسازد اما از اسلام خارج نمی کند این مبحث با بیان محببات قولی عمل صالح که سبب کفر نمیشوند شامل چهار مطلب میشود.

#### مطلب اول - تهمت زدن بر زنان پاک دامن:

کلمه قذف در لغت از (قذف الحجاره) به معنای انداختن سنگریزه است و در نسبت نمودن مکاره استعمال شده است زیرا در هر یک معنای اذیت رساندن به دیگران متصور است، یا قذف به معنای متهم نمودن زن شوهر دار استعمال میشود.<sup>۲</sup>

قذف به معنای پرتاب کردن چیزی به یک نقطه دور دست چنانچه در مورد قضیه و داستانی طفولیت موسی علیه السلام و راهنمایی مادرش برای نجات آن قرآن کریم چنین حکایت میکند: ( پ پ پ پ پ پ پ ن ذ ذ ن ت ت ت ن ط ط )<sup>۳</sup>

به مادر موسی وحی نمودیم اینکه او را در صندوقی با انداز و سپس آنرا به نقطه دور دریا پرتاب کن باید دریا او را به ساحل اندازد او را دشمن من و دشمن او (فرعون) بگیرد.

در این آیه کریمه ماده قذف دو بار استعمال شده است بار اول به معنای مطلق رمی (انداختن) است و بار دوم به معنای انداختن از یک جهت به جهت دیگر میباشد.

#### تعریف اصطلاحی قذف:

ابن جزئی در قوانین فقهیه قذف را اینگونه تعریف نموده است: «هو الرمی بوطء حرام من قبل او دبر او نفی من النسب للاب او هو الرمی بالزنا او اللواط»<sup>۴</sup> قذف عبارت است از نسبت نمودن به مجامعت

<sup>۱</sup>- متفق علیه، اخرجہ البخاری کتاب الایمان، باب اثم من کذب علی النبی ص ج ۱/ص ۱۸۶. ومسلم باب تغلیظ الکذب علی رسول الله ص ج ۱/ص ۱۲.

مختار الصحاح، ص. ۵۲۶ و لسان العرب لابن منظور ماده قذف<sup>۲</sup>  
طه: ۳۹۳

ابن جزئی، القوانين الفقهية، ص. ۳۴۲ و کشاف القناع للبهوتی، ج. ۶. ص. ۱۰۴ و فقه المیسر، ج. ۷. ص. ۱۳۷<sup>۴</sup>



«آنانیکه زنان پاک دامن را تهمت میبندند و به ثبوت آن چهار شاهد نمیآورند آنها را هشتاد دُرّه بزیند و برای همیشه شهادت شانرا نپذیرید و آنها فاسقان اند.

**سبب وجوب حد قذف:** کسی مسلمانی را تهمت به زنا نماید بالای او حد قذف تطبیق میگردد، زیرا او مسلمانی را به زناکاری منسوب نموده است که نسبت آن به یک مسلمان تعرض به حیثیت انسانی و دینی او و منفور ثابت کردن او در اجتماع است بناءً شریعت اسلامی این عمل را جرم تلقی نموده و به غرض بر گشتاندن حیثیت و عزت او بالای قاذف مجازات مقرر نموده است.<sup>۱</sup>

**مقدار حد قذف:** مطابق نص قرآنی برای قاذف (تهمت کننده) سه نوع مجازات تعیین شده است:

الف- مجازات جسمی که تطبیق هشتاد دُرّه است؛ ( گ گ گ )

ب- مجازات ادبی (هدر ساختن حیثیت انسانی او به عدم قبول شهادت.) ( گ گ گ گ )

ج- شناختن او به حیث فاسق و انسان بدکار؛ ( گ گ )

### آثار مرتب بر قذف :

قذف عمل تهمت زننده را باطل میسازد و یا پاداش عمل او را به فرد مقذوف منتقل میسازد و یا حسنات تهمت زننده را به مقذوف انتقال میدهد اگر او حسنات چندانی نداشته باشد سیأت مقذوف به او انتقال میکند تا اینکه انتقام و دلیل آن این روایتی ابوهریره<sup>۱</sup> است او میگوید رسول الله<sup>۵</sup> در پاسخ سؤال عده ی از اصحاب شان فرمودند: «أَتَذْرُونَ مِنَ الْمُفْلِسِ؟» " قَالُوا: الْمُفْلِسُ مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ، فَقَالَ: " إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضْرَبَ هَذَا فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ «.<sup>۲</sup>

«آیا میدانید که مفلس کیست؟ گفتند: مفلس کسی است که درهم و چیزی نداشته باشد! فرمودند مفلس امت من کسی است که در روز قیامت با نماز، روزه و زکاتش میآید درحالیکه یکی را دشنام داده است و دیگری را تهمت بسته است و مال دیگری را خورده است و خون کسی دیگری ریخته است و دیگری را لتکوب نموده است، پس از حسناتش به این و آن داده میشود، اگر حسناتش قبل از آنچه که از حقوق مردم بالای او است تمام شد خطایی های آنها بالای او حمل میشود سپس در جهنم انداخته میشود.

حدیث دلیل است بر اینکه قذف با وصف آنکه گناه کبیره هست از جمع گناهان متعلق به حق العبد میباشد گناه حق العبد اگر در دنیا از طرف صاحب حق بخشیده نشود در قیامت صاحب حق میتواند به

<sup>۱</sup>-کاسانی، البدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج، ۷، ص ۴۱

<sup>۲</sup>- اخرجہ مسلم، کتاب البر والصلوة، باب تحریم الظلم، ج ۱۲/ ص ۴۵۹.

هر وسیله‌ی ولو با عوض پرداختن حسنات کسی که در دنیا درحقیقت ظلم نموده است انتقام خود را بگیرد.

### مطلب دوم - غیبت:

غیبت اخلاق ذمیمه‌ی هست که شریعت از آن نهی نموده و عقل سلیم آنرا نمیپزیرد و از امراض خطرناک اجتماعی به شمار میرود که آثار بد آن فرد و جامعه متضرر میسازد.

تعریف غیبت:

غیبت از اغتیاب به معنای عیب جویی "غابه اذا غابه" و عیب جویی تذکر چیزی که شخص از تذکر آن بدش بیاید.<sup>۱</sup>

و در اصطلاح در روایتی به نقل از ابو هریره<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> از اصحاب پرسیدند: «أَتَذُرُونَ مَا الْغَيْبَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَيْبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ»<sup>۲</sup>. «آیا میدانید غیبت چیست؟ گفتند: خداوند و رسولش عالمتر است فرمودند: یاد نمودن برادرت به آنچه که نپسندد، گفته شد نظرتان چیست اگر آنچه که بگویم در برادرم وجود داشته باشد؟ فرمودند: اگر آنچه میگوی در آن موجود باشد او را غیبت کرده‌ی و اگر در او نباشد تهمت بسته‌ی.

غیبت مطابق همین تعریف منحصر به زبان نبوده بلکه با تمام جوارح انجام شده میتواند به هر طریقه‌ی که افهام صورت بگیرد اگر به تعریض هم باشد غیبت شمرده میشود مثل افعال، اشارات و خط و کتابت و سایر حرکات توهین آمیز و مسخره کننده و تمثیل های نمایشی غیبت میباشد.<sup>۳</sup>

**دلایل حرمت غیبت:** غیبت با دلایلی از قرآن کریم سنت نبوی حرام میباشد :

۱- دلیل حرمت غیبت از قرآن کریم: این فرموده خداوند متعال است: (وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ)<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup>- لسان العرب، ج ۱۰/ص ۱۲۵ و قاموس المحيط ج ۱/ص ۱۱۶.

<sup>۲</sup>- اخرجہ مسلم: کتاب البر والصله، باب تخريم الغيبه، ج ۱۲/ص ۴۷۶.

<sup>۳</sup>- سعيد بن علي الفهطاني، (ب ت) آفات اللسان في ضوء الكتاب والسنة، طبع مكتبة ابي بكر الصديق القاهرة ص ۱۲.

<sup>۴</sup>- سورة حجرات/ ۱۲.

«و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از خدا پروا کنید، بی گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.

امام شوکانی در تفسیر این آیت گفته است «خداوند متعال غیبت به خوردن گوشت انسان مرده تمثیل نموده است، وجه مناسبت در این است طوریکه که میت از خوردن گوشتش نمیداند شخص غیبت شده از غیبت غیبت کننده نمیداند... و همچنان در این تمثیل اشاره به آن است آبروی انسان مثل گوشت آن است چنانکه خوردن گوشت انسان حرام است غیبت او نیز حرام میباشد.<sup>۱</sup>

۲- دلیل حرمت غیبت از سنت: روایاتی زیادی در مورد حرمت غیبت وارد شده است از جمله رسول الله ۵ در خطبه حجة الوداع فرمودند: « **فإن دماءكم وأموالكم وأعراضكم بينكم حرام كحرمة يومكم هذا في شهركم هذا في بلدكم هذا ليلغ الشاهد الغائب**». <sup>۲</sup>

«ریختن خونهایتان و خوردن مال هایتان، و ریختن آبرویتان در میانتان چون حرمت این روزتان در این مهتان و در این شهرتان بر شما حرام است خبر دار [این گفته هایم را] حاضرین به غائبین برسانند. باعث عوامل غیبت/ امورات ذیل میتواند از اسباب و عوامل غیبت باشد که هر کدام گناه جداگانه ی نیز میباشد:

- ۱- تسکین خشم و غضب بالای کسی زیرا فردی که بالای فرد دیگری خشمگین بود یکی از راهای تسکین خشمش بدگویی او میباشد.
- ۲- موافقت همنشین ها و دوستان بد و مسخره.
- ۳- تصنع، خود نمایی و غرور نفسی.
- ۴- حسد، بغض، ضعف قلبی و عدم برداشت توصیف از دیگران.
- ۵- سرگرمی و گزشتاندن وقت به خوش طبعی و خنده.

### آثار مرتبه بر غیبت :

- ۱- غیبت منافی ایمان کامل میباشد / در روایتی از ابن عمر ب آمده است رسول الله ۵ فرمودند: « **يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفِضِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تُؤَدُّوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تُعَيِّرُوهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ** ». <sup>۳</sup>

۱- شوکانی، فتح القدیر، ج ۵/ص ۶۵. و جامع البیان از طبری ج ۲۶/ص ۱۷۶.

۲- اخرجہ البخاری، کتاب العلم، باب لیبلغ العلم... ج ۱/ص ۱۸۳.

۳- اخرجہ الترمذی، کتاب البر والصلة، باب فی تعظیم المؤمن، ج ۷/ص ۳۳۷.

«ای جماعه ی که به زبانشان ایمان آوردند، وایمان به قلب شان نرسیده است، مسلمانان را اذیت نکنید و آنها را عیب نگیرید و راز هایشان را تعقیب نکنید، زیرا کسیکه راز های پوشیده براد مسلمانش را در پی کند، خداوند راز های او پیگیری مینماید، کسیکه خداوند راز های او را پیگیری نماید او را رسوا میسازد. غیبت تمام این موارد را شامل میشود که باعث اذیت مسلمان میگردد.

۲- غیبت عمل غیبت کننده را باطل میسازد/، زیرا غیبت تعرض به حیثیت انسانی فرد غیبت شده بوده واز گناهان متعلق به حق العبد میباشد که جز معزرت خواهی و معافی از طرف فرد غیبت شده بخشیده نمیشود وطوریکه در حدیث قذف ذکر شده در روز قیامت حسنات غیبت کننده به شخص غیبت شده داده میشود.

درروایتی به نقل از ابوهریره<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «رُبَّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ ، وَرُبَّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهْرُ.»<sup>۱</sup>

«بسا روزه دارانی اند که نصیب شان از روزه جز گرسنه گی و تشنگی چیزی نمیباشد و بسا قیام کننده گان در شب هستند که نصیب شان از قیام شب جز شب بیداری چیزی دیگری نمیباشد.

اینها کسانی اند که با دهن روزه دار دروغ میگویند و غیبت میکنند که غیبت ثواب روزه اش را از بین میبرد.<sup>۲</sup>

### مطلب سوم - سخن چینی:

سخن چینی از امراض نفسانی است که آثار بدی را در مجتمع اسلامی از قبیل تخریب خانواده ها، جدایی در میان دوست ها، و قطع سله رحمی را به بار میآورد.

### تعریف سخن چینی:

۱- أخرجه ابن ماجه (۵۳۹/۱ ، رقم ۱۶۹۰) ، قال البوصیری (۶۹/۲) : هذا إسناد صحيح رجاله ثقات جامع الكبير للسيوطی ، ج ۱/ص ۱۲۷۸۷.

۲- ابن حجر الهیثمی، ط (۱۴۱۷) هـ الزواجر عن اقتراف الكبائر، مكتبة النزار مصطفى الباز ، مكة المكرمة ج ۲۰/ص ۵۶۳.



سخن چینی که در عربی به آن "نمیمه" گفته میشود و نمیمه بردن سخن از یک شخص به شخص دیگر به غرض برهم زدن روابط و ایجاد فساد در میان دو شخص را میگویند و یا نمیمه زینت دادن سخن با دروغ را گفته شده است.<sup>۱</sup>

و در اصطلاح: نمیمه (سخن چینی) نقل قول یکی به دیگری به صد ایجاد تفرقه و بر هم زدن رابطه دوستی در میان آن دو میباشد.<sup>۲</sup>

**دلایل حرمت سخن چینی از قرآن و سنت:**

**دلیل حرمت از قرآن کریم:**

۱- خداوند متعال فرموده است: (وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ، هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ).<sup>۳</sup> «از فرومایه ای که بسیار سوگند می خورد، پیروی مکن. بسیار عیبجوئی که دائماً سخن چینی می کند.

به اتفاق همه ی مفسرین مراد از "مشاء بنمیم" همان سخن چین هست که هدفش تحقیر و بر پا ساختن فساد است از همین سبب خداوند متعال از اطاعت این انسان دروغ گو و پست نهی نموده است.<sup>۴</sup>

۲- و در آیه دیگری فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُّوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ).<sup>۵</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی - بدون آگاهی (از حال و احوالشان و شناخت راستین ایشان -) آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

درین آیت سخن چین را فاسق خوانده شده و از مؤمنان خواسته شده است که گفته های اینگونه افراد را تحقیق نمایند،

**دلیل حرمت سخن چینی از سنت:**

رسول الله صلی الله علیه وسلم در احادیث متعددی سخن چینی را مذمت نموده و آن را گناه کبیره خوانده اند که سبب دخول جهنم میشود.

۱- در روایتی به نقل از حذیفه بن یمان رض آمده است او میگوید که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است که میگفتند: «لا یدخل الجنة نام». <sup>۶</sup> «سخن چین داخل جنت نمیشود.

۱- لسان العرب، ج ۱۴/ص ۲۹۵. ومصباح المنیر، ج ۲/ص ۲۹۸.

۲- تفسیر السعدی، ج ۲/ص ۹۰۹.

۳- سوره قلم/۱۰-۱۱.

۴- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۸/۲۲۲.

۵- سوره حجرات/۶.

۶- اخرجہ مسلم کتاب الایمان، ج ۲/ص ۲۸۶.

و در روایتی از ابن عباس<sup>۱</sup> آمده است او میگوید که رسول الله<sup>۵</sup> به دو قبری که تازه دفن شده بودند گزر نمودند فرمودند: «أَمَّا إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ قَالَ فَدَعَا بِعَسِيبٍ رَطْبٍ فَشَقَّهُ بِأَثْنَيْنِ ثُمَّ غَرَسَ عَلَى هَذَا وَاحِدًا وَعَلَى هَذَا وَاحِدًا ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسَأ»<sup>۱</sup>.

« این دو عذاب میشود و به کناه کبیره ی عذاب نمیشوند، [سپس فرمودند] اما یکی از اینها پشت سخن چینی میگشت و دیگرش، از پیشابش احتیاط نمیکرد، ابن عباس<sup>۱</sup> میگوید رسول الله<sup>۵</sup> یک شاخه تری را درخواست نمودند و از میان دو تقسیم کردند سپس یکی را بر یک قبر و دیگرش را بر قبر دومی غرس نمودند و فرمودند شاید تا زمان خشک شدن آن شاخه ها در عذاب شان تخفیف بیاید.

ابن حجر رحمه الله گفته است این قول رسول الله<sup>۵</sup> «بلی» به معنای آن است تأیید نمودند که «بلی انه کبیر» بناء این حدیث دلیل است به اینکه سخن چینی گناه کبیره است.<sup>۲</sup>

### اثر گذاری سخن چینی در "حبط" عمل:

در روایتی از ابو هریره<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> به اصحاب گفتند: « أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ»<sup>۳</sup>.

« آیا شما را به چیزی بهتر از درجه روزه، نماز و صدقه خبر ندهم! گفتند: بلی خبر ای رسول خدا فرمودند: آن اصلاح ذات البین است و فساد ذات البین تراشنده است.

### مطلب چهارم - منت گذاشتن بعد از تعاون و همکاری:

منت به معنای ذکر نعمت و احسان بعد از تعاون و همکاری به اینصورت که شخص تعاون کننده بگوید تو همان کسی هستی که من برایت احسان نمودم.<sup>۴</sup>

تعاون و همکاری به همدیگر یک عمل خیر بوده و دارای اجر و پاداش بزرگ میباشد که منت گذاشتن ثواب و پاداش این عمل را از بین برده و باعث نا رضایتی خداوند متعال شده و منت کننده به عذاب بزرگ دچار میگردد، در روایتی به نقل از ابو ذر<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

<sup>۱</sup> - متفق علیه، اخرجہ البخاری کتاب الوضوء، باب من الکبائر ان لایستتر من بولہ، ج ۱/ص ۳۶۱ و مسلم، کتاب الوضوء، باب الدلیل علی نجاسة البول .. ج ۲/ص ۱۴۷.

<sup>۲</sup> - فتح الباری، ج ۱/ص ۳۹۷.

<sup>۳</sup> - اخرجہ ابو داود، کتاب الادب، باب فی اصلاح ذات البین، ج ۱۳/۷۷. وصححه الالبانی، صحیح سنن ابو داود ج ۵، ۶/۱.

<sup>۴</sup> - تفسیر ابی سعود ج ۱/ص ۲۵۸.

وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قُلْنَا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدُ خَابُوا وَخَسِرُوا فَقَالَ الْمَنَّانُ وَالْمُسْبِلُ  
إِزَارَهُ وَالْمَنْفِقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ»<sup>۱</sup>

«سه طبقه اشخاصی اند که خداوند متعال در روز قیامت به طرف آنها به نظر رحمت نمی بیند، و آنها را از گناه پاک نمی سازد، و برایشان عذاب در آوری می باشد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا اینها کیها اند که نامراد و تباه شدند؟ فرمودند: کسیکه منت می گذارد و کسیکه تمبان خود را از کبر به زمین میکشد و کسیکه اموال تجاری اش را به قسم دروغ می فروشد.

قرآن کریم به سه مرحله از منت گذاشتن منت نهی نموده است :

**مرحله اول - با بیان اجر و پاداش صدقه بدون منت و اذیت رسانی:** در این فرموده خداوند متعال :  
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ  
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۲</sup>

«کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می کنند و به دنبال آن منتی نمی گذارند و آزاری نمی رسانند ، پاداششان نزد پروردگارشان است ( و اندازه اجرشان را کسی جز خدا نمی داند ) ، و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین خواهند شد .

از آیت بر می آید که انفاق فی سبیل الله که در تعقیب آن منت و اذیت رسانی نباشد دارای اجر و پاداش بزرگ می باشد، از مفهوم مخالف آن بر می آید انفاق کننده ی که منت نماید و اذیب رساند خود را از این ثواب محروم می سازد.<sup>۳</sup>

**مرحله دوم - با بیان مقارنه در میان تعاون با منت و سخن نیکو:** در این فرموده خداوند متعال: (قَوْلٌ  
مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ)<sup>۴</sup>

«گفتار نیک و گذشت ، بهتر از بذل و بخششی است که اذیت و آزاری به دنبال داشته باشد . و خداوند بی نیاز و بردبار است .

۱- اخراجه الترمذی، کتاب البیوع ، باب ماجاء فیمن یحلف علی سلعة کاذبا، ج ۴/ص ۴۷۴. قَالَ أَبُو عِيسَى حَدِيثُ أَبِي ذَرٍّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۲- سوره بقره/۲۶۲.

۳- شنیطی، اضواء البیان ج ۱/ص ۱۷۸.

۴- سوره بقره/۲۶۳.

سخن نیک گفتن و طلب آمرزش نمودن به فرد محتاج از تعاون مالی که در تعقیب آن اذیت رسانی باشد بهتر است.<sup>۱</sup>

**مرحله سوم - منت گذاشتن عمل را باطل میسازد:** در این فرموده خداوند متعال : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ )<sup>۲</sup>. «ای کسانی که ایمان آورده اید! بذل و بخششهای خود را با منت و آزار، پوچ و تباه نسازید، همانند کسی که دارائی خود را برای نمودن به مردم، ریاکارانه صرف می کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارد. مثل چنین کسی همچون مثل قطعه سنگ صاف و لغزنده ای است که بر آن (قشری از) خاک باشد (و بذرافشانی شود)، و باران شدیدی بر آن ببارد (و همه خاکها و بذرها را فرو شوید) و آن را به صورت سنگی صاف (و خالی از هر چیز) بر جای گذارد. (چنین ریاکارانی) از کاری که انجام داده اند سود و بهره ای بر نمی گیرند، و خداوند گروه کفرپیشه را (به سوی خیر و صلاح) رهنمود نمی نماید.

### مبحث ششم

#### انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام میگردد

مسلمانا شرک گاهی به اقوال بوده و عمدتاً به افعال تعلق میداشته باشد که با اعمال ظاهری توسط ارکان وجوارح انجام میشود، مثل سجده، ذبح، نذر غیر الله و غیره.. در این مبحث برخی اعمال شرکی مورد بررسی میگیرند که عاملش را از اسلام خارج ساخته و اعمال صالحش را از بین میبرد و آن موارد شرکی در مطالب ذیل قابل بحث میباشد:

#### مطلب اول - شرک در عبادت:

خداوند متعال انسانها را آفریده است تا اینکه از او تعالی طاعت و بندگی کنند و هیچ چیزی و هیچ کسی را به او تعالی شریک نسازند و به همین مقصد پیغمبران را فرستاده و کتاب های آسمانی را نازل کرده است و توحید و یکتا پرستی هدف اصلی ادیان سماوی میباشد و قرآن کریم این اهداف را در سوره ها و آیات متعددی بیان نموده است چنانکه خداوند متعال به صورت عام مقصد بعثت همه پیغمبران را دعوت به یکتا پرستی خوانده فرموده است: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ).<sup>۳</sup>

۱- طبری، الجامع البیان، ج ۳/ص ۸۹.

۲- سوره بقره/۲۶۴.

۳- سوره نحل/۳۶.

«ما به میان هر ملت پیغمبری را فرستاده ایم ( و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است ) که خدا را بپرستید و از طاغوت ( شیطان ، بتان ، ستمگران ، و غیره ) دوری کنید .

در حدیثی رسول الله <sup>۵</sup> از شرک در عبادت چنین تعریف نموده اند، ابن مسعود میگوید گفتیم یا رسول الله کدام یک از گناهان بزرگتر اند؟ فرمودند: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ»<sup>۱</sup>. "اینکه برخداوند شریکی مقرر نمایی در حالیکه تو را آفریده است.

### مظاهر شرک در عبادت:

موارد ظهور شرک در عبادت خیلی ها متعدد است میتوان به صورت نمونه از موارد ذیل نامبرد :

**مظهر اول :** رکوع و سجده برای غیر الله / رکوع و سجده که در آن معنای عجز تذلل فرمان بردن و محبت است ، از انواع مهم عبادت بوده که خاص برای خداوند متعال میباشد چنانکه خداوند متعال جهت تأکید بر خاص بودن سجده به او تعالی فرموده است: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ)<sup>۲</sup>.

«آیا ندیده ای و ندانسته ای که تمام کسانی که در آسمانها بوده و همه کسانی که در زمین هستند ، و خورشید و ماه و ستاره ها و کوهها و درختان و جانوران و بسیاری از مردمان ، برای خدا سجده می برند . خداوند متعال از تمام موجودات آسمان ها و زمین به صورت عام نامبرده است که تنها به خداوند سجده میکنند وقتیکه از انسانها نام میبرد میفرماید که " بسیاری انسانها اند که با خداوند سجده " میکنند اشاره به آن است که جمع کثیری از انسانها به غیر خداوند سجده میکنند.

درمورد اینکه رکوع و سجده عبادت خاص برای خداوند متعال میباشد فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)<sup>۳</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! ( برای آفریدگار خویش ) رکوع ( و کرنش برید ، ) و سجده کنید ( و به خاک افتید ، ) و پروردگار خود را پرستش نمائید و کارهای نیک انجام دهید ، تا این که رستگار شوید .

**مظهر دوم :** حلال نمودن حیوان به غیر الله / ذبح به نیت تقرب از عبادات مخصوص خداوند متعال میباشد ، خداوند متعال فرموده است : (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> - متفق علیه ، اخرجہ البخاری ، کتاب الادب ، باب قول الله فلا تجعلوا لله اندادا: ج ۱۳ / ۳۹۴ . و مسلم کتاب الايمان ، باب كون الشرك اقبح الذنوب .. ج ۱ / ص ۲۳۸ .

<sup>۲</sup> - سوره حج / ۱۸ .

<sup>۳</sup> - سوره حج / ۷۷ .

<sup>۴</sup> - سوره انعام / ۱۶۲ .

«بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است ( و این است که تنها خدا را پرستش می کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می کوشم و در این راه می میرم ، تا حیاتم ذخیره ممامت شود ) .

آنانی که این تقرب را به غیر خداوند نمایند شرک شمرده میشود چنانچه خداوند متعال فرموده است : ( حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ )<sup>۱</sup>.

«ای مؤمنان ! ) بر شما حرام است ( خوردن گوشت ) مردار ، خون ( جاری ) ، گوشت خوک ، حیواناتی که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شود و به نام دیگران سر بریده شود ، حیواناتی که خفه شده اند ، حیواناتی که با شکنجه و کتک کشته شده اند ، آنهایی که از بلندی پرت شده و مرده اند ، آنهایی که بر اثر شاخ زدن حیوانات دیگر مرده اند ، حیواناتی که درندگان از بدن آنها چیزی خورده و بدان سبب مرده اند ، مگر این که ( قبل از مرگ بدانها رسیده و ) آنها را سر بریده باشید ، حیواناتی که برای نزدیکی به بتان قربانی شده اند ،

امام نووی گفته است : ذبح نمودن حیوان به نام معبود به منزله سجده به آن است و هر یک از آن ها نوع تعظیم به شمار میرود و مستحق عبادت فقط خداوند متعال میباشد کسیکه حیوانی را به نام غیر خداوند ذبح نماید مذبوحه اش حلال نبوده و این فعلش مثل سجده به غیر الله بوده و کفر میباشد.<sup>۲</sup>

وابن قیم رحمه الله ضمن شرح معنای شرک در عبادت گفته است « شرک در عبادت از هر نوع که باشد ثواب عمل را باطل میسازد.<sup>۳</sup>

ابن نجیم حنفی رحمه الله گفته است «سجده کردن به غیر الله به نیت عبادت کفر میباشد.<sup>۴</sup>

قاضی عیاض رحمه الله گفته است : تمام علماء به کفر کسیکه فعلی را در امر عبادت انجام دهد که جز از کافر از کسی دیگری صادر نشود اتفاق نظر دارند اگرچه عاملش ادعای ایمان را داشته باشد مثل فعل سجده به بت ها ، به آفتاب و مهتاب ، آتش ، قبر ، صلیب و غیره .<sup>۵</sup> هر گاه چنین عملی از مسلمانی سرزد شود تمامی اعمال صالحه او باطل میگردد.

۱- سوره مائده/۳

۲- نووی، روضة الطالبین ، ج ۳/ص ۲۰۵ .

۳- ابن قیم ، الجواب الکافی .ص ۱۶۹ .

۴- ابن نجیم ، بحر الرایق شرح کنز الدقایق ج ۵/ص ۱۳۴ .

۵- قاضی عیاض، الشفاء ج ۲/ص ۱۰۷۲ .

**مطلب دوم - اهانت به مصحف (قرآن کریم):**

قرآن کریم کلام خداوند متعال است که توسط جبریل علیه السلام به حضرت محمد ص نازل شده است چنانکه خداوند متعال فرموده است: (تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا)<sup>۱</sup>.

«والا مقام و جاوید کسی است که فرقان، ( یعنی جدا سازنده حق از باطل ) را بر بنده خود ( محمد ) نازل کرده است، تا این که جهانیان را ( بدان ) بیم دهد ( و آن را به گوش ایشان برساند ) .

قرآن کتابی بشر از آوردن مثلش عاجز می باشد بنا بر این قرآن کریم از مهمترین شعایر الله بوده که تعظیم و توقیر آن بالای انسان لازم است و یکی از ارکان ایمان بوده که بدون باور به آن یک شخص مسلمان بوده نمیتواند چنانچه خداوند متعال فرموده است: ( قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا)<sup>۲</sup>

«بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را ( با این شیوه های دلربا و معانی زیبا بسازند و ) بیاورند، نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند ( چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست ) .

و در مورد اینکه قرآن کریم کلام خداوند است نه کلام بشر فرموده است: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)<sup>۳</sup>.

«آیا ( این منافقان ) درباره قرآن نمی اندیشند ( و معانی و مفاهیم آن را بررسی و واریسی نمی کنند تا به وجوب طاعت خدا و پیروی امر تو پی ببرند و بدانند که این کتاب به سبب ائتلاف معانی و احکامی که در بر دارد و این که بخشی از آن مؤید بخش دیگری است، از سوی خدا نازل شده است ؟ ) و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می کردند .

ابن عطیه رحمه الله گفته است آیا از نظر استدلال و قوت دلیل در مورد قرآن نمایندیشند اگر این کلام بشر میبود به مقتضای نواقص کلام بشری در آن تناقض و کمبودی ها دیده میشد.<sup>۴</sup>

۱- سوره فرقان/۱.

۲- سوره اسرا/۸۸.

۳- سوره نساء/۸۲.

۴- ابن عطیه، المحرر الوجیز، ج ۲/۸۳.

محمد رشید رضا، گفته است «اگر در بودن قرآن کلام خداوند تعجب میکنند این مفکوره آنان عجیب است آیا نمینند که با گذشت قرن‌ها و توسعه علم و معارف و پیشرفت های بشر در یک کلمه قرآن از حیث لفظ، خواسته ها و احکام تغییری رونما نمیشود.<sup>۱</sup>

### صورت‌های استهزاء به قرآن کریم :

استهزاء به قرآن کریم که از اسباب خروج از اسلام میباشد به دو صورت انجام میشود (عملی و قولی)

اول : اهانت عملی / به این صورت که شخص قصداً عملی را در برابر قرآن کریم انجام دهد که توهین و حقارت شمرده شود، مثل اینکه قرآن کریم را در محل کثافات باندازد، و یا در زیر پای خود کند، و یا در قرآن کریم زیادتی و نقصان را به بار آورد، (اینکه قرآن را طبق نظر خود تحریف نماید) در حالیکه خداوند متعال محافظت قرآن را ذمه واری کرده است چنانچه فرموده : (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)<sup>۲</sup>.  
« ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن می باشیم ( و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می داریم ) .

ابو سعود رحمه ، ضمن تفسیر این آیت گفته است: «خداوند متعال قرآن کریم را از تمام آنچه که مناسب شأنش نباشد حفاظت نموده است که تکذیب، و استهزاء نیز شامل آن میگردد بنا براین آیه فوق وعید برای استهزاء کننده ها در برابر قرآن میباشد و حفظ قرآن اعجاز آن است به صورت که از نزد خداوند متعال بوده و بشر در آن دخالت کرده نمیتوانند.<sup>۳</sup>

### حکم استهزاء به قرآن کریم:

استهزاء و تمسخر به مصحف (نسخه های قرآن کریم) از هر نوعیکه باشد ناقض ایمان میباشد چنانچه خداوند متعال استهزاء کننده به کتابش را کافر حکم نموده است که عمل صالح را نیز باطل میسازد :  
(وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ)<sup>۴</sup>.  
« اگر از آنان ( درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان ) بازخواست کنی ، می گویند : ( مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر ) بازی و شوخی می کردیم . بگو : آیا به خدا و آیات او و پیغمبرش می توان بازی و شوخی کرد ؟ !

<sup>۱</sup> - محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۵/ص ۲۸۹.

<sup>۲</sup> - سوره حجر/ ۹.

<sup>۳</sup> - تفسیر ابو سعود: ج ۵/ص ۶۸.

<sup>۴</sup> - سوره توبه / ۶۴.



سعدی رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: کسیکه به لفظ و حکم قرآن کریم و سنت رسول الله ص استهزاء و اهانت کند به کفرش حکم میشود.<sup>۱</sup>

و در آیات متعددی برای استهزاء کننده ها وعید ذکر شده و جای آن نان را آتش جهنم گفته است از جمله این فرموده خداوند متعال: (وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّاصِرِينَ، ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَعَرَّثْتُمْ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ).<sup>۲</sup>

« (از سوی خدا) بدیشان گفته می شود: ما امروز شما را (در عذاب رها می سازیم و) از یاد خود می بریم، همان گونه که شما دیدار امروز را به فراموشی سپردید (و ما را از یاد بردید، و مسائل و حوادث قیامت را پشت گوش انداختید) و جایگاهتان آتش دوزخ است و هیچ یار و یآوری ندارید. (گرفتار شدنتان بدین سرنوشت اسفناک) بدان خاطر است که شما آیات خدا را به تمسخر گرفته اید و زندگی دنیا، شما را گول زده است. امروز آنان از آتش دوزخ بیرون آورده نمی شوند، و از ایشان خواسته نمی شود که عذرخواهی کنند و خوشنودی بطلبند.

#### نظر علماء در مورد حکم استهزاء به مصحف:

به اتفاق همه ی علماء کسیکه چیزی را در قرآن کریم بافزاید و یا چیزی از آن کم نماید، و یا تحریفی را در آن به بار آورد، و یا احکام آن را تغییر دهد، و یا به شکلی از اشکال قرآن را اهانت کند. از اسلام خارج میگردد. که نظریات برخی از علماء را به صورت مختصر بیان مینمایم.

قرطبی رحمه الله، گفته است: «قرآن کلام خداوند متعال است که در سینه محفوظ و به زبانها خوانده میشود، و در مصحف ها نوشته شده است، خداوند آن حفاظت نموده که هیچ نوع زیادت و نقصانی را نمیپذیرد، کسیکه زیادت و نقصانی را در قرآن به بار بیاورد اجماع امت را نقض نموده و به قرآن اهانت کرده است.<sup>۳</sup>

ابن حزم رحمه الله گفته، به اتفاق همه ی علماء امت اسلامی تمامی آنچه که در قرآن کریم محفوظ شده است حق و کلام خداوند متعال است کسیکه علاوه از قراءت های روایت شده حرفی را در آن زیاد و یا کم نماید و یا قرآن را اهانت کند از اسلام خارج بوده و به کفرش حکم میگردد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - تفسیر سعدی: ج ۱ / ص ۷۰۸.

<sup>۲</sup> - سوره جائیه/ ۳۴-۳۵.

<sup>۳</sup> - قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱ / ص ۹۷.

<sup>۴</sup> - ابن حزم، (ب ت) مراتب الاجماع فی العبادات، والمعاملات والاعتقادات، دار الکتب العلمیة بیروت ص ۱۷۴.

امام نووی رحمه الله گفته است « افعال که موجب کفر میشود متعدد است از جمله استهزاء نمودن دین ، اهانت قرآن کریم و انداختن مصحف در میان کثافات میباشد.<sup>۱</sup>»

### مطلب سوم- روی گردانیدن از دین الله متعال:

ایمان واقعی آن است که متضمن طاعت و فرمان برداری خداوند متعال و پیغمبرش بوده و فرد مؤمن به حقانیت کتاب و دینی که خداوند فرستاده است باور داشته از آن عملاً طبیعت نماید.

بنا بر این اعراض و روی گردانیدن از دین منافی ایمان بوده که فاعلش را از دایره اسلام خارج نموده و اعمال صالح اش را باطل میسازد.

### آثار مرتب بر اعراض از دین :

خداوند متعال برای کسانی که از دین اسلام روی گردانند اوصاف ذمیمه را ذکر نموده است که عبارتند از :

أ- عدم ایمان: در این فرموده خداوند متعال : ( وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ، وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ).<sup>۲</sup>

« از جمله کسانی که خدا توفیق هدایت قرینشان نفرموده است ، منافقانی هستند که پرتو ایمان به دلهایشان نتابیده است ، ولی دم از ایمان می زنند ) و می گویند : به خدا و پیغمبر ایمان داریم و ( از اوامرشان ) اطاعت می کنیم ، اما پس از این ادعاء ، گروهی از ایشان ( از شرکت در اعمال خیر همچون جهاد ، و از حکم قضاوت شرعی ) رویگردان می شوند ، و آنان در حقیقت مؤمن نیستند، هنگامی که ایشان به سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده می شوند تا ( پیغمبر ، برابر چیزی که خدا نازل فرموده است ( در میانشان داوری کند ، بعضی از آنان ( نفاقشان ظاهر می شود و از قضاوت او ) رویگردان می گردند . ( زیرا که می دانند حق به جانب ایشان نیست و پیغمبر هم دادگرانه عمل می فرماید ، و حق را به صاحب حق می دهد ) .

<sup>۱</sup>- نووی ، روضة الطالبین، ج ۱۰/ص ۶۴ و مغنی المحتاج ج ۴/ص ۱۳۶ .

<sup>۲</sup>- سوره نور/۴۷ .

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: «هر گاه از آنها مطالبه شود که از دین با هدایتی که خداوند بر پیغمبرش فرستاده است اتباع و پیروی نمایند متکبرانه از آن روی گردانند این وضعیت کفر محض میباشد.<sup>۱</sup>»

**ب - توصیف به کفر صریح:** در این فرموده خداوند متعال: ( قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ )<sup>۲</sup>.

«بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید، و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی دارد.

**ج - همیشه بودن در آتش جهنم:** خداوند متعال جزای آخری اعراض کننده ها از دین را خلود در جهنم گفته است طوری که فرموده: ( فَأَنْذَرْتُمْ نَارًا تَلْطَى، لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى، الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى )<sup>۳</sup>.

«من شما را از آتش هولناکی بیم می دهم که شعله ور می شود و زبانه می کشد. بدان داخل نمی شود و نمی سوزد مگر بدبخت ترین (انسانها). همان کسی که (حق و حقیقت را دروغ می داند و آن را) تکذیب می نماید و (به آیات آسمانی) پشت می کند.

شوکانی رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: «در جهنم لازوماً و به صورت همیشه گی جز اشقیاء کسانی دیگری وارد نمیشوند.. و آنها کسانی اند که دین حقی را که رسول الله<sup>۵</sup> آورده است تکذیب نمودند و از اطاعت و ایمان روی گردانیدند.<sup>۴</sup>»

**د:** توصیف معرضین به نفاق/ علاوه بر کفر و خلود در جهنم خداوند متعال معرضین را به نفاق نیز توصیف کرده است چنانکه فرموده: ( وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ، فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ، فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ )<sup>۵</sup>.

«در میان ( منافقان ) کسانی هستند که ( سوگند می خورند و ) با خدا پیمان می بندند که اگر از فضل خود ما را بی نیاز کند ( و به نعمت و نوائی برساند ) بدون شک به صدقه و احسان می پردازیم و از زمره شایستگان ( درگاه یزدان و نیکوکاران مردمان ) خواهیم بود. اما هنگامی که خدا از فضل خود ( ثروت و

<sup>۱</sup>- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳/ص ۳۰۷.

<sup>۲</sup>- سوره آل عمران/۳۲.

<sup>۳</sup>- سوره لیل/۱۴-۱۵-۱۶.

<sup>۴</sup>- شوکانی، فتح الدیر، ج ۵/ص ۴۵۳.

<sup>۵</sup>- سوره توبه / ۷۵-۷۶-۷۷.

دارائی ( بدانان بخشید ، بخل ورزیدند ) و چیزی نبخشیدند و به عهد خود وفا نکردند ، و هم از خدا و هم از خیرات ( سرپیچی کردند و روی گرداندند . خداوند نفاق را در دل‌هایشان پدیدار و پایدار ساخت تا آن روزی که خدا را در آن ملاقات می کنند . این به خاطر آن است که پیمان خدا را شکستند و همچنین دروغ گفتند .

از آیات فوق بر میآید که اعراض از دین و سر پیچی از طاعت خداوند متعال و رسولش امر خطیری است که نتیجه آن ، کفر ، نفاق و جزائش همیشه گی در جهنم میباشد که ثواب و پاداش عمل را از بین میبرد و علاوه بر آن آثار بد دیگری نیز بر آن مرتب میشود که میتوان آن آثار را در آیه ذیل بر شمرد: ( وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا )<sup>۱</sup>.

«چه کسی ستمکارتر از کسی است که با آیات پروردگارش پند داده شود و او از آنها روی بگرداند ( و درس نگیرد و فرمان نپذیرد ، و عاقبت معاصی و گناهی را که کرده است ) و آنچه را که با دست خود پیشاپیش فرستاده است ، فراموش کند ؟ ! ما بر دل‌های آنان ( به سبب کفر گرائیشان ) پرده هائی افکنده ایم تا آیات را نفهمند ( و نور ایمان به دل‌هایشان نتابد ) و به گوش‌هایشان سنگینی انداخته ایم ( تا ندای حق را نشنوند ) و لذا هرچند آنان را به سوی هدایت بخوانی ، هرگز راهیاب نمی شوند ( و به دین حق نمی گروند ) .

### آثار مرتبه بر اعراض:

و آثار بدی که در آیت فوق و آیات دیگری در نتیجه اعراض مرتب میشوند عبارتند از :

- ۱- فاعل اعراض از ظالم ترین مردم است طوری که فرمود: ( وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا ) .
- ۲- غفلت و بیخبری از اعمال زشت اینکه فرمود ( وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ) .
- ۳- پرده افگندن در دلها و سنگینی گوش ها به اینکه آنها حق را نه میشنوند و درک کرده نمیتوانند اینکه فرمود: ( جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ) .
- ۴- خداوند از فرد معرض انتقام خواهد گرفت چنانکه فرموده است : ( وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ )<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره کهف/ ۵۷ .

<sup>۲</sup> - سوره سجده/ ۲۲ .

« چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که به آیات پروردگارش پند داده شود ، و او از آنها روی بگرداند ؟ مسلماً ما همگی بزهکاران را کیفر خواهیم داد .

۵- خر صفت شدن اعراض کننده طوریکه خداوند متعال فرموده است : (فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ، كَانَهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ)<sup>۱</sup>.

« چرا باید ایشان ، از قرآن رویگردان شوند ؟ انگار آنان گورخران رمنده ای هستند .

۶- انتخاب قرین شیطانی / چنانکه فرموده است : (وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ)<sup>۲</sup>.

« هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود ، اهریمنی را مأمور او می سازیم ، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می گردد ( و گمراه و سرگشته اش می سازد ) .

۷- سبب برای بلاها و مصیبت ها میشود طوریکه خداوند متعال فرموده است : (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّمَ آثَمًا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ)<sup>۳</sup>.

« پس اگر ( از حکم خدا رویگردان شدند و به قانون خدا ) پشت کردند ، بدان که خدا می خواهد به سبب پاره ای از گناهانشان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد ( و به عذاب دنیوی ، پیش از عذاب اخروی گرفتار کند ) .

۸- اعراض سبب تنگدلی ، پریشانی ، عدم اطمینان و بلاها در دنیا و آخرت میگردد ، خداوند متعال فرموده است : (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى، قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا، قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى)<sup>۴</sup>.

« و هر که از یاد من روی بگرداند ( و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند ) ، زندگی تنگ ( و سخت و گرفته ای ) خواهد داشت ؛ ( چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد ، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت ) و روز رستاخیز او را نابینا ( به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا ) گرد می آوریم . خواهد گفت : پروردگارا ! چرا مرا نابینا ( برانگیخته ای و به عرصه قیامت گسیل داشته و در آنجا ) جمع آورده ای ؟ من که قبلاً ( در دنیا ) بینا بوده ام . ( خدا ) می گوید : همین است ( که هست

۱- سوره مدثر / ۴۹-۵۰ .

۲- سوره زخرف / ۳۶ .

۳- سوره مائده / ۴۹ .

۴- سوره طه / ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶ .

و بچش نتیجه نافرمانی را). آیات ( کتابهای آسمانی، و دلائل هدایت جهانی ) من به تو رسید و تو آنها را نادیده گرفتی؛ همان گونه هم تو امروز نادیده گرفته می شوی ( و بی نام و نشان در آتش رها می گردی ).

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیت گفته: «کسیکه از امر من و آنچه که بر پیغمبرم نازل کردم روی گرداند و راهی را غیر از راه هدایتی که انتخاب نمودم اختیار کند زنده گی دنیا را برایش سخت میگیرم، اطمینان شان را میزدایم، پریشانی و افسرده گی را در سینه ی شان جامیده‌م اگرچه در فراخی نعمت، بسر برده وزنده گی مرفه ی داشته باشند وهمیه در شک و وحیرت زده گی بسر میبرند.<sup>۱</sup>

### مطلب چهارم- دوستی با غیر مسلمان:

تولی و تبرا (محببت با خداوند متعال و رسول الله<sup>۵</sup> و بیزاری و نفرت از کفار و مشرکین) شرط قبول عمل صالح میباشد بناء دوستی با دشمنان خدا و رسولش سبب ناراضی خداوند متعال میگردد.

چنانچه خداوند متعال فرموده است: ( تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ، وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ<sup>۲</sup>).

« بسیاری از آنان را می بینی که کافران را به دوستی می پذیرند ( و با مشرکان برای نبرد با اسلام همدست می شوند . با این کار زشت ) چه توشه بدی برای خود پیشاپیش ( به آخرت ) می فرستند ! توشه ای که موجب خشم خدا و جاودانه در عذاب ( دوزخ ) ماندن است . اگر آنان به خدا و پیغمبر ( اسلام ) و آنچه بر او ( از قرآن ) نازل شده است ، ایمان می آوردند ، ( به سبب ایمان راستین هرگز ) کافران را به دوستی نمی گرفتند . ولی بسیاری از آنان فاسق و از دین خارجند .

سعدی رحمه الله گفته است: « شرط ایمان محبت با خداوند و رسول الله<sup>۵</sup> میباشد و در قلب مؤمن محبت خداوند متعال و پیغمبرش همراه با دوستی با دشمنان خداوند و رسول الله ص جمع نمیشود، لذا بر مؤمنان لازم است که از دشمنان خدا و پیغمبرش بیزاری نمایند.<sup>۳</sup>

اگرچه تولی و تبرا، از افعال قلب میباشد اما آثار آن در زبان و عمل ظاهر میگردد لذا میتوانیم این دو را از محببات فعلی بشماریم.

<sup>۱</sup>- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ج ۳/ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup>- سوره مائده/ ۸۰-۸۱.

<sup>۳</sup>- تفسیر السعدی، ج ۱/ص ۴۶۸.

اصل این است که مؤمن با خداوند متعال و پیغمبرش و مؤمنان دیگر دوستی و محبت داشته باشد و از دشمنان خدا و رسول و دشمنان دین اسلام نفرت و بیزاری نماید چنانچه خداوند متعال فرموده است: ( **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**)<sup>۱</sup>.

«تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شمایند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می آورند و زکات مال به در می کنند .

اگر یک فرد مؤمن این حالت را تغییر دهد و رابطه دوستی را با دشمنان خداوند متعال و پیغمبرش<sup>۵</sup> و دشمنان دین و مؤمنان برقرار نماید این روش از نواقض ایمان بوده و عمل شخص را باطل میسازد.

زیرا که قرآن کریم در آیه ی دوستی با کفار را ظلم و در آیه ی دیگری متولی را از جمله دو ستان کافر شان میداند ( **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**)<sup>۲</sup>.

«ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید ( و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید ) . ایشان برخی دوست برخی دیگرند ( و در دشمنی با شما یکسان و برابرند ) . هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد ( و آنان را به سرپرستی بپذیرد ) بیگمان او از زمره ایشان بشمار است . و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را ( به سوی ایمان ) هدایت نمی کند .

هرگاه دوستی با کفار به این اندازه خطرناک باشد لازم است اولاً تعریفی از "تولی وتبرا" داشته و سپس برخی از مظاهر موالات فعلی با کفار به معرفی بگیریم که فرد مؤمن را از اسلام خارج میسازد و سپس آثار مرتبه به این دوستی را معرفی خواهیم نمود.

**اول - معنای تولی وتبرا :** ولاء، در لغت به معنای محبت، دوستی و قرب (نزدیکی) استعمال شده است<sup>۳</sup>.  
<sup>۳</sup> وتبرا، در لغت به معنای بغض، عداوت و دوری از همدیگر استعمال شده است.<sup>۴</sup>

اصل در موالات، محبت واصل در عداوت بغض میباشد البته این دو از اعمال قلبی بوده که اثر آن در جوارح ظاهر میشود که شامل حقیقت آن دو نیز میباشد.<sup>۵</sup>

۱- سوره مائده/۵۵.

۲- سوره مائده/۵۱.

۳- ابن منظور، لسان العرب ج ۱۵/ص ۴۰۴. ومختار الصحاح ص ۷۳۶.

۴- ابن منظور، لسان العرب ج ۱/ص ۳۵۴. ومختار الصحاح ص ۴۵.

۵- محمد بن سعید القحطانی، ط (۱۴۰۴) هـ الولاة والبراء فی الاسلام، دارالطیبة الریاض السعودیة: ص ۴۲.

## موارد موالات با کفار:

دوستی با کفار موارد متعددی دارد که تمامی آن فاعلش را از اسلام خارج میسازد که برخی از آن موارد دوستی بر کفار را به صورت نمونه بررسی خواهیم نمود.

۱- زنده گی در سرزمین کفر همراه با کفار، بدون کدام ضرورت و راضی بودن از دین آنها:

خداوند متعال در همین مورد موالات با کفار فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا) ۱.

«بیگمان کسانی که فرشتگان ( برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی ) به سراغشان می روند و ( می بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان ، و هجرت نکردن به سرزمین ایمان ) بر خود ستم کرده اند ، بدیشان می گویند : کجا بوده اید ( که اینک چنین بی دین و توشه مرده اید و بدبخت شده اید ؟ عذرخواهان ) گویند : ما بیچارگانی در سرزمین ( کفر ) بودیم ( و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم ! فرشتگان بدیشان ) گویند : مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن ( بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری ) کوچ کنید ؟ جایگاه آنان دوزخ است ، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی !»

ابن کثیر رحمه الله گفته است: « این آیت عام است در مورد تمامی کسانی که در میان کفار و مشرکین زنده گی میکنند، در حالیکه توان هجرت کردن را داشته باشد و اختیار اقامه امورات دینی را نداشته باشد، هجرت نکند بر نفس خود ظلم نموده است و به اتفاق همه ی علماء مرتکب فعل حرام شده است. ۲»

اما اگر ضرورتی از قبیل تداوی بیماری، تجارت و غیره باشد و شخص قادر به انجام امورات دینی اش بود مطابق قاعده، «الضرورات تبیح المحظورات» در سفر و بود باش در سرزمین کفر مانعی نیست. ۳

۲- پیروی از قوانین کفار در تشریح احکام چون حلال، حرام، جزاء جرایم و امورات دینی:

خداوند متعال فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ) ۴.

۱- سوره نساء/۹۷.

۲- ابن کثیر: تفسیر القرآن العظیم، ج ۱/ص ۵۴۲.

۳- جلال الدین السیوطی، (ب ت) الاشبه والنظائر: طبع دارالکتب العلمیة بیروت لبنان ج ۱/ص ۲۶۹.

۴- سوره آل عمران/۱۴۹.



«ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از کسانی که کتاب بدیشان داده شده است پیروی کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز می گردانند.

ابوسعود رحمه الله در تفسیر آیه فوق گفته است: «تعلیق پیروی از برخی کفار به غرض مبالغه در تحذیر از اطاعت کفار واجتناب از هم صحبت بودن با آنها است و به منزله آن است که گفته شود "لاتطیعوا الکفار"»<sup>۱</sup>.

۳- پیروی از کفار در انتقاد با دین اسلام و اهانت با شعایر دینی و شک نمودن در امورات دینی :

خداوند متعال فرموده است: (وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ)<sup>۲</sup>.

«از گوشت حیوانی نخورید که ( به هنگام ذبح عمداً ) نام خدا بر آن برده نشده است ( و یا به نام دیگران و یا به خاطر بتان سر بریده شده است ) . چرا که خوردن از چنین گوشتی ، نافرمانی ( از دستور خدا ) است . بیگمان اهریمنان و شیاطین صفتان ، مطالب و سوسه انگیزی به طور مخفیانه به دوستان خود القاء می کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند ( و بکشند که شما را به تحریم آنچه خدا حلال کرده است وادارند ) . اگر از آنان اطاعت کنید بیگمان شما ( مثل ایشان ) مشرک خواهید بود .

ابن عاشور رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: «اگر شما از کفار در طعن دین و شک انداختن در احکام آن پیروی کردید «اذا انکم لصائرون الی الشکر»»<sup>۳</sup>.

**آثار مرتبه بر دوستی با کفار:**

۱- به بار آمدن ناراضی خداوند متعال و خلود در آتش جهنم / خداوند متعال فرموده است : (تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ)<sup>۴</sup>.

«بسیاری از آنان را می بینی که کافران را به دوستی می پذیرند ( و با مشرکان برای نبرد با اسلام همدست می شوند . با این کار زشت ) چه توشه بدی برای خود پیشاپیش ( به آخرت ) می فرستند ! توشه ای که موجب خشم خدا و جاودانه در عذاب ( دوزخ ) ماندن است .

<sup>۱</sup>- تفسیر ابوسعود: ج ۲/ص ۶۴.

<sup>۲</sup>- سوره انعام / ۱۲۱.

<sup>۳</sup>- ابن عاشور: التحریر والتنوير، ج ۸/ص ۴۲.

<sup>۴</sup>- سوره مائده/ ۸۰.

ابن کثیر رحمه الله گفته است « آنچه که برای خود پیشاپیش شان به آخرت می فرستند، دستی با کفار و ترک دوستی با مؤمنان است که نا راضی خداوند را تا آن روزی که با او تعالی ملاقات میکنند با خود دارد.<sup>۱</sup>

۲-دوری از خداوند متعال وعدم حمایت او تعالی: خداوند متعال فرموده است: (لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ)<sup>۲</sup>.

«مؤمنان نباید مؤمنان را رها کنند و کافران را به جای ایشان به دوستی گیرند ، و هر که چنین کند ( رابطه او با خدا گسسته است و بهره ای ) وی را در چیزی از ( رحمت ) خدا نیست.

طبری رحمه الله ، در تفسیر آیه ی فوق گفته است : نباید مؤمنان کفار را دوست و امداد گر بگیرند از آنها کمک و تعاون طلب کنند و راز های مؤمنان را به آنان افشا نماید مؤمنانی چنین کنند خداوند از آنان حمایت نمیکند و از آنان بیزار است .<sup>۳</sup>

۳-دوستی با کفار صفت منافقین است: دوستی کفار یک شعبه نفاق بوده و یکی از خصلت های منافقین میباشد: خداوند متعال فرموده است (بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُّنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا)<sup>۴</sup>.

«به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند . این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می گیرند . آیا عزّت را در پیش کافران می جویند ؟ ( چنین چیزی محال است ) چرا که عزّت و شوکت جملگی از آن خدا است ( و هر که از خدا عزّت جوید عزیز شود ، و هر که از غیر او عزّت طلبد ذلیل گردد ) .

این عذاب برای آنان به نسبت محبت شان با کفار و همکاری شان با آنان علیه مسلمانان و عداوت شان با مؤمنان میباشد.<sup>۵</sup>

۴-حکم به کفر: یکی از مظاهر دوستی با کفار خروج متولی از اسلام و دخول آن در کفر ، و تطبیق تطبیق احکام مربوط به کفار علیه آنان میباشد که از خطرناک ترین موارد ظهور اثرات دوستی با کفار است اگر غیر از این مورد دیگری نباشد به هلاکت و تباهی متولی در دنیا و آخرت کفایت میکند.

۱- ابن کثیر، التفسیر القرآن العظیم، ج ۲/ص ۸۶.

۲- سوره آل عمران/۲۸.

۳- طبری، جامع البیان، ج ۳/۳۰۹.

۴- سوره نساء/۱۳۸-۱۳۹.

۵- تفسیر السعدی، ج ۳/۳۹۳.

خداوند متعال فرموده است : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ )<sup>۱</sup>.

«ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید ( و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید ) . ایشان برخی دوست برخی دیگرند ( و در دشمنی با شما یکسان و برابرند ) . هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد ( و آنان را به سرپرستی بپذیرد ) بیگمان او از زمره ایشان بشمار است . و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را ( به سوی ایمان ) هدایت نمی کند .

طبری رحمه الله ، در تفسیر آیه فوق گفته است: افراد و گروه‌های از مؤمنان که با کفار رابطه دوستی برقرار نمایند، و آنان را علیه مسلمانان تحریک و تعاون کنند، از اهل ملت و دین آنان شمرده میشوند زیرا کسیکه با فرد و گروهی رابطه دوستی برقرار کند با دین و مفکوره آنان راضی میشود و با مخالفان آنان دشمنی میورزند بناء حکم آن مثل احکام دوستان کفری شان میباشد.<sup>۲</sup>

از این بحث به وضاحت دانسته میشود آنانیکه با دشمنان دین روابط دوستی برقرار میکنند از جمع آنها شمرده از اسلام خارج و در کفر شامل میگردد و با طبیعت آن احکام کفار در امر دنیا و آخرت با آنان تطبیق میگردد که از جمع آن احکام بطلان عمل آنان میباشد.

<sup>۱</sup> - سوره مئده/۵۱.

<sup>۲</sup> - طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۶/ص ۳۷۵.

## مبحث هفتم

## انواع محببات فعلی که سبب خروج از اسلام نمیگردد

برخی از گناهان کبیره که در جمع محببات فعلی بوده اما فاعلش از اسلام خارج نمیشود و در جمع این گناهان، زنا، لواط، شراب نوشی و سود خوری مورد بحث قرار میگیرد که در سه مطلب بررسی خواهد شد.

## مطلب اول - زنا و لواط:

کلمه زنا در لغت عربی به دو صورت نوشته و تلفظ میشود به الف مقصوره (زنی) که لغت اهل حجاز است و به الف ممدوده (زنا) که لغت اهل نجد است.<sup>۱</sup>

و به معنای بدکاری، انجام عمل فحش با زنان، یکجا شدن مرد و زن به حالت شهوت به طور نامشروع، زنا (بی عفتی زنان، ناموس فروشی، مباشرت جنسی) معنا شده است.<sup>۲</sup>

## تعریف اصطلاحی زنا:

دکتر وهبه الزحیلی گفته است: «الزنا فی اللغة و الشرع بمعنی واحد: و هو وطء الرجل فی القبل فی غیر الملک و شبهة»<sup>۳</sup>

( زنا در لغت و شریعت به یک معنا استعمال شده است و آن عبارت است از مقاربت مرد در راه پیش زن در حالت که مالک آن نبوده و شبه [مالکیت هم] نباشد.

زنا که یک عمل فحش (شرم آور) و از جمله گناهان کبیره است در تمام ادیان سماوی این عمل حرام بوده و تجاوز به حرمت و عزت انسانی محسوب میگردد طوری که قرآن کریم قباحت این عمل را اینچنین بیان نموده است: ( وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا )

«به عمل زنا نزدیک نشوید [شهوت خود را در راه نامشروع استعمال نکنید] به یقین این عمل فحش [شرم آور است] و از بدترین راه [استعمال شهوت] میباشد.

در سوره مبارکه فرقان دوری از عمل زنا را یکی از راه های فلاح و رستگاری خوانده شده است: وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا<sup>۴</sup>

-ابن منظور: لسان العرب ج ۶/ص ۹۶.

<sup>۲</sup>- قیومی، مصباح المنیر، ص ۱۸۵.

-فقه الاسلامی وادلتہ، ج ۵. ص ۷۷۶ و حاشیة ابن عابدین، ج ۳. ص ۲۶۶ و تبین الحقایق، ج ۳. ص ۱۶۴.

-الفرقان: ۶۸<sup>۴</sup>

[کامیاب ورستگار] آنانی اند که با الله الهی دیگری را [درخواست هایشان] فریاد زنند و نفسی را که الله کشتن آنرا حرام کرده است بدون حق به قتل نرسانند و زنا نکنند اگر چنین کردند با الله به حالت گناه ملاقات کرده اند.

## لواط :

### تعریف لواط در لغت واصطلاح:

لواط، لاطی و لوطی عبارت از انجام عمل قوم لوط ÷ عمل جنسی مردان با همدیگر است.<sup>۱</sup>

ولواط در اصطلاح عبارت است از مجامعت در راه دبر مردان را گفته میشود.<sup>۲</sup>

از بدترین فساد اخلاقی و عمل فحش محسوب میگردد که الله متعال قومی را به اثر ارتکاب این جرم هلاک کرده است چنانچه در مورد عمل لواطت و تقبیح آن فرموده است: **وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ\* إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ**<sup>۳</sup>

«به یاد آور لوط را وقتیکه برای قومش گفت آیا عمل فحش را انجام میدهید که قبل از شما هیچ یکی از جهانیان به آن سبقت نکرده است [در تاریخ بشریت سابقه ندارد] اینکه شما به مردان از راه شهوت میآید به غیر از زنان بلکه قومی استید که از حد گذشتید.

قرآن کریم این عمل را مثل زنا با زنان فاحشه (عمل فحش) میخواند و قوم لوط را به گونه سرزنش میکند که شما عمل بدی را مرتکب شدید که در تاریخ بشریت هیچ قوم و فردی قبل از شما چنین کاری را نکرده است.

### مفاسد لواط:

لواط با وصف آنکه خود عمل جرمی و گناه بزرگ میباشد مفاسد دیگری را نیز به بار میآورد برخی از آن مفاسد قرار ذیل است:

۱- استعمال شهوت در غیر مقصدی که خداوند متعال ماده حیاتی شهوت را در انسان خلق کرده است زیرا خداوند متعال شهوت را در جسم انسان به خاطر بقای نسل انسانی خلق کرده است نه به هدف تلذذ و خوش گذرانی و استعمال آن در مورد غیر از تناسل از حد گذری از فطرت میباشد.

۲- فعل لواط خصوصیت مردانه گی را نسبت به مفعول تغییر میدهد .

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲/ص ۳۵۸، ومصباح المنیر ص ۶۰۸.

۲- ابن قدامه: المغنی، ج ۱۲/ص ۳۳۰.

الأعراف: ۸۰ - ۸۱<sup>۲</sup>

۳- فعل لواط تجاوز و ظلم بوده زیرا که مرد وسیله قضاء شهوت قرار میگیرد و قضاء شهوت در محلی صورت میگیرد خلاف نظام قضای شهوت در محل اصلی آن (زنان است).

۴- این فعل نامشروع منجر به قطع نسل یا حد اقل تقلیل آن میگردد.

۵- این فعل زشت اضرار صحتی را نسبت به فاعل و مفعول به بار میآورد. زیرا هردو فعلی را در غیر محل آن انجام داده اند که به این هدف خلق شده اند.<sup>۱</sup>

### عقوبت و جزای لواط :

رسول الله<sup>۵</sup> جزای فعل لواط را بدون شرط احصان در جانب فاعل و مفعول قتل گفته اند، از ابن عباس نقل شده است او گفته است که از رسول الله<sup>۵</sup> شنیده است که میفرمودند: «من وجدتموه يعمل عمل

### قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به»<sup>۲</sup>.

«کسی را در یافتید که عمل قوم لوط را انجام دهد فاعل و مفعول به را از بین ببرید.

### آثار مرتبه به فعل زنا و لواط :

أ- زنا و لواط هردو عمل صالح را از بین میبرد/ در روایات متعددی چگونه گی حبط عمل صالح به اثر این این دو فعل زشت بیان شده است.

در صحیح مسلم آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند «حُرْمَةُ نِسَاءِ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ كَحُرْمَةِ أُمَّهَاتِهِمْ وَمَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ الْقَاعِدِينَ يَخْلُفُ رَجُلًا مِنَ الْمُجَاهِدِينَ فِي أَهْلِهِ فَيَخُونُهُ فِيهِمْ إِلَّا وَقَفَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَأْخُذُ مِنْ عَمَلِهِ مَا شَاءَ»<sup>۳</sup>.

«حرمت زنان مجاهدین بر کسانی که از جهاد باز مانده اند مثل حرمت گذاری به مادران شان است و مردی از بازنشسته گان که پرستاری مردی از مجاهدین در اهلش بدوش بگیرد و با او در مورد آنها خیانت کند آن مرد در روز قیامت به خاطر آن مجاهد توقف داده میشود، [مجاهد در عوض خیانتش] آنچه را که بخواهد از عملش میگیرد.

و در بخش دیگری این روایت آمده است «فخذ من حسناته ما شئت فما ظننكم»

امام نووی رحمه در شرح این حدیث گفته است: این فرموده رسول الله<sup>۵</sup> در مورد کسانی است با مجاهدین در اهلش خیانت کند خداوند متعال علاوه به جزای خیانتش به مجاهد اختیار میدهد که حسنات او را به

۱- ابن عاشور: التحرير والتحبير، ج ۸/ص ۲۳۲.

۲- اخرجہ الترمذی، کتاب الحدود، باب ماجاء فی حد اللواط، ج ۳/ص ۳۳۷. وصححه الالبانی فی صحیحہ ج ۲/ص ۱۱۲۱.

۳- اخرجہ مسلم، فی کتاب الامارة، باب حرمت نساء المجاهدين واثم من خانهم فيهن، ج ۹/ص ۴۹۳.

هر اندازه ی که بخواهد بگیرد و در مورد معنای لفظ " فمأظنکم " گفته است گمان شما چیست آیا او حسنه ی را به آن شخص میگذارد.<sup>۱</sup>

از این روایت بر میآید که فعل زنا از هر نوع و در هر محلی که باشد حسنات نابود میکند.

ب : هدر بودن خون زانی / در حدیثی به روایتی امام بخاری و مسلم رحمهما الله آمده است رسول الله ه فرمودند: « لا یحل دم امرئ مسلم یشهد أن لا إله إلا الله وأني رسول الله إلا بإحدى ثلاث النفس بالنفس والثیب الزانی والمارق من الدین التارك للجماعة ».<sup>۲</sup>

**مطلب دوم- شراب نوشی:**

شراب که در عربی به آن خمر گفته میشود مصدر باب خمر بوده به معنای ستر به کار رفته است گفته میشود "خمر الشیء اذا ستره " خمر در یک شیء پوشانیدن آن است به همین مناسبت چادر زنان را خمار نامیده اند و خمر مواد نشه آوریکه عقل را پوشش میدهد.<sup>۳</sup>

البته شراب از ماده حلال تهیه میشود که قبل از اسلام ومدتی بعد از حلال بوده و یکی از محرّمات شرعی است که حکم حرمتش به تدریج نازل شده است:

۱- اول در مورد آن این آیت نازل شد : ( وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ )<sup>۴</sup>.

«( خداوند ) از میوه های درختان خرما و انگور ، ( غذای پربرکتی نصیب شما می سازد که گاه آن را به صورت زیناباری در می آورید و از آن ) شراب درست می کنید و ( گاه ) رزق پاک و پاکیزه از آن می گیرید . بی گمان در این ( گردآوری دو و چند خاصیت و قابلیت در میوه ها ) نشانه ای ( از قدرت آفریدگار ) برای کسانی است که از عقل و خرد سود می گیرند .

۲- و پس از آن آیه ( یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا )<sup>۵</sup>.

«در باره باده و قمار از تو سؤال می کنند . بگو : در آنها گناه بزرگی است و منافی هم برای مردم دربر دارند ، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است .

۱- صحیح مسلم بشرح النووی ، ج ۱۳/ ۴۷.

۲- متفق علیه ، اخرجہ البخاری ، فی کتاب الدیات ، باب قول الله تعالی ان النفس بالنفس... ج ۲۱/ ص ۱۷۱. و مسلم فی کتاب القسامة ، باب ما یباح به دم المسلم ، ج ۹/ ص ۲۶.

۳- ابن منظور، لسان العرب ج ۴/ ۲۱۳. و منهاج المسلم ، ص ۳۶۹.

۴- سوره نحل / ۶۷.

۵- سوره بقره / ۲۱۹.

وقتیکه این آیت نازل شده بعضی از اصحاب گفتند آنچه که گناهش از نفعش بیش باشد به آن نیازی نداریم و تجارت و استفاده آن را ترک گفتند.

۳- و در مرحله سوم این آیت نازل میشود: ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ )<sup>۱</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در حالی که مست هستید به نماز نایستید تا آن گاه که می دانید چه می گوئید.

در این وقت بعضی دیگری از اصحاب گفتند آنچه که ما را از عبادت مشغول سازد به آن نیازی نیست و تعداد دیگری در غیر اوقات نماز از آن استفاده میکردند.

۴- و در مرحله چهارم صراحتاً از آن منع شد و این آیه سوره مائده نازل گردید: ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ )<sup>۲</sup>.

«ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان ( سنگی که در کنار آنها قربانی می کنید ) و تیرها ( و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیبگوئی به کار می برید ، همه و همه از لحاظ معنوی ) پلیدند و ( ناشی از تزیین و تلقین ) عمل شیطان می باشند . پس از ( این کارهای ) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید .

امام قرطبی رحمه الله بعد از بیان این تدرج در حرمت شراب میگوید شراب با نازل شدن این آیت مطلقاً حرام قرار گرفت که دیگر مجالی برای تأویل باقی نماند تا آنجا که برخی اصحاب گفتند: خداوند چیزی را شدید تر از شراب حرام نکرده است.<sup>۳</sup>

مناوی رحمه الله در مورد قباحت شراب نوشی بحث طولانی نموده که خلاصه آن این است که شراب مادر همه گناهان و خباثت ها، واز بزرگ ترین گناهها، و محل تجمع اعمال فحش و فساد های اخلاقی، گره کشای همه ی گناهان، منبع صدور تمام گناهان، از میان برنده عقل و غیرت انسان میباشد.<sup>۴</sup>

### آثار مرتبه بر شراب نوشی:

هرگاه شراب نوشی منبع همه گناهان باشد آثار بد متعددی بر آن مرتب میشود که عبارتند از:

۱- سوره نساء/ ۴۳.

۲- سوره مائده/ ۹۰.

۳- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶/ ص ۲۷۰-۲۷۱.

۴- مناوی، فیض القدير، شرح جامع الصغیر، ج ۳/ ص ۵۰۷. ۵۰۸.



۱- وجوب حد شرعی بر فردیکه شراب نوشیده است / وحد مقرر بر شراب نوشی در حدیث نبوی تطبیق دره تعیین شده است، در روایتی به نقل از معاویه<sup>۵</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> در مورد کسانی که شراب بنوشند فرمودند: «إِذَا شَرِبُوا الْخَمْرَ فَاجْلِدُوهُمْ ثُمَّ إِنَّ شَرِبُوا فَاجْلِدُوهُمْ ثُمَّ إِنَّ شَرِبُوا فَاقْتُلُوهُمْ»<sup>۱</sup>.

«آنانی که شراب نوشیدند آنها را دره بزیند واگر بار دوم نوشیدند آنها را دره بزیند واگر بار دیگر نوشیدند دره بزیند، واگر بار دیگر نوشیدند آنها را بکشید.

۲- محرومیت از دخول جنت / هرگاه فردی مسلمانی به شراب نوشی دوام دهد بدون اینکه توبه کند بمیرد از دخول جنت محروم میشود.

در روایتی از ابن عمر<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «لا يدخل الجنة مدمن خمر»<sup>۲</sup>. «کسیکه به شراب نوشی مداومت کند وارد بهشت.

۳- نفی کمال ایمان از شخص که شراب مینوشد/ در روایتی از ابوهیره<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ»<sup>۳</sup>.

«زنا کاری زنا نمیکند وقتیکه زنا میکند که مؤمن باشد و دزدی دزدی نمیکند در حین که دزدی میکند مؤمن باشد و شراب نوشی شراب نمی نوشد وقتیکه شراب بنوشد و او مؤمن باشد.

ابن حجر رحمه الله گفته است از نظر اهل سنت نفی ایمان در این روایت به معنای نفی کمال است زیرا گناه کاران در حین ارتکاب گناه حالت شان نسبت به کسانی که در این حالت نیستند بد وضعیت منافی ایمان را دارند، یا اینکه فاعل گناه خود را در معرض خطر زوال ایمان قرار داده است<sup>۴</sup>.

۴- بطلان عمل شخصیکه شراب مینوشد/ در روایتی از عبد الله بن عمر<sup>۱</sup> آمده است رسول الله<sup>۵</sup> فرمودند: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنْ عَادَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنْ عَادَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>.

۱- أخرجه أحمد (۹۵/۴ ، رقم ۱۶۹۰۵) ، وأبو داود (۱۶۴/۴ ، رقم ۴۴۸۲) ، وابن ماجه (۸۵۹/۲ ، رقم ۲۵۷۳) وقال حدیث حسن صحیح ، وابن حبان (۲۹۶/۱۰ ، رقم ۴۴۴۶) ، والطبرانی (۳۳۴/۱۹ ، رقم ۷۶۸) ، والبيهقي (۳۱۳/۸ ، رقم ۱۷۲۷۸) .

۲- أخرجه ابن ماجه ، كتاب الاشرية ، باب مدمن الخمر ، ج ۲/ص ۲۴۱ وشیخ الالبانی آنرا صحیح گفته است ، صحیح الالبانی ج ۲/ص ۱۲۸۰ .

۳- أخرجه البخاری ، كتاب الاشرية ، باب النهی بغير اذن صاحبه ، ج ۸/ص ۳۶۹ .

۴- ابجبر ، فتح الباری ، ج ۱۰/ص ۴۱ .

تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنَّ عَادَ الرَّابِعَةَ لَمْ يَقْبَلْ اللَّهُ لَهُ صَلَاةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ تَابَ لَمْ يَثْبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَقَاهُ مِنْ نَهْرِ الْخَبَالِ قِيلَ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَمَا نَهْرُ الْخَبَالِ قَالَ نَهْرٌ مِنْ صَدِيدِ أَهْلِ النَّارِ»<sup>۱</sup>.

«کسی شراب بنوشد خداوند چهل روز نمازش را قبول نمی‌کند، اگر توبه کند خداوند توبه اش را می‌پذیرد، اگر دوباره به نوشیدن شراب برگردد، خداوند چهل روز نمازش را قبول نمی‌کند، اگر توبه کند خداوند توبه اش را می‌پذیرد، اگر دوباره به نوشیدن شراب برگردد، خداوند چهل روز نمازش را قبول نمی‌کند، اگر توبه کند خداوند توبه اش را نمی‌پذیرد و از نهر "خبال" برایش مینوشاند، گفته شده ای ابو عبدالرحمن نهر خبال چیست؟ گفت نهری است از زرداب اهل جهنم.

با نوشیدن هر بار شراب ثواب چهل روز نمازش باطل می‌گردد هر باری که توبه نمود و باز برگشت به همین اندازه ثواب عملش باطل می‌شود و در بار چهارم اگر توبه هم کند خداوند متعال توبه اش را نمی‌پذیرد و شخص مستحق دخول جهنم می‌گردد.

### مطلب سوم - سود خوری:

ربا در لغت به معنای زیادت مطلق و بدون عوض در یک شیئی را گفته میشود "رباالشیئی یربو اذا زاد"<sup>۲</sup>.  
 و در اصطلاح شرع ربا زیادت در اموال مخصوص و تعامل اشیای همجنس همراه با زیادت را گفته میشود.<sup>۳</sup>  
 ربا یکی از محرمات قطعی شرعی بوده که در آن خیر و برکتی نیست و از نقیصه های دین و دنیا میباشد.

### آثار مرتب بر معامله سودی:

معامله سودی اضرائی و عواقب بدی را بر فرد و جامعه به بار می‌آورد که قرآن کریم مسلمانان را از آن برحذر داشته است این تعامل مخالفت صریح از امر خداوند متعال و پیغمبرش میباشد چنانچه خداوند متعال فرموده است: ( فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ )<sup>۴</sup>.

« آنان که با فرمان او مخالفت می کنند ، باید از این بترسند که بلائی ( در برابر عصیانی که می ورزند ) گریبانگیرشان گردد ، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود ( اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی ، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی ).

بعضی از آثار مرتب بر تعامل سودی معجل و دنیوی و بعضی آن مؤجل و اخروی است:

۱- اخرجہ الترمذی ، باب ما جاء فی شارب الخمر، ج ۷/ص ۶۲. قَالَ أَبُو عِيسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۲- مختار الصحاح: ص ۲۳۱.

۳- منهاج المسلم، ص ۲۶۵.

۴- سوره نور/۶۳.

۱- **حلول لعنت بر تمام مشترکین معامله سودی / معامله سودی سبب مورد لعنت قرار گرفتن فاعل** و تمامی دست اندر کاران آن میشود، ولعنت به معنای دوری او از رحمت خداوند متعال میباشد. در حدیثی به روایت ابن مسعود آمده است او میگوید: «لعن رسول الله ۵ - آکل الربا ومؤکله، وشاهدیه، وقال هم سواء»<sup>۱</sup>.

«رسول الله ص فرد سود خور، سود دهنده، کاتب، وشاهد آن را لعنت گفتند وفرمودند همه ی آنها با هم برابر اند.

۲- **ازبین رفتن خیر وبرکت از مال سود گیرنده / خداوند متعال فرموده است:** ( يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ)<sup>۲</sup>.  
«خداوند (برکت) ربا را (و اموالی را که ربا با آن بیامیزد) نابود می کند و (ثواب) صدقات را (و اموالی را که از آن بذل و بخشش شود) فزونی می بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

و در آیه دیگری فرموده است: (وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ)<sup>۳</sup>. «آنچه را که به عنوان ربا می دهید تا از اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت (و بلکه خدا از آن می کاهد و نابودش می نماید)، و آنچه را که به عنوان زکات می پردازید و تنها ذات خدا را منظور نظر می دارید، این گونه کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود.

۳- **اعلان محاربه با خداوند متعال ورسول الله ۵ / خداوند متعال فرموده است:** ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ)<sup>۴</sup>.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از (عذاب و عقاب) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا (در پیش مردم) باقی مانده است فروگذارید، اگر مؤمن هستید. پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با خدا و پیغمبرش برخاسته اید، و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و اوامر دین را گردن نهادید) اصل سرمایه هایتان از آن شما است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

۱- (أحمد، وأبو داود، والترمذی - عن ابن مسعود) أخرجه أحمد (۳۹۳/۱، رقم ۳۷۲۵)، وأبو داود (۲۴۴/۳)، رقم ۳۳۳۳)، والترمذی (۵۱۲/۳، رقم ۱۲۰۶)، وقال: حسن صحيح.

۲- سورة بقره ۲۷۶.

۳- سورة روم/۳۹.

۴- سورة بقره ۲۷۶-۲۷۹.

امام قرطبی رحمه الله، در تفسیر این آیت گفته است: اگر باشنده های شهر و قریه ی بر معاملات سودی مداومت کنند و یا آنرا حلال بشمارند مرتد حکم میشوند و حکم آنها مثل حکم اهل ارتداد میباشد با حکومت اسلامی جایز است که با آنها بجنگد.<sup>۱</sup>

۴- بطلان ثواب صدقه از مال به دست آمده از سود / مال و پولیکه از طریق سود به دست بیاید حرام و نامشروع است خیرات و صدقه از آن باطل بوده و مورد قبول خداوند متعال نمیشود، چنانچه خداوند متعال فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ).<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده ایم (از قبیل منابع و معادن زیرزمینی) ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا از آن ببخشید؛ در حالی که خود شما حاضر نیستید آن چیزهای پلید را دریافت کنید مگر با اغماض و چشم پوشی در آن، و بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

خداوند متعال در این آیت بنده ها را از انفاق مال حرام منع نموده است و مال به دست آمده از سود از حرام ترین در آمد های مالی میباشد اگر مسلمانی این نهی را نادیده بگیرد و از چنین مالی صدقه نماید خداوند متعال آن را قبول نمیکند در حدیثی به روایت ابوهریره آمده است رسول الله فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا».<sup>۳</sup>

مراد از طیب مال حلال است (صدقه ی مال حرام ثواب و ثمره ی ندارد).<sup>۴</sup>

۱- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۳/۳۶۳.

۲- سوره بقره / ۲۶۷.

۳- اخرجه مسلم، کتاب الزکات، باب قبول الصدقة من الکسب الطیب ... ج ۵/ص ۱۹۰.

۴- صحیح مسلم بشرح النووی ج ۷/ص ۱۰۴.

### نتیجه بحث

الله متعال را سپاس گذارم که به ختم این بحث تحقیقی آنهم در پیرامون یکی از موضوعات مهمی که در نتیجه آن فرد مسلمان به خطراز بین رفتن ایمان و عمل مواجه میشود که قرآن کریم تمامی موارد آن گناهان را بیان نموده است، توفیق بخشیده یاری ام نمود تا اینکه بحث را به اتمام برسانم اگرچه این یک سعی و تلاش ناچیزی است که ادعای کمال را کرده نمیتوانم از الله متعال خواهانم این سعی ناچیز را قبول نماید.

اگرچه ترکیب موضوع روی "محببات" اعمال صالح است اما به مناسبت اینکه تعلق بحث از محببات به اعمال صالح برمیگردد بناء قبل از اینکه موارد نابود کننده عمل صالح بررسی شود در یک فصل تمهیدی راجع به اهمیت اعمال صالح و رابطه آن با ایمان، و اثر گذاری آن در نجات آخری فرد مسلمان بحث شده است و سپس محببات اعمال صالح بررسی گردیده است، اینک به پایان تحقیق روی این موضوع رسیدم نتایج مهم آنچه را که جمع و بررسی نمودم ذیلا چنین برشمردم:

۱- بعد از تعریف محببات به سه نوع کلی (قلبی، قولی و عملی) که به افعال قلب، زبان و جوارح تعلق دارند تقسیم شده است.

۲- و سپس محببات به دو بخش (محببات که فاعلش را از اسلام خارج میسازد و محببات که فقط عمل صالح را باطل میسازد) تقسیم شده است.

۳- خطرناکترین نوع محببات، محببات قلبی است که علاوه به باطل نمودن عمل صالح فاعلش را از ایمان و اسلام خارج میسازد.

۴- محببات همان گناهایی اند که ثواب و ثمره اعمال نیک و حسنات فرد مسلمان را نابود میکنند البته محببات گاهی عام و گاهی خاص میباشد. محببات عام گناهایی اند که منجر به ارتداد گردیده و تمامی حسنات را نابود میکند و محببات خاص مربوط به بعض گناهایی میباشد که فقط ثواب عمل صالح را نابود میکنند اما ارتداد شمرده نمیشود.

۵- محببات که همان گناهان و معاصی میباشد و معاصی و گناهان بشمارند که جمع آوری تمامی آنها دشوار است بناء تحقیق همان گناهایی را بررسی نموده است که به سه بخش محببات قلبی، قولی و فعلی تعلق داشته و در نصوص صریح قرآن کریم بیان شده اند.

۶- یکی از محببات عمل صالح نفاق است البته نفاق از لحاظ باطل ساختن اعمال صالح به اعتقادی و عملی تقسیم شده است و خطر نفاق اعتقادی بزرگتر از خطر شرک و کفر میباشد.

۷- ریا کاری در اعمال صالح یکی از محببات عمل صالح هست که خطر آن در نابودی ثواب عمل بیشتر می باشد از همین سبب رسول الله ۵ ریا را شرک خفی نامیده اند.

۸- اسباب و عواملی اند که باعث "حبط" عمل صالح میشوند، اسباب که منجر به حبط اعمال صالحه میگردند اولاً به دو نوع اساسی تقسیم میشود:

**نوع اول:** اسباب و عواملی که یک سره تمامی اثرات اعمال را از بین میبرد به اینصورت که عامل هیچ نتیجه ی از عملش به دست نمیآورد اگرچه آن اعمال از نوع عمل صالحه هستند و این نوع اعمال خاص به افراد غیر مؤمن و کسانی که بر ملت غیر اسلامی فوتیده باشند میگردند.

این نوع اسباب و عوامل عبارت از: کفر، شرک، ارتداد، و نفاق اعتقادی میباشند.

**نوع دوم:** اسبابی که عمل را به صورت جزئی از بین میبرد، (اسبابی که اعمال صالحه را به اندازه ی از بین میبرد که صاحب عمل مرتکب سبب نابود کننده شده باشد) و گاهی هم سبب نابود کننده به اندازه ی می باشد که تمام اعمال را از بین میبرد و این نوع از "محببات" به مؤمن ها اختصاص داشته که نتیجه آن در روز آخرت و در حین میزان اعمال دانسته میشود.

و آن اسباب عبارتند از: ریایی عملی، و مخالفت از سنت نبوی ص می باشد.

۹- بطلان عمل به اثر ارتکاب گناه به سه شرط صورت میگیرد:

أ- **عمل صالح دنیوی باشد/** زیرا محل انجام عمل صالحی که باعث نجات فرد مؤمن میشود دنیا است.

ب- **عمل صالح و آخروی باشد/** زیرا عمل زشت از خود باطل است به باطل کننده نیاز ندارد، و معنای آخروی بودن عمل در این است که فرد عمل صالح را به نیت رضای خداوند متعال انجام داده باشد.

ج- **عمل صالح بوده/** اما در برابر آن صاحبش گناهان زیادی را مرتکب شده باشد که پله ی سیئاتش بر حسناتش گران باشد که در نصوص قرآن کریم و سنت به خفت میزان (سبکی پله اعمال تعبیر شده است)

۱۰- زبان وسیله است که در خیر و شر هر دو استفاده میشود، گناهی که توسط زبان انجام میشوند و باعث و بطلان عمل میگردند عبارت از بد گفتن در مورد خداوند متعال، ملائکه ها، پیغمبران، تمسخر به شعایر دینی، ادعای نبوت، کمک خواستن از غیر الله و دروغ بستن به خداوند متعال و رسول الله ۵ میباشند، که به این وسیله شخص از ایمان خارج میشود و اعمال صالح را از بین میبرد. و برخی از گناهی قولی که در حقوق بنده ها صورت میگیرند اعمال صالح فرد را از بین میبرد اما از اسلام خارج نمی سازد.

۱۱- غیبت اخلاق ذمیمه ی هست که قرآن و سنت از آن نهی نموده و عقل سلیم آنرا نمیپذیرد و از امراض خطرناک اجتماعی به شمار میرود که آثار بد آن فرد و جامعه را متضرر میسازد، و همچنان سخن چینی از امراض نفسانی است که آثار بدی را در مجتمع اسلامی از قبیل تخریب خانواده ها، جدایی در میان دوست ها، و قطع سله رحمی را به بار میآورد و در روز قیامت از عمل صالح فرد غیبت کننده و سخن چین کاسته میشود.

۱۲- اعتبار احکام شرعی به عمل و نتایج است نه به نام و مسمی، و حکم ترک یک عمل مأمور بها به حالت شخص تعلق میگیرد اگر مسلمانی مثلا نماز را از راه انکار ترک کند ارتداد شمرده شده ثواب کلیه اعمال صالحه اش از بین میرود. و اگر از راه کسالت و بی پرواهی نماز را ترک کند کفر شمرده نمیشود بلکه آن فرد مسلمان گنه کار بوده اگر در این حالت خود تغییری به بار نیآورد امر آخروی اش مربوط مشیت خداوند متعال میگردد (ان شاء عزبه وان شاء عفی عنه)

۱۳- البته ثواب عملیکه به اثر ارتکاب محببات باطل شده اند به توبه صادقانه واپس میشوند.

۱۴- مؤمنانی که مرتکب عصیان شده است اگر محبباتی از نوع کفر، شرک و نفاق اعتقادی را مرتکب نشده و به این حالت از دنیا نرفته باشند برای همیشه در جهنم باقی نمیمانند بلکه به اندازه گناهان شان عذاب شده و سپس از جهنم بیرون کرده میشوند.

۱۵- گناهانی که از نوع محببات عمل صالح هستند نه تنها تأثیر آخروی دارند بلکه باعث اثرات بد در زنده گی دنیوی فرد مرتکبش نیز میشوند، از جمله سختی در زنده گی، نزول بلاها و مصیبت ها، تسلط شیطان

و....

## فهرست منابع:

- ١- القرآن الكريم .
- ٢- ابن تيميه ومحمد بن عبدالوهاب ،وايمة الدعوة(ب ت) مجموعة الرسائل ،طبع دارالافتا السعودية.
- ٣- ابن حجر الهيتمى،ط (١٤١٧هـ) الزواجر عن اقتراف الكبائر،مكتبة النزار مصطفى الباز، مكة المكرمة.
- ٤- ابن حجر،احمد بن على بن حجر العسقلانى،[ت ٨٥٤هـ] ط، (١٤٠٧) هـ ق فتح البارى بشرح صحيح البخارى مع تحقيق محب الدين الخطيب، المكتبة السلفية، الطبعة الثالثة.
- ٥- ابن حزم،(ب ت) مراتب الاجماع فى العبادات، والمعاملات والاعتقادات،دار الكتب العلمية بيروت .
- ٦- ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد بن احمد القرطبى. (١٤٠٨) هـ . ق. بدايه المجتهد. لبنان: دارالكتب العلميه، بيروت.
- ٧- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسى (١٩٨٤م) التحرير والتنوير الدار التونسية للنشر تونس.
- ٨- ابن عبد البر مع تحقيق مصطفى بن احمد ومحمد عبدالكبير البكرى (١٣٨٧هـ) التمهيد: وزارة الاوقاف والشؤون الاسلاميه مصر.
- ٩- ابن العربى المالكى (ب ت) عارضه الاحوذى بشرح جامع الترمذى دارالكتاب العربى.
- ١٠- ابن عطية ابى محمد عبدالحق الاندلسى:ط (١٤٠٣) هـ المحرر الوجيز،تحقيق عبدالله بن ابراهيم الانصارى:دارالفكر بيروت.
- ١١- ابن قدامة، عبد الله بن أحمد المقدسي . المغني تحقيق : د. عبد الله التركي و د. عبد الفتاح الحلو . دار عالم الكتب، الرياض. ط٣-١٩٩٧م/١٤١٧هـ.
- ١٢- ابن قيم الجوزية ط (١٤١٦) هـ، مدارج السالكين بمنازل اياك نعبد و اياك نستعين تحقيق عماد عامر دارالحديث القاهرة ط ١.
- ١٣- ابن قيم الجوزية ط(١٤٢١) هـ الجواب الكافى لمن سأل عن دواء الشافى جمعية احياء التراث الكويت ط ١.
- ١٤- ابن كثير،الحافظ عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن كثير القرشى الدمشقى ط (١٤١١) هـ التفسير القرآن العظيم،المكتبة القيمة القاهرة ط ١.



- ١٥- ابن ماجه، ابو عبدالله بن يزيد الربعى القزوينى، (ت ٢٧٣ هـ . ١١٤١ م). ط١، م، ط(١٩٨٨) هـ سنن ابن ماجه. (تحقيق محمد الشاذلى النيفر)، دار الحكمة بالجزائر و المطبعة العربية تونس.
- ١٦- ابن منظور، محمد بن مكرم بن على ابوالفضل جمال الدين الانصارى الرويفعى، (١٤١) هـ لسان العرب دارالصادر بيروت الطبعة الثالثة .
- ١٧- ابن نجيم، زين العابدين بن ابراهيم. (١٩٨٠ م). الاشباه والنظائر. لبنان: دارالكتب العلمية، بيروت.
- ١٨- ابن نجيم، زين العابدين بن ابراهيم. (ب ت). بحر الرنىق. لبنان: مكتبة الحقاينيه، بيروت.
- ١٩- ابو بكر جابر الجزايرى، ط (١٤١٠). "منهاج المسلم". رياض: مكتبة علميه.
- ٢٠- ابو داود، سليمان بن الأشعث السجستانى، (ت ٢٧٥ هـ . ٨٧٠ م). سنن ابى داود. ط١، م، (تحقيق يوسف الحاج احمد)، مكتبة ابن حجر، دمشق، ١٤٢٠ هـ . ١٩٩٩ م.
- ٢١- ابوالحسن مسلم بن الحجاج القشيرى النيشاپورى، (ت ٢٦١ هـ . ٨٧٤ م). صحيح مسلم. ط١، م، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٢١ هـ . ٢٠٠١ م.
- ٢٢- ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، (ت ٢٥٦ هـ . ٨٦٩ م) صحيح البخارى: (ضبطه و رقمه و وضع فهارسه الدكتور مصطفى اديب البغا) مؤسسة الخدمات الطباعة، بيروت، ١٤٠٠ هـ . ١٩٨٠ م.
- ٢٣- ابو عبدالله محمد بن احمد الانصارى القرطبى، (ب ت) الجامع لاحكام القرآن تحقيق محمد ابراهيم الخفناوى طبع دار الحديث القايره.
- ٢٤- ابو عبدالله محمد بن محمد ابن عرفة التونسى المالكى ط (١٤٠٣) هـ تفسير ابن عرفة دارالكتب العلمية بيروت.
- ٢٥- ابو عبدالله محمد بن احمد الانصارى القرطبى، (ب ت) الجامع لاحكام القرآن تحقيق محمد ابراهيم الخفناوى طبع دار الحديث القايره.
- ٢٦- أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦ هـ) الأذكار النووية أو «حلية الأبرار وشعار الأخيار في تلخيص الدعوات والأذكار المستحبة في الليل والنهار، تحقيق: محيي الدين مستو، دار ابن كثير، دمشق - بيروت الطبعة: الثانية، (١٤١٠) هـ - (١٩٩٠) م .
- ٢٧- أبو حيان الأندلسي، محمد بن يوسف بن على بن يوسف بن حيان اثير الدين، [ت ٧٤٥ هـ] بحر المحيط فى التفسير، تحقيق صديقى محمد جميل، دار الفكر بيروت (١٤٢٠) هـ ق.
- ٢٨- ابوالحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى، الشهير بالماوردى (ت ٤٥٠ هـ) تفسير ماوردى (النكت والعيون) مع التحقيق السيد بن عبدالمقصود (١٤٢٢) هـ دارالكتب العلمية بيروت.

- ٢٩- ابو عيسى، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك الترمذى ، ابو عيسى [ت ٢٧٩هـ] سنن الترمذى: مع تحقيق محمد ناصر الدين الالبانى ، مكتبة المعارف بيروت.
- ٣٠- ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران العسكرى ، الفروق اللغوى ، التحقيق والتعليق محمد ابراهيم سليم ط دار العلم والثقافة.
- ٣١- ابى القاسم جادالله محمود بن عمر الزمخشري ، (ب ت) حقايق التنزيل و عيون الاقاويل، مكتبة مصطفى البابى مصر.
- ٣٢- احمد بن حنبل ، المحدث الفقيه صاحب المذهب (١٣٩٣) هـ مسند امام احمد: مع تحقيق شعيب الارناؤوط ، طبع مؤسسة الرسالة.
- ٣٣- احمد بن فارس، بن زكرياء القزوينى الرازى ط (١٣٩٩) هـ معجم مقاييس اللغة تحقيق عبدالسلام محمد هارون دار الفكر.
- ٣٤- اسماعيل حماد الجوهرى ، الصاحح تاج اللغة وصحاح العربية : دار الملايين بيروت.
- ٣٥- الازهرى، ابى منصور محمد بن احمد ، (ب ت) تهذيب اللغة تحقيق عبدالكريم الغرباوى مطابع سجل العرب مصر.
- ٣٦- الالبانى، محمد ناصر الدين (١٤٢١) صحيح سنن ابوداود، طبع مكتبة المعارف الرياض الطبعة الثانية.
- ٣٧- الالبانى محمد ناصر الدين ط (١٤٢١) هـ صحيح جامع الصغير المكتب الاسلامى ط ٣.
- ٣٨- آلوسى، ابى الفضل شهاب الدين محمود آلوسى ، ط (١٤١٤) هـ روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى دار الفكر بيروت.
- ٣٩- انيس، ابراهيم و منتصر عبدالحليم و الصواحي، عطيه و احمد، محمد خلف الله، (ب ت) المعجم الوسيط ، دار الفكر، مكان الطبع بيروت.
- ٤٠- بغوى، ابو محمد حسين بن مسعود بن محمد بن فراء الشافعى، (ت ٥١٠ هـ) معالم التنزيل فى تفسير القرآن، بتحقيق عبدالرزاق المهدي، دار احياء التراث العربى، بيروت الطبعة الاولى، ١٤٢٠ هـ ق.
- ٤١- بهوتى، منصور بن يونس ط (١٩٨٣) م. كشاف القناع على متن الاقناع. مكتبة النصر الحديثة، لبنان.
- ٤٢- البيهقي، أحمد بن الحسين. السنن الكبرى: تحقيق: محمد عبد القادر عطا. دار الكتب العلمية، بيروت. ط ٣- ٢٠٠٣ م/ ١٤٢٤ هـ.
- ٤٣- جلال الدين السيوطى، (ب ت) الاشباه والنظائر: طبع دار الكتب العلمية بيروت لبنان.

- ٤٤- جمال الدين ابو الفرج عبدالرحمن بن على بن محمد الجوزى المعروف بابن الجوزى  
(١٤١٤هـ) تفسير زاد المسير، دار الكتاب العربى بيروت تحقيق عبدالرزاق المهدي.
- ٤٥- حافظ ابن بطة العبكرى ط (١٤٠٩هـ) الإبانة عن شريعة الفرقة الناجية، طبع  
دار الراية الرياض الطبعة الاولى.
- ٤٦- حسن حبنكة الميدانى ط (١٣٩٩هـ) العقيدة الإسلامية وأساسها، دار القلم بيروت.
- ٤٧- الحصكفي، علاء الدين محمد بن علي حاشية ابن عابدين . تحقيق : عبد المجيد  
طعمة حلبى . دار المعرفة، بيروت . ط ١-٢٠٠٠م / ١٤٢٠هـ
- ٤٨- أبو سليمان حمد بن محمد بن إبراهيم ، إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم  
الدين ٥ / ٢٧ - ٢٨ دار الفكر بيروت .
- ٤٩- دكتور صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان ط (١٤٢٠هـ) عقيدة التوحيد وبيان  
ما يضادها او ينقضها من الشرك الاكبر والاصغر... دار العاصمة الرياض.
- ٥٠- ذهبي، ط (١٤١٦هـ) الكباير، دار ابن المبارك للنشر والتوزيع ط ٤.
- ٥١- راغب الاصفهانى، (١٤١٢هـ) المفردات فى غريب القرآن تحقيق صفوان  
عدنان: دار القلم دمشق.
- ٥٢- امام محمد الرازى، ط (١٤٠١هـ) التفسير الكبير ومفاتيح الغيب، دار الفكر بيروت  
لبنان.
- ٥٣- زمخشري ، ابى القاسم جادالله محمود بن عمر الخوارزمى ، (ب ت) تفسير حقايق  
التنزيل المسمى بالكشاف، مكتبة مصطفى البابى مصر.
- ٥٤- سعدى بن ابى حبيب ، (ب ت) القاموس الفقهي لغة واصطلاحات الفقهاء، طبع  
دار الفكر العربى.
- ٥٥- سعدى، ابو عبدالله عبدالرحمن بن ناصر بن عبد الله بن ناصر بن ال سعدى ، القول  
السديد شرح كتاب التوحيد تحقيق المرتضى زين احمد طبع مجموعة التحف الفانس الدولية  
الطبعة الثالثة.
- ٥٦- سعيد بن على القهطانى ، (ب ت) آفات اللسان فى ضوء الكتاب والسنة، طبع مكتبة  
ابى بكر الصديق القاهرة.
- ٥٧- سعيد حوى، ط (١٤٠٣هـ) المستخلص فى تذكية النفس، دار ارقم عمان.

- ٥٨- سليمان بن سحمان :ط (١٤١٢هـ) الضياء الشارق في رد شبهات المارق، بتحقيق عبد السلام بن برجس، دارالعاصمة السعودية.
- ٥٩- سمرقندی، ابوالليث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهيم السمرقندی:ط (١٤١٣هـ) بحر العلوم: تحقيق على معوض وآخرون دارالكتب العلمية بيروت.
- ٦٠- شربيني، محمد بن احمد الخطيب، مغنى المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج. ط. ١، ٦م، (تحقيق الشيخ على معوض و الشيخ عادل الموجود)، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٥هـ. ١٩٩٤م ج ٦.
- ٦١- شوكانى، محمد بن على ابن محمد (ب ت) تفسير فتح القدير، الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير طبع عالم المعرفة.
- ٦٢- الشوكاني، محمد بن علي بن محمد. نيل الأوطار تخريج: عصام الدين الصبابي. دار الحديث، القاهرة. ط ١-١٩٩٣م/١٤١٣هـ.
- ٦٣- شيخ الاسلام الامام احمد بن عبد الحلیم بن عبدالسلام الدمشقی الحرانی ط (١٤١١هـ) السامر المسلول على شاتم الرسول، المكتبة العصرية بيروت.
- ٦٤- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى ابو جعفر الطبرى ط (١٤١٥هـ) جامع البيان عن تأويل آى القرآن تحقيق دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركى دارالهجرة للطبع والنشر ودار الفكر بيروت.
- ٦٥- طبرانى، سليمان بن احمد ابوالقاسم الطبرانى، معجم الاوسط، تحقيق حمدى عبدالمجيد، السلفى، ط. مكتبة العلوم والحكم موصل سوربة ط :٢ (١٩٩٩م).
- ٦٦- عبدالرحمن حسن حبنكة الميدانى ط (١٣٩٩هـ) العقيدة الاسلامية واساسها دارالقلم بيروت.
- ٦٧- عبد الرحمن بن ناصرالدين السعدى، ط ١ (١٤١٥هـ) تيسير الكريم الرحمن فى تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة.
- ٦٨- عبدالرحمن حسن حبنكة الميدانى ط (١٤٢٠هـ) الاخلاق الاسلامية واسسها دارالقلم دمشق.
- ٦٩- عبدالله ابن باز و محمد بن صالح العثيمين ط (١٤١٣هـ) الفتاوى المهمة لعموم الامة تحقيق ابراهيم الفارس دارالعاصمة الرياض.
- ٧٠- فيروز آبادى، مجدالدى ابو طاهر محمد بن يعقوب، (١٤٢٦هـ) قاموس المحيط: مؤسسه الرسالة بيروت .
- ٧١- قاضى عياض، (ب ت) الشفاء بتعريف حقوق المصطفى: ط مكتبة الايمان.

- ۷۲- قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری ط ۲ (۱۴۱۶ هـ) الجامع لاحكام القرآن مكتبة دار الحديث القاهرة.
- ۷۳- قیومی، احمد بن محمد: ط (۱۴۰۸ هـ) المصباح المنیر المكتبة العصرية بیروت الطبع الثاني.
- ۷۴- کاسانی، علاء الدین ابو بکر بن مسعود، (ت ۵۸۷ هـ . ۱۱۹۱ م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرايع. ط ۲، ۷، دار الكتاب العربي، بیروت، ۱۴۰۲ هـ . ۱۹۸۲ م.
- ۷۵- کلبی الغزنای، ابو القاسم محمد بن احمد بن جزى المعروف بابن جزى مالکی. القوانين الفقهية. المستفاد من مكتبه الشامله.
- ۷۶- ماوردی ابی الحسن علی بن محمد بن حبیب ط (۱۴۱۲ هـ) النکت والعيون دارالکتب العلمية بیروت.
- ۷۷- محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی ابوالفیض مرتضی الزبیدی (ب ت) تاج العروس، دار الهدایة .
- ۷۸- محمد بن حبان، بن أحمد، بن حبان، بن معاذ، بن معبد، بن سعید أبو حاتم التميمي البستي، صحيح ابن حبان. المكتب الكترونيكي، الشامله.
- ۷۹- محمد امين بن محمد مختار بن عبدالقادر الجنكي، الشنقيطي: ط (۱۴۲۱ هـ) تفسير اضوء البيان دار الفكر بیروت .
- ۸۰- محمد رشيد رضاء ط (۱۳۹۳ هـ) تفسير قرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار، دار المعرفة بیروت الطبعة ۲.
- ۸۱- محمد الرازی ط (۱۴۰۱ هـ) التفسير الكبير مفاتيح الغيب دار الفكر بیروت.
- ۸۲- محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر الرازی (ب ت) مختار الصحاح: دار القلم بیروت.
- ۸۳- محمد بن احمد بن سيد احمد ط (۱۴۱۳ هـ) الذنوب وقبح آثارها على الافراد والشعوب، مكتبة السواری مكة المكرمة ط ۳.
- ۸۴- محمد نعيم ياسين، (ب ت) كتاب الايمان، دار التوزيع والنشر الاسلاميه بیروت.
- ۸۵- محمد بن صالح العثيمين، (۱۴۲۱ هـ) القول المفيد في كتاب التوحيد ، دار ابن الجوزی السعودية طبع الرابع .
- ۸۶- محمد بن سعيد القحطانی، ط (۱۴۰۴ هـ) الولاء والبراء في الاسلام، دار الطيبة الرياض السعودية.
- ۸۷- مصطفى خرمدل، تفسير فارسی نور، مكتبة الكترونيكي قلم.

- ٨٨- نووى، ط (١٤٠٥) هـ روضه الطالبين وعمده المفتيين، المكتب الاسلامى بيروت ط٢.
- ٨٩- نووى، ط (٢٠٠١م) شرح صحيح مسلم مؤسسة المختار القاهرة ط١
- ٩٠- نيشابورى ابوالحسن محمد بن عبدالله الحاكم المستدرى على الصحيحين الطبعة الاول لبنان بيروت دار كتب العلمية. (١٤١١) هـ ش.
- ٩١- وهبه الزحيلى، ط (١٤١٨) هـ التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج، دارالفكر بيروت.
- ٩٢- وهبه الزحيلى ط [١٤١٨] هـ ق الفقه الاسلامى وادلته، الطبعة الرابعة المطبعة العلمية دمشق .

## **Summary of the Research:**

The subject of research which is the knowledge of righteous deeds in the Holy Quran, is one of the important topics that has a special place in the Holy Quran and the prophetic tradition and this issue in terms of content and method of research includes such things introducing details such as compliments of righteous deeds, and its effects in this world and the hereafter of the believer to the word and deed and lead to the destruction of the righteous deeds of the believer.

Of course, all righteous deeds and their destructive sins are sought in the Holy Quran.

Obviously, faith and action are related and they are necessary to each other and the sins that are committed to heart, word and deed they effect and even destroy righteous faith and action, so the research of this issue is important in several ways.

Because it is a matter of faith and deed in Holy Quran both are committed and it is called the cause of human salvation in this world and hereafter because the Holy Quran has encouraged the righteous deeds.

And warned against sins and called it destroyer of righteous deeds the subject has been searched inductively in the Holy Quran and the books of commentary and hadith.

The subject includes important results such as: expressing the relationship between faith righteous deeds and expressing the importance of faith and righteous deeds and effects on it.

The effect of sincerity in action and its benefits, expressing the effect of sins invalidation reward of righteous deeds.

And the righteous deeds belong to the heart and action and effect both faith and deed, and sometimes the issue of memorizing action by committing the sins make individuals and society good and prosperous.





**Salam University**

**Faculty of Sharia and law**

**Master program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Republic of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Knowledge of righteous deeds in Holy Quran**

**A Master's thesis**

**Student: Humaira (Formuli)**

**Supervisor: Dr Abdulbari (Hameedi)**

**Year: 2018**



**Salam University**

**Faculty of Sharia and law**

**Master program in  
Tafseer & Hadith**



**Islamic Republic of  
Afghanistan**

**Ministry of Higher  
Education**

# **Knowledge of righteous deeds in Holy Quran**

**A Master's thesis**

**Student: Humaira (Formuli)**

**Supervisor: Dr Abdulbari (Hameedi)**

**Year: 2018**